

مسائل بین المللی

مجله تفویک و اطلاعاتی

شماره ۱ (۷۹)

بهمن - اسفند سال ۱۳۵۴

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تفویک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص داده.

موضوعات این مجله از قبیل مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که تقریره تفویک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منیکس کننده نظریات و اندیشه های آناست "انتخاب" و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱ و ۲ (ژانویه - فوریه) سال ۱۹۷۶ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به چاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

با این کتابخانه کنید:

P. B. 49034
10829 Stockholm 49
Sweden

شماره شماره بانکسکی جدید مجله
"مسائل بین المللی":

Berlin
Deutscher
Allgemeinverlag A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

فهرست مقالات این شماره:

مؤلف	عنوان	صفحه
ساراد امیترا پتی سینگلر خوزر سوارش	حزب کمونیست اتحاد شوروی و اهمیت تاریخی آن	۱-۳
نورالدین کبانوری	آرایش نیروهای طبقاتی در مرحله انقلابی در مکزیک	۱۰-۱۷
حمید صفری	رنامه جدید حزب توده ایران	۱۸-۱۹
رودنی آرمسندی	در باره دیالکتیک همزیستی مسالمت آمیز و تحولات انقلابی	۲۰-۲۱
انریکه رودریگز	در باره مسئله جنبه ایدئولوژیک واحد کمونیست‌های جهان	۳۰-۴۱
ولا دیمیرشوندیف	تعمیم برتری‌های سوسیالیسم بقیاس جامعه کشورهای سوسیالیستی	۴۲-۴۸
فریدل فورنبرگ مس دویسگ	مبهم‌پرستی و انترناسیونالیسم کمونیست‌ها	۴۹-۵۸
لئو شیدین	در باره جیووانی نونال	۵۹-۶۳

حزب کمونیست اتحاد شوروی و اهمیت تاریخی آن

نورالدین کبانوری - عضو شورای ملی حزب کمونیست هند و بنیان
پتی سینگلر - عضو کمیته اجرائیه ملی حزب کمونیست آیرلند
خوزر سوارش - عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل

در راه فوری به سوی پیروزی نهایی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل می‌شود. این
کنگره از هم اکنون توجه افکار عمومی جهان را بخود جلب کرده و با بجات بازگویی سیاسی گوناگون
در باره آن تلفظ‌هایی می‌کند. این یک امر طبیعی است. سخن برضآنست که حزب خاکبه بزرگترین
کشور سوسیالیستی، کشوری که تکیه گاه و پیشه‌مان صلح و سوسیالیسم است چه برنامه‌ای در عرضه
سیاست داخلی و خارجی برای آینده نزدیک اتخاذ خواهد کرد.

هر کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای کمونیست‌های کشورهای مختلف دارای اهمیت
خاصی است. زیرا هر کنگره برای آینده و تأمل و تعمق گسترده، برای مقایسه تئوری علمی ویرایش
برای واری و روشی درستی و راهنما و اندازه گیری طول گامهایی که باید نظر گرفتن ویژگی‌های جهان
باید برداریم پایه و اساسی بدست می‌دهد. این هم یک امر طبیعی است. زیرا سخن بر سر همزیستی
است که برای نخستین بار شکل حزب مارکسیستی - لنینیستی طراز نوین سازمان یافت. بسیاری
نخستین بار حاکمان راه پیروزی انقلاب سوسیالیستی رسانند. برای نخستین بار رهبری ساختار
سوسیالیستی را به عهد مگریت و خلقهای کشور خود را بسطج سوسیالیسم پیشرفته ارتقا داد. چنین
که تأثیر برجسته ای در لایم ساختن محیط سیاسی سیاره ما، در موفقیت مبارزه در راه صلح، کاهش
تشنج همکاری اقتصادی و فرهنگی خلقهای روی زمین داشته است.

موضوعات دیگر از نقطه نظر نیازند بهایی کنونی مبارزه خود در زمان زهرین و تأمل حکیم:
- تجربه تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی در انقلاب و ساختار جامع نو
- تجربه سازماندهی به جامع‌ها سوسیالیستی در مقایسه با زندگی جامعه سرمایه‌داری
- تجربه سیاست بین‌المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مقطع وحدت جهانی نظری و عملی
- امکان‌ها استوار داشتن صلح و هدایت ترتیب ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت پیروزی
انقلاب جهانی.

به جهت گوناگون بودن تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی با مگریم ۲ اولاً، باین دلیل که
خود بدایت حزب بلشویک بر پایه تعمیم تمام تجارب پیشین جنبه کارگری استوار بود و لنینیسم گمانه
وسط و تکامل مارکسیسم بود این تجربه را جذب میکرد، متمرکز ساخت و تطویر و اصلاح آن را بر عهده
میکرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی نتایج حاصله را در عمل مورد آزمایش قرار داد و با فعالیت‌های
خود فنی تر میکرد و آنها را در زمان زهرین در شرایط زحمات فراوان بدست می‌آورد. ثانیاً، باین دلیل که راه

دشمنان حزب ، راهی بود که هر گام آن در مرحله اول نداشتن خسته برداشته میشد و راه پیشگامانی بود که با خطرها و پیش بینی نشده بسیاری که گاه گاه بر آنان روی آور میشد تزام بود و بطور تمام اینها راهی غیرتجربین بود .

هر گام در جرایم پیشگامان می نهد نمیتواند بموقعیت مناسبی که برایش پیش آمده ارج ننهد . نه در پیشانی نوشت برتری بر اهل پیشگامان آنرا این است که " آلمانها تفریبات بر تزارها در جنبش کارگری شرکت جستند . همانطور که سوسیالیسم تئوریک گمان هیچگاه انرا نخواهد برد که روی شانهای من سمین ، فوری و آتش . . . بهایستاده است ، همانطور هم جنبش کارگری علی آلمان هیچوقت نباید فراموش کند که بر شانههای جنبش انگلیسی و فرانسیسی پیشین گرد و پیرامان دراد است که تجربه ای کفایتی بهای گزافی بدست آورد و بدون تسهل و ماده استفاده کند و اکنون اراغتهاها آنها که رانینگام در انگلستان اجتناب ناپذیر بود ، بهره میزد ، بدون نمونه فرد و روشهای انگلستان و مبارزات سیاسی کارگران فرانسه و نیز جنبش نیروی محرکه عظیمی که میزد . کمون پارسیس داد ، حالا ما کجا بودیم ؟ " (۱) . در ادامه این اندیشه ما متواتریم بگوئیم : بدون نمونه حزب مارکسیستی - لنینیستی طراز زمین و مبارزان بود آن نیروی محرکه عظیمی که انقلاب سوسیالیستی اکتبر داد ، حالا ما کجا بودیم ؟

اگر واقعیت موجودیت نخستین کشور سوسیالیستی که در آغاز کار یک تنه در مقابل تمام جهان سرمایه دار بود در مقابل تمام دشواریهای بدی خود ایستادگی کرد و تنها با این طقت توانست ایستادگی کند که حزب کمونیست مردم آنرا رهبری میکرد ، نبود حالا کجا بودیم ؟ هر گام نخستین کشور سوسیالیستی نسبتا قدرت نظامی و صنعتی خویش را که با کوششهای قهرمانانه مردمی که در یوتوسیاست در دست و نظر سازماندهی حزب کمونیست اتحاد شوروی قبال میگردید ، ایجاد کرده بود ، بلکه نیروی ایدئولوژی انقلابی و آسانند و ستانه ای را که حزب بخود ه آموخته بود و نیروی مردمی را که با آرزوان های و ان اجتماعی متحد شده بود ، بدین مقابله با فاشیسم تجویز میکرد ، اینک وضع جهان از آنچه قرار بود ؟ همین حالا هم ما در مبارزات خود بنوعی بزرگی متکی هستیم که در آنجا نظام اجتماعی سوسیالیستی و شیوه زندگی سوسیالیستی بمنزل معادل (الکترنیاتیو) شتی که اصولا با سرمایه داری در تضاد است ، برقرار گردیده و روز بروز برتریهای خود را بیشتر با شایع میسراند . هر گاه این راه پیشگامان کسبه در آغاز یکانه را میبیند بود ، با پیروزی قریب نمیشد برای ما گفتگو درباره اشکال گذار خود به سوسیالیسم بسیار دشوار تر و خرج تری بود .

دستاوردهای اتحاد شوروی و خلقی که حزب کمونیست اتحاد شوروی آنرا رهبری میکند بخشی معلوم است . در اینجا جامعه مرحله سوسیالیسم پیشرفته گام نپا ده است و زواری فرامیبرد که کسبه و وظائف اجتماعی و بطور اصولی از لحاظ د بگرو مقیاس دیگری نسبت به گذشته انجام می یابد و مسامحت اجتماعی سوسیالیستی به حد عالی رشد رسیده و انسان ، مسائل منوط بسسه شخصیت و تکامل همه آنها یکسان ، در برگیرنده قرار گرفته است .

بدون تردید این فاکتورهای است که قدرتی اجتماعی و اقتصادی وسیله اتحاد شوروی و دیگر کشورها جامعه کشورهای سوسیالیستی موجود آورد و شده است که با وجود آن تا بنود ساختن نظام جدید از طریق افعال روز شتی گردیده و همزستی سلامت آمیز کشورهای دارای تضادهای اجتماعی گوناگون با مبرهنایست محتمل شده است . موفقیت های اتحاد شوروی ، ما کمونیست ها را خوشحال میکند ، آنها در جاسم غریب و موهبات انتزاعی سوسیالیستی ، بخاطر امر مشترکی گفتندگی خود را واقع آن کرده ایم ،

۱ - کارل مارکس و فریدریش انگلس . مجموعه آثار ، جلد ۱۸ ، صفحه ۹۹ - ۹۸

برخی دیگر . آنها به افروزش نیروی جاذبه اندیشید و نمونه سوسیالیسم کمک میکند ، ماهی پنبه کسبه حزب کمونیست اتحاد شوروی برای آماج خود خویشی خلق شوروی ، تحکیم واقعیت بین المللی سوسیالیسم موجود از تمام امکانها استفاده میکنند و بدین ترتیب راه را برای تازانها بد شرایط مساعد برای مبارزه طبقاتی ما ، آنها را میسوزد . کار و فعالیت سازنده و خلق شوروی و کشورهای جامعه کسبه کشورها سوسیالیستی ، بمنزله عامل مبارکی که در پیشانی عروسه انقلاب جهانی در دوران معاصر صورت گرفته نقش مهم تعیین کننده ای در ارتجلی میکند .

تا نونصدی تری ، تا بهی کوهسوله کلاسیک های مارکسیسم لنینیسم بطور تئوریک کشف میشده بود ، در جریان کار و فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلقی که تحت رهبری آنست برای نخستین بار در رمل باقیات رسیده و قان نونصدیهای تازه ای کشف شد . این قان نونصدیها را میتوانستند از طریق و طریقات مارکسیستی عمیقاً مورد بررسی قرار گرفتند . اتحاد حزب کمونیست اتحاد شوروی که از طرف هر یک از احزاب برادر بطور خلاق و با توجه به شرایط ویژه مبارز خود و نیازند بهای آن بود ، قرار گرفت و امکان میدهد به بتایجی دست یابیم که برای همگان جائز اهمیت است و نیز تا نتیجه گیری در باره خود حزب یکی از این نتایج جرم است .

میدانیم که سوسیالیسم را احزاب سیاسی و موزکات ، حتی احزاب افروزی که در برابر ولت هم قرار گرفتند سوسیالیسم را هدف خود اعلام کردند نتوانستند به تجدید یا خطن سوسیالیستی جامعه صبر و صبر و درین آن را چها رچوب سرمایه داری تحقق بخشند . ولی حزب لنین برای نخستین بار این کار را انجام بر میآورد . تجربه این حزب بطور آشکار نشان داد که موفقیت امر انقلاب بود که گوناگونی عمیق سوسیالیستی در جامعه بدین حزب مارکسیستی - لنینیستی مجرب و متجرب پیوسته و سازمان واحد یکپارچه انترنارید تئورزی امکان پذیر نیست .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در فعالیت تئوریک خود که روشنگری بسیار بوده است توانست زندگی بر تحریک و فاکتورهای دقیق واقعیت زندگی (۱) را بطور خلاق در نظر بگیرد و درین حال اصول مارکسیستی - لنینیستی را به درمحل تحریف آنها از راست و " چپ " پاکیزه نگه دارد ، و جنبش فعالیت تئوریک به کمونیست ها امکان میدهد مسلط بر جواد و تری باشند و در جریان انطباق و تطابق و لزوم مستقیماً بسوی هدف عینه انقلابی پیش روند .

تجربهمزب کمونیست اتحاد شوروی بطریقی مشخص نشان میدهد که معزب مارکسیستی - لنینیستی در دوران رشد سریع صفوف خود (این از مشخصات کلیدی سلسله احزاب در حال حاضر است) و تبدیل شدن به حزب توده ای واقعی فقط در صورتی قدرت زندگی خود را حفظ میکنند و آنرا از انحراف میبندد که کشف معین طبقاتی و تشکیل سازمانی خود را مستحق نگیندند .

حزب کمونیست اتحاد شوروی " توانست خود را بطور لنینیستی با سایر احزاب درکی طبقه خود و وسیله ای از این جهت بود معاری استتار شدند منوط سازد " (۲) . حزب لنین در زمین متحد کردن نیروهای طبقاتی گوناگون و همکاران در زمین متحد شد ، در جابجانیهای سیاسی و گروههای گوناگون همواره سعی خود را در برقرار و تقویت موفقیت پیشرو احزاب کند و یکی از علل عده موفقیت آنها در زمین است ، در این جهت بود که در تاریخ آن این نکته را تأیید میکند که انترناسیونالیسم حزب هم بنسود جنبش کارگری بطوریکه هم بصورت مصالح طبقه کارگر هر یک از کشورهای است .

۱ - لنین ، مجموعه آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۱ ، صفحه ۱۳۴ .
۲ - لنین ، مجموعه آثار ، جلد ۱۸ ، صفحه ۱۸۷ .

دوران خود فاضل میان بیست و چهارمین و بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام
سابقان در تاریخ معاصرش آن را سازماندهی و طریقی از آن ممالک با خلق شوروی برهبری حزب لنینی خود
با تمام برنامه اجتماعی - اقتصادی آن در تمام جهات ساختن کمونیسم بطول ببردیده یعنی رفتن
برتر و پیشی از تمام لنین نسبت به سرمایه داران و رهبرانی وسیع تر و پیشرو تر با روشها و کارگردانی
اقتصاد شوروی طی پنج ساله گذشته دلیل محکمتری بنسب سوسیالیسم در کشورش تاریخ خلق جا
است

ما نشان دادیم که پیش از تشکیل کنگره در مطبوعات شوروی انتشار یافته مطالعه کردیم - میزان
اعتقاد و تمایل گسترده کارخان سازنده آن که طی پنج ساله گذشته در اتحاد جماهیر شوروی انجام
شد و تا به حدی که تا حد اول در آن مدت طی کشور ۲۸٪ افزایش یافته است - این شاخص قدرت حرکت
و سالم بودن اقتصاد کشور شوروی - ترقی مداوم آن بالا رفتن مستمر سطح زندگی مردم شوروی است -
چنانچه پنج در آن مدت در اتحاد شوروی برای تأمین نیازمند بهای بریز آفرین ناد و اجتماعی و فرهنگ
و صنعتی و رفاه نوانسانان یک پنجم تقیه در راه ایجاد وسائل جدید تولیدی و مصرف می شد - در آن مدت
واقعی سرانه اهالی ۲۲٪ افزایش یافته است - افزایش ذخایر (تولیدهای) تولیدی میزان دور
برای هر یک از تولید بیشتر قدرت اقتصاد و اتحاد جماهیر شوروی است - فعالیت همزمانی حزب
اتحاد شوروی پنج سال کارکرد اوم و الهام آفرینند و شوروی پشتوانه این شاخص ها است - روش
موفق در تشکیل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در پنجم و ششم سال ۱۹۷۰ کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن ارزیابی نتایج پنج ساله گذشته گفت: " ما پیشین بطور
برداریم - اگر نتایج سابقین رشد طلق تولید اجتماعی را در نظر بگیریم - در آن صورت بنحاله پنجم
بهترین بنحاله در تاریخ کشور است - همین ماضی تر شد - زندگی مردم شوروی بهتر گردید - (۱۰٪
انجا بوظایف اساسی اجتماعی - اقتصادی بنحاله گذشته کارگزاران های بیست و چهارمین
کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین کرده بود شرایط لازم را برای گام نهادن اتحاد شوروی
بمرحله تازمونی در راه ساختن کمونیسم فراهم کرد - حزب کمونیست اتحاد شوروی بر پایه تجزیه
تحلیل مارکسیستی - لنینیستی امکانات واقعی و نیازمند بهای مردم جامعه شوروی جهات اساسی
بیشرفت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۶ را تعیین کرد - مطابق
گذشته تر از گذشته در امر ساختن اقتصاد کشور و املا می هر چه بیشتر سطح مادی و فرهنگی زندگی
مردم شوروی ارتقا یافته و بران بنحاله رسید است

حزب کمونیست اتحاد شوروی این وظیفه را در مقابل خود نهاد که بر پایه بنحاله جدید پنج
ساله پیشین - بنحاله کیفیت در راه رشد هر چه بیشتر رفاه مردم گرد - (۱۰٪)
هنگام صحبت از نتیجه حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوران کنونی - ما این کیفیت فعالیت
سیاسی داخلی آن ها مانند بدیهه ناد و کمپانی یاد می کنیم - این امر در درجه اول وابسته بد است
که حزب کمونیست اتحاد شوروی در کشور خود وظایف را انجام میدهد که بطور کلی شرایطی پیش سازند
کنشگران را در کشور های دیگر وجود ندارد و آن شرایط جامعه سوسیالیستی است که بسوی
کمونیسم می رود - معلوم است که چنین موقعیتی مسئولیت ویژه ای در برابر جنبش جهانی کمونیستی
بیتدیه حزب کمونیست اتحاد شوروی می بیند - امروزه در راستای بنحاله پنجمین کنگره حزب

۱ - روزنامه "پراودا" ۱۷ و ۱۸ دسامبر سال ۱۹۷۰
۲ - " ۱۲ دسامبر سال ۱۹۷۰

کمونیست اتحاد شوروی ما از توفیق حاصل می کنیم که حزب لنین کار بزرگ تاریخ خود را در دست انداخته
و با توفیق با دنیا همزمان شد

کشف کنیم مثنی ستایش حزب کمونیست اتحاد شوروی از جهت ۱ - طاعت آن در راه اول
این است که این مثنی بزرگ تئوریک محقق استوار است - چنانکه میدانیم حزب کمونیست اتحاد شوروی
شوروی توجه ترازوئی به بررسی مسائل تئوریک سوسیالیسم بیشتره - مطالعه قانونی و تکامل آن
بگنیم و مکانیسم عملکرد این قانونی و مسائل اعتقاد و آراها مبدل می دارد - این حزب بطور
ایجاد زمینه مادی و فنی کمونیسم - بسط و تکامل مناقشات اجتماعی سوسیالیست بیشتره - اینها پیش
و مشکل انسانی جدید و پیروز زندگی سوسیالیستی را تهیه نمود وین کرد - بررسی های تئوریک در راه
مسائل انقلاب ملی و فنی - افزایش کنشگری تولید اجتماعی - تکمیل برنامه زیر و باره اقتصاد
کشور یعنی - توسعه فضای اجتماعی - اقتصادی - نیروی مرکز توجه حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار
دارد - حزب کمونیست اتحاد شوروی در بررسی مسائل هم پیوندی اقتصاد سوسیالیستی و مسائل
مربوط به پیشرفت جهان معاصر نیز سهمیه ویژه دارد - اگر گفته شود تنها با اتکا به کارکنان که حزب
کمونیست اتحاد شوروی انجام داد و با جمله با در نظر گرفتن فعالیت های سالیانه و اخیر بنحاله
تصور نیستی از وضع آموزش انقلابی ما بدست آورد - این کنشگری با حقیقت است -
کنشگری مثنی ستایش حزب کمونیست اتحاد شوروی فعالیت های آن در راه رهبری هم چنین با
بسط و تکامل همزمانی اینکار زخلق کمترین که حزب در فعالیت خلاق تولید ها است بدقت مآید -
سطح عالی صلاحیت ستایش در رهبری توسعه های پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه
که در تمام حل مسائلی که اینها را تا پیشین تجلی میکند از شاخص همکار سازی همه جا به حزب
کمونیست اتحاد شوروی است که مرحله کنونی را چنین زخمتی که آغاز میشود -
کارهای عظیم بد و زن و شورویا و نیازها انجام نخبه و حزب کمونیست اتحاد شوروی آنها را
می بیند - لایحه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بنحاله تشکیل " بیست و پنجمین کنگره
حزب کمونیست اتحاد شوروی کنشگران " - جهات اساسی پیشرفت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی
در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰ از طرف کمیته مرکزی در سازمانهای حزبی - در جلسات و نشستگان
و در مطبوعات به بحث و مذاکره گذاشته شده هم گویا در بگون بواقع یعنی و عملت نقدیه و غنیمت
کمونیست های اتحاد شوروی است - در این لایحه - بطور مثال - ترمیم و تحلیل منوطی در راه
موضوع اول شده است که به جهت در زمین تحقق موفقیتهای سوسیالیستی بنحاله نیمه و وظایف
برنامه اول و نیازها خلق های اقتصادی و معنوی و تولیدی برخی از منتهیلات بطور کامل انجام نرسیده
است - اما وظایف ضمن اخلاقی و معنوی این سند را بخصوص یاد آور می شویم - لحن صریح و بی ادبانه
و بد و نترسد بد به شدت بد حس مسئولیت کارگران - دهقانان و روشنفکران شوروی - در امر ساختن کمونیسم
کام خود گویا - ما کمونیستهای کشورها و قاره های دیگر را گویا - این سند را می توان آن را بطور کلی
شوروی و جهان را این معنی - بنحاله پنجمین کنگره در شرایط - کشور خود در این امر اولین انجام
وابستگی حیاتی خود را به برنامه کارگران را چنین زرف احساس کنند -

تخصصی - ای کار میزبان را میخانه تشکیل بنحاله پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
کنیم صراحت از این است که حزب کمونیست اتحاد شوروی دستاورد کارگران - و دهقانان کنشگری
روشنفکران و تمام طبقات و خلقها و کنشگری را امرای راضع و ماضی الحینی هدایت میکند -
پنج ساله گذشته بد و زن تر از گذشته در تاریخ و روشها و مسائل بین المللی ها شده و در هر طرف طلوع
اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای جامعه کمونیست سوسیالیستی و پیشرفت بنحاله پنجمین کنگره

شبه خواهد رسید. بزرگترین بدست حزب کمونیست اتحاد شوروی در این است که برنامه صلح را کمبود سیاست بین المللی دوران ما است تهیه و تدوین کرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی نیویرو و این روزها برای حل مسائلی که مبتلا به تمام جامعه بشری است صرف کرد. این حزب بطور معتبر و پلنگه های دیکتاتورگری حزب و مردم پد ارها به و جان نده و چند جا همه پانزده گان اجزاب برادر همسایگان جینجی که هاش تشنج و مذاکره در باره آن می بر آید. مسائلی اخیر موفقیت های عظیم در تحقیقش سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی شخصی بگرد.

برنامه صلح از آرزوهای و تمهید کننده و واقع گردید که علاقه فرط و حیاتی جامعه سوسیالیستی را به صلح که پیش از پنجاه سال سنتی استوار بر خورد اوست شامل میگردد و از طرفان مشهور نیستند در باره صلح بر جنبه میگردد. این برنامه از آرزوهای واقع شد که برواق پیش عقب و غرور بند و حیاسی و تجزیه و تحلیل همبازانه اوضاع بین المللی و نتایج و شرایط و اجتماعی دیگر استوار بود.

این برنامه به جهت یاد آری فراوان و جدیت زیاد و اصولی و ابتکار و روش و اجرای آن در کشورهای فعالیت تمام حزب لندن و کمیته مرکزی شوروی سیاسی آن و رفیق برونف که فعالیت نه تنها در وسیله شایستگی با این ملاحظاتی برادران جنبش طرفداران صلح یعنی "بشارن طلای صلح" بنام ژولیکووری مورد قدر دانی قرار گرفتند با موفقیت ترین گردید.

اجزاب و ماکد و کشورهای گوناگون فعالیت میکنند و برنامه صلح را بنزله مهمترین سند صرمنا کما منابع حیاتی خلیجی با و مردم بر سر سر جهان تطابق دارد به برآگشتند و آزادی و نقد و مشروط مورد پشتیبانی قرار دادند. این کار را با طوفانه انتزاع سوسیالیستی خود میدانند.

کنفرانس هلمینگ گام مهمی در تحقق برنامه صلح بود. بنظر راست نهایی که در آنجا تصمیم رسید و ترمیم های هنرمندی سیاست کشورهای دواوی نظامی اجتماعی گوناگون را شامل میگردد. اساسی نیک حقوقی بین المللی برای پیشروی در و ماکه هاش تشنج سیاسی و خصالت بازگشت ناپذیری بخیرترین بدان و تکمیل آن با کاهش و حمایت نظامی بوجود می آید.

کاهش تشنج به پیوسته با فروکش کردن مبارزه طبقاتی در کشورهای برابری جهان شوم نیست و به تصمیم مبارزه اند کولونیک و در صحنه بین المللی بی انجام. امروزه در شرایطی که دشمنان طبقاتی با نیروی غیرمست شناختن وضع ثابت موجود اجتماعی کنونی و اعتدلی ایدئولوژیک با این مبارزه یک سیاست را همانند شرطی برای برداشتن گام بعدی در و ماکه هاش تشنج به پیش می کشید و ما بدانجا چنین امید می بینیم. مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک با قراردادها زمین المللی آغاز می شود و خلل و فصل نمیکرد. در دست همانگونه که در کشورهای امپریالیستی هم قادر نیستند این مبارزه را از راه ترمیمی قوانین در داخل کشور زمین بیزند. مبارزه طبقاتی ادامه خواهد یافت و به تصمیم وضع ثابت موجود اجتماعی کنونی خواهد انجامید.

اما اجزاب ما در زمین نیکه با حزب کمونیست اتحاد شوروی توافق دارند که باید از تمام امکانات استفاده کرد تا این مبارزه ای که تا امپریالیسم باقی است اجتناب ناپذیر بود و وایچه ای عینی دارد و خود احتمال امپریالیسم بنزله یک قسمت هم در شرایطی با انجام رسد که جامعه بشری را بیجا درگیری های جهانی بر خورد نظامی در تصمیم جهانی بود معطایره قرارند هند. ما همیشه با تمام کسبانی که صلح را گامی امید آرزوهای بگمرو واقع بینانه اتحاد شوروی برای بوجود بخشیدن مسائلی با امانت متعهد و اینکام چنین استقبال میکنیم. ما امید داریم که این اقدامات در جای میدان در کشور هیچ وجه مشترک با باطلان در باره و تمانی در بروردت "کما توشست" و او هم کمونیست ها انتقاد و تهدید

حزب کمونیست اتحاد شوروی با سیاست صلح خوش و تمام اقداماتی که در این راه بعمل آورده است ارج و اعتبارهای بین المللی برای خود کسب کرده است.

ما میخواهیم در آستانه یک روز بزرگ یعنی بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی با اصراحت کامل بگوئیم: مبارزه برای وحدت جنبش جهانی کمونیستی نیاز به استحکام انتزاعی سوسیالیسم برتری دارد ولی انتزاعی سوسیالیسم برتری را باید در نفع و بهشتی این و تحکیم اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی که دستاوردها و اساسی طبقه کارگر جهانی است حرف بوی بیش نیست.

بنظر حزب ما امروز مهمترین رالاع انکوا سوسیالیسم فاسد است با ایجاد شوروی و این نخستین کشور سوسیالیستی است. نفعهای شکی از اشکال آتش سوختیم بلکه وضعگیری بیگسترانه نسبت به ایدئولوژی و سیاست گرا بانه هم که دشمن امر طبقه کارگر است با نظر با خا نقرنا سوسیالیستی کمونیست ها یکجا جمع نمیشود.

اینجا فقط برخی نتیجه گیریهای استحکام در آستانه بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از اجزای مبارزان آن برای خود بدست آورده ایم.

مبارزای رفقای خود کمونیست های شوروی و موفقیت در کار کنگره و دستاورد های آن در فعالیت عظیم تر بخششان به غیر و صلاح تمام مردم و تمام صلح و سوسیالیسم در تمام جهان آرزو میکنیم.

به سیاست گردانندگان رژیم نیز مانند اهمیت است (۱-۲). این نکته امکان جدید تاسیس را اجتناب
 گسترش اتحاد های طبقاتی و سیاسی و را با اکثریت روشن سازیم .
 این مسئله از این رویدادها اینست که برای سرنوشت ساختن رژیم دیکتاتوری گویای طبیعی
 کارگروندان علاوه بر نیروهای حاکم به انقلاب و موکراتیک بانبروها و دیگری هم که خواهند به پیروی
 انقلاب و موکراتیک نرسند و حتی ممکن است برآیند به صرف مخالفین آن قرار گیرند و همکاری نماید
 آئیند نشان خواهد داد که این امکان تا چه اندازه می تواند بواقعیت پیوندد . حالا فقط میتوان پرسید
 اطمینان گفت چنین نیروهای وجود دارند . در جامعه ایران در دوران کوتاهی نیروهای جهت گسته
 به پیچیدگی میتوان آنها را در موکراتیک با هم دانست ولی با وجود این در سرنوشت رژیم گویای فریبغ
 هستند .

نهایت گسترش یافتن و فریبغ شدن زیربنای اجتماعی اتحاد و ها و جلب کارگروهای تازه ای
 از مردم به مبارزه و موکراتیک و ضد امپریالیستی این بی ثباتی پیش می آید : زمینه اجتماعی که طبقه کارگر
 در آن متحدین خود را می باید عبارت از چیست ؟ در تظاهرات انستیتیو جنبش جهانی کارگری که در سی
 طوم اتحاد شوروی گفتمیشود که این زمینه در درجه اول عبارتست از : " مجموعه طبقات متحرک و همبسی
 اجتماعی کسان و طبقه اصلی جامعه سرمایه داری یعنی کارگران و سرمایه داران در آرای و صنعت
 بینالمللی هستند " (۲) . دهقانان و دهقانان و اوصاف و پیروزی و پیروزی و پیروزی
 ها و همچنین کارمندان و روشنفکران راجب به کنندگان تظاهرات و شعار آنها حساب می آورند .
 با اظهار موافقت با این موضع گیری اصولی کلی می توانستیم بعدتر توضیح چند نکته در این مورد بده
 بپردازیم .

معتقدیم . در کشورهای دیگر سرمایه داری در آنها بطور متوسط و یا نسبتا کم رشد یافته و نسبتا چنگ
 که در آن طبقه کارگروندان متوجه شدن خود را می باید از نقطه نظر طبقاتی در مجموعه فشرده بینایی خلاصه
 نمیشود . دهقانان و پیروزی ملی کشورها با آنکه از مشخصات طبقاتی مستقل برخوردارند . در میان
 اجتماعی در " موضع متوسط " قرار دارند . دهقانان پیروزه بخش تهیه دست آنان و از لحاظ مشخصا
 اجتماعی - اقتصادی خود در حقیقت به قاعده هم اجتماعی پیروزی ملی به ایران تعلیمین
 دارند . اینطور نظر می رسد که با در نظر گرفتن اینها و هنگامیکه صحبت بر سر کشورهای در حال رشد
 است مشخصات اجتماعی طبقاتی و حرفه های جامعه را می باید در قیاس ترکزد .

مسئله متحدین طبقه کارگر در کشورهای درجه اول مسئله اتحاد با زمینکاران روستا است .
 (در این باره به ۶۱ از جمعیت تقویم ۳۴ ملیون ایران در روستاها زندگی میکنند) . در ساختار
 طبقاتی روستاهای ایران در ده سال اخیر و در نتیجه اصلاحات ارضی و رشد جناسات سرمایه داری
 بزرگ و گویای مبعی بوجود آمده است . اینطور پیش کارگران کشاورزی با سرعت روبه تزاید استوار
 طرف دیگر فشرده نسبتا قابل توجهی از دهقانان صرفه الحاح بوجود آمده است . با نفوذ سریع سرمایه
 داری و روستا صنعتی شدن تولیدات کشاورزی متحول گردانده ای در ترکیب طبقاتی جامعه و در
 تقسیم جمعیت بین شهر و روستا جناسات پیروزه و بوجود آمده است .

با این بزرگ اراضی که اکثر اینها فتودال زان و میا مالک زادگان گذشته اند . هنوز از ده
 مجموعه زمین های در شکست و بخش مبی از آب پیروزی برای کشاورزی را در اختیار دارند علاوه بر امکانات
 ۱ - رجوع کنید به " سرحد میان " استرولیکوگرومکوت و مسئله اتحاد " مجله " صلح و سوسیالیسم
 شماره یک سال ۱۹۷۶ ، صفحه ۳۴-۳۳
 ۲ - طبقه کارگرو متحدین آن - تظاهرات انستیتیو جنبش جهانی کارگری که در سی طوم اتحاد شوروی
 مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۷ سال ۱۹۷۵ ، صفحه ۵۷ .

آرایش نیرو های طبقاتی
 در مرحله انقلاب دموکراتیک

نوالدین کباری
 عضو هیئت اجرائیه و دبیر کمیته
 مرکزی حزب توده ایران

محتوی مقاله متحدین طبقه کارگر چنانکه در جریان بحث و مذاکره با آوری شده به چگونگی
 وظائف نیروهای مترقی در مراحل مختلف مبارزه بستگی دارد . در کشورهای دیگر سرمایه داری در آنها
 نسبتا کم و با بطور متوسط رشد یافته در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فتودالی هدفهای به پیش کشیده
 میشود که مقصود از آنها تحقق در گرونیهای و موکراتیک و تا همین خط مشی مستقل در سیاست خارجی
 و روابط اقتصادی مستقل بسمود مصالح اکثریت قاطع افراد ملت است . طبیعی است که این وظائف
 متحرک کشورهای در حال رشد و در شرایط و اوضاع گنگرت با اشکال مختلف فرمول بندی میشود .
 حزب ما با در نظر گرفتن خصوصیات به فرشت اجتماعی - اقتصادی کشور و ره های گوناگون
 مبارزات انقلابی را که در پیش است چنین تمهین میکند : انقلاب ایران هنوز در مرحله اولش یعنی در
 مرحله ضد امپریالیستی و دموکراتیک است و تنها با انجام وظائف این انقلاب است که میتوان راه را برای
 عبور مرحله بعدی یعنی انقلاب سوسیالیستی آماده ساخت .

اکنون در ایران رژیم اشتقاقی پلیسی حکومت مطلق حکمفرماست . رژیم با توسل به بعهده شیوه ها
 برقراری اشتقاقی با توسل به زندان ، شکنجه ، اعدام و کشتار مغبفانه هرگز نه مخالفت با خود را سرکوب
 میکند . وجود و همبهارا زبندانی سیاسی در سرمایه جالهای رژیم ، اعدام و کشتار بیش از ۲۰ نفر
 از مخالفین رژیم شهدا در سال ۱۹۷۴ شاهد گویای وضع سیاسی موجود در ایران است .
 بنقصد مبارزای تدارک و انجام انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و طبقه مردم دیگری در مقابل
 هم نیروهای مترقی ایران است و آن عبارتست از سرنوشت رژیم دیکتاتوری مطلق کنونی .

دیکتاتوری پلیسی بصورت ضد ترین سد در مقابل گسترش جنبش رها های بخش ملی در آمده است .
 ولی محتوی سرنوشت ساختن دیکتاتوری کنونی با محتوی انقلاب و موکراتیک و ضد امپریالیستی یکسوی
 نیست . طبق مبارزه و در راه در گرونیهای گسترده و دموکراتیک و ضد امپریالیستی با مبارزه برای سرنوشت
 ساختن رژیم تاجد و زیاد و وابسته به حل مسئله متحدین طبقه کارگر در کشور است .

ما با این عقیده که در جریان بحث و مذاکره اظهار شد موافقم که در کشورهای دیگر بر آن رژیم های
 اجتماعی حکومت میکنند هنگام تهیه و بین استراتژی اتحاد ما نمانند و در نظر گرفتن وضع اقتصادی
 اجتماعی طبقاتی و فشرده ای گوناگون بلکه نتیجه به موضع گیری نیروهای طبقاتی و اجتماعی در پاسخ

مالی بدون ازنگاه و اعتماد ذات دولتی میزان وسیعی برخوردارند. این مالکان با یکدیگر اختسار روزافزون با زمینهای کشاورزی استفاده از زمینهای کشاورزی و کارگران کشاورزی واحد های کوچک و متوسط دهقانی را برقرار قرار میدهند. بسیاری از دهقانان خرد به واسطه حالدها در نتیجه برخورد با مشکلات بنشینان زمینها دستاوردهای خود را به کوه های شیخان، دام و ضرر محکوم به ورطه گمگشتگی روی آفرین بخشها و بیوسته به اردوی کارگران کشاورزی اند.

کارگران کشاورزی که در بدترین شرایط مادی زندگی میکنند، کمترین دستمزد ها را میگیرند. کار دهنی ندارند. از هرگونه حمایت قانونی، بیمه کار و خدمات بهداشتی و غیره محرومند. از لحاظ کلی و گاهی طبقاتی و آمادگی برای مبارزه در حال رشد اند.

نقش روزافزونی را واحد های بزرگ کشت و صنعت بازی میکنند که عموماً در دست سرمایه های خارجی و سرمایه های بزرگ گردانندگان رژیم هستند. این واحدها بهیچگونگی کشاورزی مانند سرطانی رشد میکنند و هر روز به بخش های تازه ای از بهترین زمین ها قابل کشت و صنایع آب جگند سرطانی اینها را رستروا و گسترش خود همه واحد های کوچک دهقانی را می بلعند. بدین ترتیب وضع کارگران کشاورزی و شیخان در تولید، دهقانان را در انقلاب و مبارکات ضد امپریالیستی به متحد طبیعی طبقه کارگر مبدل میکند.

دهقانان خرد به واسطه حال طیفی از یک در دوران اول پس از اصلاحات ارضی رژیم موجود زمین گرفته اند. بدین ترتیب بر اثر رشد روزافزونی و غیر قابل اجتناب تضاد های اقتصادی و روستا پر خورگ با سیاست ضد دهقانی رژیم هر روز بیشتر گام میسازند و به صفوف نیروهای انقلاب رومیانند. حتی کشت مرفه الجال دهقانان که در سالهای پس از اصلاحات ارضی از امتیازاتی هم برخوردار نبودند در دوران اخیر به اثر سیاست اقتصادی و تضاد های رژیم که بر پایه تقویت مالکان بزرگ ارضی توسعه می یابد و چار و اردات محصور است. اقتصاد از یک سو و بیرون از ایالات متحده آمریکا استوار است، دچار مشکلات روزافزونی ابدیت و ناخشنودیش از وضع موجود بطور محسوس افزایش می یابد.

بخش بزرگی از نیروهای ملی عهد رجوع از تسلط سرمایه های بزرگ و از نفوذ روزافزونی سرمایه های انحصاری امپریالیستی، از شاخه های اقتصادی و سیاسی و از این رشتن قوه خرید مرد پنا راضی است، موجودی بیوسته تشنه آب میثود و رونمای آینده با بصورت ورشکستگی و یا تحمیت نوکروا وابستگی به سرمایه های بزرگ داخلی و واحدهای خارجی در برابر است.

نیروهای ملی برخلاف زمین داران کوچک و متوسط متحد نا باید اوری استوار و شرایط آفرین جنبش کارگری با احتمال زیاد همکاری با طبقه کارگر ست برپه اورد و حتی بخشهای دشمن خلق خواهند بیوسته، وطن و شرایط تشنه بد فشار سرمایه داری انحصاری و سرمایه های بزرگ داخلی وابسته بدان آید همکاری برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مبارکات است. طبقه کارگر باید نظر گرفتن این خصوصیات و این واقعیت روشن که نیروهای ملی طبقه کارگر از نتایج انقلاب بسود منافع طبقاتی خویش استفاده نمیکند، میتواند با این نیرو متحد شود.

با آنچه طبقه کارگر در مرحله رزات و مبارکات با همکاری و نظر گرفتن ویژگیهای وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ایران امروز در رجه اول ضرورت سرنگونی رژیم دیکتاتوری، میتواند با بخشی از نیروهای بزرگ ایران که نسبتاً دشمنان و متحدان منافع رژیم است همکاری نماید. روشن است که در چنین صورتی زمینهایی برای شکل گیری وسیع نیست. ولی چنین زمینه ای وجود دارد. در این مورد صحبت بر سر مسائل از سرمایه داری بزرگ ایران است که با سیاست غارت و چپاول گردانندگان رژیم دیکتاتوری موافقت ندارند. آنها میبندند که بخش عمده و ثروتمند و درآمد ملی ایران بحساب خود میمدود و از گردانندگان

رژیم دیکتاتوری، کوشش سران بر میسر شود واحد دارند که نتراند اجتن رژیم دیکتاتوری امکانات بر تری برای آنها برای گسترش فعالیت اقتصادی دشمن بوجود خواهد آورد. آنها با توپ به به نسیان ف خوش با نفوذ سرمایه های امپریالیستی ایران مخالفت دارند. اینها سرمایه داران این ننگه که در افه رژیم دیکتاتوری خطر جدی برای آینده سرمایه داری در ایران است، میگردند که هر چه زود تر بشود "راه پویان" یعنی سرنگونی دیکتاتوری را پیش گرفت خطر کمزور و تر نخواهد شد.

سیستم دولتی را که در ضمن مذکور در مبارزه ترکیب محدود محیط اجتماعی که طبقه کارگر تشنه بن خود را در آن نمایند، مخصوصاً مورد توجه قرار میدهد. در این محیط اجتماعی از مجموعه فقرهای بینابینی از لحاظ دیگری نیز میسر وسیع تر است. جنبش های گوناگون و مبارکاتی که میتواند بهانگر مومسگری و صنایع گروههای غیر راضیهای متوسط باشند بدین محیط اجتماعی تعلق دارند. در کشورهای نظیر ایران عواملی نظیر نظرات و فعالیت های روحانیون و افراد شرقی و صهیون پرست است ارتش و جنبش های ملی برای خود مختاری را نمیتوان بحساب نیامورد.

شرکت بخشی از روحانیون در مبارزات مردم در راه آزادی و استقلال، دارای سنت های تاریخی است. همه در مبارزات انقلابی سالهای ۱۹۱۶-۱۹۰۰ و بعد در مبارزات مبارکاتیک سالهای ۱۹۲۱-۱۹۱۰ و همچنین در مبارزات برای ملی کردن نفت در سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۲ و در سالهای اخیر یعنی از روحانیون (بویژه قشر جوانان) از مبارزات خلق پشتیبانی کرده و میکنند. این جنبش در ضمن اینکه دارای ویژگیهای معینی است میتواند در جریان جنبشهای بخش ملی برای انقلاب ضد امپریالیستی و مبارکاتیک در رجه خلق شرکت نماید. نظرات سیاسی چند گانه که شش ده دانشجو، روحانی و مردم که بهکشتار و بیستانه دهیغافرازانان بوسیله نیروهای امنیت رژیم بودندانی شدن بدین نافرمانیها مد نمونه ای از این مبارزه جوی است.

ارتش ایران در بخش عمده از جوانان کارگر و دهقان و روشنفکر و سایر فقره های بینابینی جامعه می باشد. ترکیب افسران جوان ارتش هم تقریباً همین شکل است. در ارتش ایران موازات یکسانت ارتجایی یعنی سنت دفاع از ارتجاع داخلی و امپریالیست ها که همیشه حاکم بوده است، یک نوع حکومت ترقیخواهانه و ملی هم وجود داشته است. هر از گود تا ای امپریالیستی و ارتجایی ۱۹۵۳ و یک طبع حکومت ملی در کوشش رژیم کوشیده است. پیشه های این سنت صعب پرستانه و ترقیخواهانه را در داخل ارتش ایران بخوانید. اعدام و دستگیری نزدیک ۶۰ نفر از بهترین افسران ارتش ایران در سال ۱۹۵۵ و زندانی ساختن بیش از ۶۰۰ نفر از آنان و اخراج و تبعید، بیش از چند هزار افسرانی که در هلند رژیم نبودند. ایجاد یک سیستم وسیع مراقبت متقابل در درون ارتش و عملی ساختن تصفیه و عدم عناصر فریب پیش، و دادن یک رشته اختیارات بویژه به قشرهای بالایی افسران مواد برنامه ریزی و حساس هستند که رژیم برای مطمئن ساختن این بهترینها بیکه فزینا نمرای خود بکار میبرد. ولی طیفی از این تلاش در ارتش ایران به طیف مختلف تعالیات میهن پرستانه ترقیخواهانه بوجود میآید و در شرایط ساده رشد میبندد. این طیف عبارتست از: فشار مهران نیروم و در بهای فقره های بالایی ارتش، تسلط افسران و درجه داران امریکائی بر ارتش ایران و تجاوز نظامی ایران به ظفار و کشتار مردم بیکسپانه و سلاح این سرزمین. هر چند گامها بکارگرفتن توطئه ای از افسران که به بازداشت و محاکمه و اعدام آنها می انجامد منتظر می شود.

با این ترتیب با وجود بیکه در شرایط کوشی ارتش بهترینها بیکه دیکتاتوری رژیم است و مدلسک با در نظر گرفتن اشروالی که هم اکنون وجود دارند و در شرایط رشد آینده و جنبشهای بخش ملی ایران بوجود خواهند آمد میتوان روی پدایش امکانات مساعدی برای اتحاد طبقه کارگر با بخشی از نیروهای مسلح حساب کرد.

پوشیده و بعد اکتیو انگار با پستیهای جدید توانست برای بلند و روان چند ساله بخش چشمگیری از نیروهای کارخانه‌های ایران را در کارخانه‌های خود بچیند. حتی خصمانه این همان تالیان را از جمله ضعیفان و اضعیفان برخوردار آورد. ولی اکنون ملاقاتیهای انقلابی و در درجه اول جوانان دانشمندی که جهان بینی علمی و روشنفکرانه جدیدی در ذهن خود تزیین و آماده شده‌اند. اگرچه طی دو سه سال اخیر شرکت‌های نفتی ایران و ماکسیم در ایران وارد شده است، هنوز تالیان و بهر آنی کمترین سهم خود را در بخش ملی و حکومتی برده‌اند. و این تالیان را در تمام آن برای همکاری با آن در بررسی اوضاعهای وابسته به اقتصاد سیاسی وجود دارد.

طرف اول از نیروی نیروی انقلاب خود امیرالمنشی بود مگر آنکه در درجه اول برکتی و رزیم دیکتاتور پانین است که مخترع‌های کارگران نخبه‌اند درجه بی می متحد ی گرد آید. وظیفه حزب طبقه کارگران ایران عبارت از این است که با در نظر گرفتن تحالیم لندن و توجه بدقیق با مکانیات موجود تصام کوششی خود را برای ایجاد جبهه واحدی و علمیه راه‌های که حرکتکنندگان در آن پس از سرنگونی رژیم در پیش خواهند گرفت، بگذرد.

برای چگونگی جنبش‌دهندگی و رشد بیشتر در تمام این زمینه‌ها ضروری است. اولین شرط اساسی آن همان‌جا زنده آگاهی و آماندگی طبقه کارگران ایران است که بخاطر یک دست آوردن حقوق صفتی و سیاسی خود می‌باشد. تنها روش تحلیل شرایط کوشی ایران اصل مارکسیستی - لنینیستی افزایش نقش طبقه کارگران است. در کشورهای غیرشوروی و غیرسوسیالیستی نیز این امر چگونگی که به رشد قدرت و اکتیویته طبقه کارگران و تحکیم نفوذ آن مبتدله می‌باشد است. ابتدا در تالیان و نیروهای انقلابی و موزیکرتیک چنانکه در جبهان جبهت و تذاکراه و در مورد دیگر کشورهای چینی این اشاره شد، کمک میکند (۱) .

بناظر بر موانع زیر هر یک از این موانع باید دید. طبقه کارگران ایران بپنوی سیاسی اصلی و سازمان دهنده مبارزات انقلابی خلق فراهم می‌آورد. با رشد سریع مناسبات سرمایه داری و اقتصاد ایران، طبقه کارگران ایران را حاکم کند. رشد سرمایه ای بلاشده با این وضعیت طبقه کارگر و مجموعه جنبش‌هایشان بخشی ملی ایران بخوانند و باید از افزایش یافته است (۲) .

مطابق آخرین آمار موجود تعداد کارگران و موزیکرتیک در ایران تاکنون به ۴ میلیون می‌رسد که از آن در بخش تولید اربعه صنعتی بیش از ۲ میلیون نفر را در اختیار دارد و در یک میلیون نفر در بخش خدمات و بازگاری و در حدود یک میلیون نفر در بخش کشاورزی و در حدود یک میلیون نفر در بخش حمل و نقل و ترابری و موزیکرتیک کارگران صنعتی نیز می‌بینان. باید از افزایش یافته است (۳) .

- ۱ - رجمو کنده به ۱۰۰ پاشیونو، در صف مقدم مبارزه ضد امیرالمنشی، مسائل صلح و سوسیالیسم شماره ۹ سال ۱۹۷۵، صفحه ۵۰۰ تا ۵۰۶
- ۲ - در دهساله اخیر تعداد زیاد ایجادهای بزرگ متوسط و کوچک صنعتی از کارخانه ذوب آهن و ماشین‌سازی تا انواع کارخانه‌های شیمیایی و مواد الکترونیکی بوجود آمده است. ولی باید یاد آورشده که رشد تولیدات صنعتی وابسته به وسعت سرمایه‌گذاری انحصاری ایران نیست، بلکه در اقتصاد ایران است. باستانی بخشی از صنایع دولتی کمزور واحد صنعتی و کشاورزی بزرگی در ایران می‌توان یافت که شکلی از اشکال سرمایه‌های انحصاری خارجی در آن را پیدا می‌شوند. کمترین سرمایه‌های مانند گذشته بخش عمده صنایع نفت ایران را در دست دارد و وسیع‌ترین در سال‌های اخیر در اختیار کشورهای خارجی است. امیرالمنشی سرانجام بود.
- ۳ - در حال حاضر حدود ۲۱۰۰۰ نفر کارگران بخش تولیدات صنعتی بیش از ۳۶۰ هزار نفر در کارخانه‌های کارگاهی صنعتی با بیش از ۱ کارگاه مشغولند در کارخانه‌های کربن و کلسیم که بیش از ۱ نفر کارگران بخش تولیدات صنعتی تنها ۱۱ هزار نفر در کارخانه‌ها و کارگاه‌های وابسته به آن، از نظر موزیکرتیک بود.

از مجموعه کارگران بخش تولیدات صنعتی در حدود ۲۰ درصد مجموعه صنایع نفت، فلزات و شیمیای، معدن، ماشین‌سازی و صنایع ترمیم و تعمیرات حمل و نقل و لوازم الکتریکی، بیشتر از ۳۵ درصد صنایع نساجی و قالب‌های سفید در صنایع ترمیم و تعمیرات صنعتی فذایی و غیرفذایی کار می‌کنند. بهوش گروه طبعی از دهقانان در برزخ صوف کارگران برای دوران کوتاهی نیازها را شکارگری را سرد کرد ولی این پدیده گذرا و کوتاه مدت بود. در واقع رشد پتانسیل‌ها در روش جامعه، استثمار و حش آوری کمترین با محاسبات رژیم اختناق در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها حکم فرماست و بریزنا نیز موزنده نسل سابقه دار کارگران که انباشته گرانبهائی از دست‌های در حشان مبارزات انقلابی را با خود دارد.

خود آگاهی طبقاتی نسل نوبت کارگری بسرعت رشد کرده و می‌کند. با وجود اینکه شرایط جامعه اعتصاب‌های مهم کارگری با سرکوب خود نگار از طرف نیروهای مسلح رژیم رهبریشود، با وجود اینکه در اکثر اعتصاب‌های مهم علاوه بر چند کشته و هم‌رازی در همان‌جا نیز افزایش اعتصاب با زداشت وده ای از آنها بهر تالیان و از زداشت محکوم می‌شود، و سازهه اعتصاب‌های سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ شدت کمی و کوشی آنها بهر تالیان شاهد رشد آگاهی طبقاتی کارگران و آمادگیشان برای مبارزه می‌باشد. یکی از راه‌های بهترین این مبارزات اعتصاب یکپارچه و در روزه اخیر ۳۵۰۰ نفر کارگران کارخانه نساجی شاهي در پان ماه و زوش و آغاز ماه ژوئیه ۱۹۷۵ است که با حیطه‌شمیانه با هم‌رویش، کشتار ۲ نفر از کارگران زخمی کردن ۳۰۰ نفر، اعلام حکومت نظامی و بازداشت ده‌ها نفر از کارگران و تعطیل کارخانه سرکوب گردید.

تزدیدی نیست که باشد بد تفاوت‌های روشی جامعه به کارگری طبقه کارگران ایران چه در زمینه مبارزات طبقاتی و چه در میدان مبارزات سیاسی شدت بیشتری خواهد یافت.

در شرایط کنونی ایران که جنبش از راهی رکود طولانی درآمد و موزیکرتیک، بزرگترین سد پیشرفت بسوی اتحاد نیروها و خلق تقریباً خلافت نظر بین سازمانهای سیاسی نماینده این نیروها می‌باشد. امیرالمنشی و ارتجاع با تمام پنوی خود می‌کوشند شکاف‌های صفتی موجود بین سازمانها و گروه‌های سیاسی شد رزم را عمیقتر سازند. با اینجمله و علمیه تمام دشواریها و موانع آنچه اکنون در میدان مبارزات سیاسی ایران چشم‌پوش و حش و ارتجاع از رشد آگاهی و مبارزه جوفی نیروهای انقلابی و بالا رفتن وسعت شدن اعتبار و تفویض حزب توده ایران در میان خلق و وضع پیش‌پا پیشی طرف آنست. بدون تردید تصحیح شیوه‌های کارزار آگاه‌سازی ۷۰، انتشار برنامه جدید و سیاست درست حزب توده ایران در زمینه اتحاد دهمنه نیروها و این جهان بسپاروش شده است.

دلائل کافی در دست است که با گسترش مبارزات انقلابی در ایران و موزیکرتیک خصمانه بخشی از نیروهای انقلابی وابسته به افسار بهائینی نسبت به طبقه کارگر و حزب آن بر طرف خواهد شد. بجهت امیدوار نبودن که با گسترش مجموعه جنبش‌های بخشی ملی در ایران و رشد سازمانی و سیاسی حزب طبقه کارگر و پیوستن بر در نال کردن سیاست درست اتحاد و بهر گزیدن شیوه‌های مناسبت‌ساز به هر لحظه تاریخی، زمینه صفتی و ذهنی برای تشکیل جبهه متحدی ضروری آماده تر خواهد شد.

گشت.

برنامه جدید حزب توده ایران

حمید صفری

مطوبهت اجرايه كميته
مرکزي حزب توده ایران

بطور كمپدي انيم بلنوم كميته مركزي حزب توده ایران برنامه جديد حزب توده ایران را بنويس
كرده و مضمون صحابي رسانده . آيا شما ميتوانيد درباره مواد اصلي اين برنامه صحبت كنيد ؟

برنامه جديد حزب مائشيسم و تحولياتي را كه در كشور ما رويد اده وزوي عهد مدت تجزيه و تحليل
ميكند و آشكارا كركن ماهيت مسائل اساسي كه امروز در برابر جامعه ايران قرار گرفته جريان تكامل
وي مشرفتر است را پديد نشان ميدهد . برنامه بايرسي مهمترين جنبههاي وضع سياسي واقتصاد ي
كوتوي در ايران خاطر نشان ميمازده كه تا ميين پيشرفت اقتصادي سريع كشور و پاين بخشيدن به نفسيا
ماندگي آن انگشورهاي رشد یافته جهان تنها با سياست گيري در زراه سوسئاليسم امكان پذير است .
اين هوشمن معني برقرار ي سوسئاليسم نيمت ، ولي براه گذار به سوسئاليسم شرط واقعي لازم را بوجود
ميآورد .

در برنامه تاييد شده است كه كشور ما فعلا در دوران انقلاب ملي "دموكراتيك را ميگذراند . وظائف
عهد كموني مپارتست از : آزادي مردم ايران از بوع سرمايه اغيرباليستي ، تا ميين حكومت مردم بر مردم
و حقوق و آزاد نپاييد موكراتيك و انجام اصلاحات دموكراتيك بنيادي . حزب توده ايران بر اين عهد
است كه تا كوكن ساختن رژيم اشتد اد ي ، پاين دادن به سلطه سرمايه داران بزرگ و مالكان ودان
حاكيمت بكارگران ، دهقانان و مردم زحمتكش محلهاي ضروري انقلاب دركشوز است . مضمون
اجتماعي اقتصادي انقلاب مپارتست از پاين بخشيدن به سلطه انحصارها بر منابع ملي ، تا ميين
استقلال كامل اقتصادي و سياسي ايران ، الغاي مانده هاي نظام پيش از سرمايه داري و دموكراتيزه
كرده نظام زندگي كشور . وسيله عهد رسيدن به اين هدف ها بطوريك در برنامه قيد كرده عبارت
از ايجاد جنبه واحد تماشيسمهاي ملي و دموكراتيك است . اتحاد كارگران و دهقانان هميشه اصلي
اين جنبه است . در زمين شرابطي وحدت طبقه كارگر وجودت صفوف حزب اهميت بويه اي كسنيب
ميكند و بوطيفه مپرومپتيرين شرط وحدت گسترده ملي و دموكراتيك بدل ميشود . در برنامه جديد قيد
شده است كه حزب توده ايران حد اكثر كوشش خود را براي وحدت تمام نيروهاي دموكراتيك كشور وجودت
عمل آنها بكار ميرسد و با در نظر گرفتن دشواريهاي موجود در راه رسيدن به اين هدف از راه نرسمش
ابتكار و گيري و فعاليت هاي خوبش براي دست يافتن بدان تلاش خواهد كرد . در برنامه با پس
نكته توجه شده است كه افراد و گروههاي مخالف رژيم در اوضاع مشخص كموني ازض سياسي واحدي
دركشور مپروي نميكنند . برض از آنها از مواضع اجتماعي قبيعانده وحتي ارتجاعي دفاع ميكنند .

بنهين سبب حزب هدفهاي مبارزات خوبش و ساير نيروهاي اپوزيسيون را بطور قيق از هم متايسز
ميكند و تا بيد منمايد كمپاره طبقه كارگر بر طبقه ريزم وجود از مواضع شرقي و خاطر ايجاد جامعه
ستقلال و دموكراتيك انجا ميشود .

در برنامه جديد در عين حال برخورد حزب به شيوهاي اشتبا فاكيز كوكن و گرايشهاي مستقل
بطور قيق تمهين كرده است . حزب بر آنست كميش افراد يكشمارهاي دروزارت عميت وسنا
هما هنگ با شرابط موجود پيش ميكنند و مراحل استراتيك و تاكتيكي مبارزه را قاطب ميكنند و اهميان
"پازي ميكنند" ، بدون توجه به هدفهاي كه در عين حال در مدنظر دارند ، ماهيت ماركسيسم -
لنينيسم را تحريف ميكنند و باض انقلابي بطور ميني در تضاد است .

حزب توده ایران دعاوي مائشيسم هاي لفاظ را كه با تحليلات انقلابي كاذب بعضي از جوانان
را گروه ساخته و مانع آن ميشوند كه از دانش و معلومات و انرژي آنان براي مبارزه مستقل خود فاي استفاد
شود ، مردود شمارده . حزب با افشاي مواضع اين عناصر با اصلاح چپ رواهيت و سزم بودن مبارزه
ايد فوليويك حزب در راه حفظ پاكوگي تماهيم ماركسيسمي - لنينيستي از تحريف از " چپ گراست
و اهميت افشاي تئوريهاي انقلابي كاذب و نظريات انحراقي را مورد تاييد قرار ميدهد .

حزب توده ایران فعاليت تحريبي و انشما بكارانه گروهها تويسه دن رادر درون جنبش ضد
امپرياليستي و انقلابي جهاني محكوم ميكند و معتقد است كه امتناع اين گروه از ضي وحدت و مبارزه
مشترك طيه امپرياليسم زانپايي بد ي ماين مبارزه را در مآورد و مانع حياتي بشرية شرقي در تضاد
است .

بد ين ترتيب برنامه جديد حزب توده ایران با انگاسو ستگري مشخص آن در مسائل مربوط
به زندگي سياسي ، اقتصادي و اجتماعي كشور و در نماوهدهن هاي مبارزه با شاهه جهان بهني
ماركسيسمي - لنينيستي مپارت توده ها ، با برادرين سطح آگاهي و افزايش هشيار ي سياسي آنها
كلك ميكند و براي متحد ساختن قشرهاي كوكن مردم پز شمارهاي سياسي شرقي امكان فراهم
ميآورد .

درباره دیالک تیک همزیستی مسالمت آمیز و تحولات انقلابی

روحی آرسمندی
درباره ولکیم مرکزی حزب کمونیست
اوروگوشه

کنفرانس هلمسکی را میتوان به شماره قدر اول در آستانه مناسبت بین المللی بخرنج و متفاد در ورن انجام داده است. با وجود اینکه صحنه سیاسی کنفرانس اروپا است، این کنفرانس یک دور تاریخی کامل را بنا نمائید. در گذر مناسبت در سراسر جهان در مرحله نوبی گشود و بر این مناسبت تا اثرات ماهی باقی گذارد. " جنگ سرد " خواستهای تعدد نظر در رهبرها و سیاست " موازنه بر لب پرگاه " و " عقب راندن سوسیالیسم " دعوت به " جنگ پیشگویی کننده " علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و این اقدامات و جوانان به گرفتار سیاست امپریالیسم در دوران پس از جنگ بتدریج جای خود را به اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت و گاملا متفاد و خواست آزادی در جبهات همه سیاست بین المللی واگذار کردند. شاید بتوان گفت که در زمینه تنظیم موازنه مناسبت میان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری از دوران کنفرانس های پالتا و پوتسدام در ورن و پدید آمدن دوازده سال در میان فرانسسکو تاکنون چنین واقعه مهمی روی نداده است. همه این رویداد های تاریخی تا حد و زیادی باید گرفتار روند ولی یک خصیصه مشترک آنها را بهم پیوند میدهد. کنفرانسهای پالتا، پوتسدام و پیدایش سازمان ملل متحد منظر تغییرات مهم در تاریخ نیرو در جهان، پس از شکست فاشیسم آلمان بوسیله خلقهای اتحاد شوروی و کشورهای دیگر و پادشاهان به قدرت گسترده و همه جانبه و پیروزی انقلاب جهانی معاد فکری است. کنفرانس هلمسکی نیز به ترتیب با ژاپن و کرگوشه ای که در تاریخ نوبی در تناوب نیروها بسود سوسیالیسم و موزکوا و استقلال ملی یعنی عوامل عمده صلح در سراسر جهان است.

با وجود تفاوت های فراوانی که هنگام انجام مقایسه تاریخی بروز میکند ما بطور تفاد و از کنفرانسهای پالتا، پوتسدام و تشکیل سازمان ملل با ساختار حقوقی ویژه اش یاد نکرده ایم، زیرا همه آنها نتیجه شکست تلاش ضد انقلابی در هشت زای امپریالیسم بود که خواست از فاشیسم آلمان بعنوان " نیروی ضعیف " استفاده کند و تاریخ را به تفرقه در ورن قبل از سال ۱۹۱۷ بازگرداند و " شیخ سوسیالیسم " را برای سالیها متفاد و شاید قرنهای عقب راند. تاکنون بارها گفته شده است که پیروزی فاشیسم آلمان با انقلاب بزرگ اجتماعی و سیاسی و درگوشه ای و درگوشه ای و درگوشه ای هم سنگ است. تشکیل سیستم سوسیالیستی و تلاش امپراطوری مستعمراتی و ارتقاء نقش پرولتاریا، گسترش و رشد جنبش کمونیستی جهانی و تنوع نیروهای دموکراتیک که از سوسیالیسم پشتیبانی میکنند باز بر تاسیران قرار دارند، همه اینها منتها ضامن جغرافیای سیاسی و اجتماعی نوبی بلکه مضمون عمده در ورن ما هستند.

نه عدم موفقیت های سنگین، نه برخورد ها، نه اشتباهات، نه تعامل و تدریج و نه انحراف از این یاز.

پروسه و نه حتی موضعگیری فاجعه آمیز و مغرب زهری چون نسبت به کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی جهانی نتوانسته اند مانع پیدایش و استحکام گرایش عمده و اساسی در ورن معاصر شوند. کنفرانس هلمسکی با وجود محدودیت جغرافیای خود بمنزله برهان نوبی شکستی است که امپریالیستهای طی سی سال اخیر بر آن در جا رفته اند. نخست آنکه این امرگواه ناگامی تلاشهای آنان برای از بین بردن نتایج مثبت جنگ کیهروض فاشیستی و تعدد منطقه سوسیالیسم و جلوگیری از ترکشهای جنبشهای رهایی بخش ملی، برکنار ساختن پرولتاریای کشورهای سرمایه داری از صحنه مبارزات سیاسی و با واداشتن آنها به پیروی از سیاست خود و پیروان راندن مارکسیسم - لنینیسم از صحنه ایدئولوژی مانند فرشته صیانتگران بهشت است. دور این امرگواه بحران استراتژی جهانی امپریالیسم بویژه ایالات متحده امریکا، شکست نقشه های تدارک جنگ اتمی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، شکست در جنگهای گوناگون ضد انقلابی علیه جنبش های رهایی بخش ملی و نیروهای دموکراتیک پیشرو است.

از همان آغاز دوران جنگ سرد و ایجاد سیستم کاپیولانهای تجار و کار نظامی از قبیل ناتو سازمان دول امریکا، سیستمهای نظامی دیگر در گام بخش از جهان فعالیت های زیان بخش آنها اثرات شومی بجانگذاشته است. از گره گرفته تا برین، از کوبا تا ویتنام، از کنگو تا الجزایر و باغور نزد یک جقدر تجار و بوجنگ های و توطئه و تحریک و تفرقه است. با وجود این همه جهانانی ضد امپریالیستی و جنبش گسترده طرفداران صلح که بر آن قشرهای اجتماعی راهم که با بنیان های سرمایه داری مخالفت نمیکند متحد ساخته بود بطور مستمر مستحکم گردید.

مواضع سیستم جهانی سرمایه داری از لحاظ اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژی تضعیف شد و از لحاظ جغرافیای نیز محدود گردید. تحمیل کوشی بحران سیستم سرمایه داری و یکسر شده است. های گوناگون بحرانی که همراه دارد (برخی از پژوهشگران این را آغاز چهارمین مرحله بحران میخوانند) هم با رشد تضاد های داخلی ویژه یک چنین جامعه ای و هم با کامیابیهای نیروهای انقلابی سوسیالیستی، دموکراتیک و جنبشهای رهایی بخش ملی ارتباط دارد.

به امپریالیسم بخورگی با وجود کامیابیهای جداگانه و موفقیت سیاست تجار و کار نظامی و انقلابیان ضعیف های در هم شکننده ای وارد شده است. امپریالیسم در زمینه جنگی هم به شکست های بزرگی دچار گردیده است. حماسه ویتنام و دیگر خلقهای هند و چین به سبیل دوران متحد یل گشتند. درین سالیها روگوشی است. این حماسه سرشت تجار و کارانه امپریالیسم را آشکار سازد و از طرف دیگر در زمانهای آتیا در اینکه در شرایط تاریخی کوشی باستانی بتواند دارد و مفود را بر خلقها تحصیل نماید نشان میدهد.

کامیابیها و درگوشی های کوشی که همزیستی مسالمت آمیز و خواست آزادی آنها را به ثبوت میرساند قبل از هر چیز بر پایه رشد گسترش همه جانبه پیروزی انقلاب جهانی و ترقیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی، افزایش نفوذ بین المللی و قدرت نظامی آنها و سرمایه در نتیجه سیستم سیاسی جهان در نتیجه تلاش امپراطوری های مستعمراتی، اعتلای جنبشهای رهایی بخش ملی و ارتقاء نقش پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و حالی ترین بیانگشای آن احزاب کمونیست قرار دارد.

مقوله ای (کاتگوری) مانند تغییر تناوب نیروها تنها یک مقایسه ساده و مسائل جنگی و امکانات کشورهای عمده سوسیالیستی و سرمایه داری نیست، گرچه اینها ملهم حائز اهمیت شان با توجهی

است . باید تمام جوانب این نظر را (یعنی از لحاظ تاریخی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، نظامی واید فیزیکی) مورد بررسی قرار داد .

... سوسیالیسم از نظر تاریخی از همان نخستین روزهای پیرا انقلاب اکثریت را سرمایه داری نیرومند بود ، ولی از لحاظ نظامی قوی تر نبود ، برای حفظ موجودیت خود ناگزیر بود مقرر اد های "تنگن" مانند صلح برنتن تن در دهد . چیزی که در آن دوره فقط یک دورتی تاریخی بنظر می آید که در مبارزه دینالکتیکی کهنه فرسوده مابین انقلابی قابل دسترس بوده امروزه بویکه لندن پیش بینی کرد بصورت قدرتی توانایی اتحاد شوروی و سیستم سوسیالیستی ، رشد و تکامل انقلاب سوسیالیستی جهانی و تمام روند انقلابی و مراحل بی در پی عمیق شدن بحران سیستم سرمایه داری تجسم یافته است . سوسیالیسم بطوریکه در برتری اجتماعی و تاریخی خود را بر سرمایه داری به اثبات رسانده است .

نقش ایدئولوژیک مارکسیسم - لننیزم در دو ده قرن بیستم بالقوه از امکانات سیاسی جنبش کمونیستی بین المللی آن دوره همیزان قابل ملاحظه ای بالا نبرد . لننیزم در کتاب "بهاری کودکی" چپ گراشی " در کمونیسم " وظیفه خطیر تبدیل احزاب کمونیستی به نیروی سیاسی واقعی را بمنزله مسئله قابل بحث مطرح نمود . امروزه مارکسیسم - لننیزم الهام بخش صدها میلیون نفر در کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری است . پیرانندیشه و افکار سراسر جهان و پژوهشهای علمی تاثیر میگذارد . مارکسیسم - لننیزم برای جریانهای مترقی که در جستجوی حل مسائل اجتماعی و سیاسی و انقلاب علمی و فنی هستند بصورتی تبدیل گشته است . در همین حال مارکسیسم - لننیزم با دستاوردهای تازه که نتیجه پژوهشهای مداوم سیستماتیک فنی تر میشود . از نقطه نظر سیاسی باید گفت که در کشورهای سوسیالیستی احزاب کمونیست حاکمیت را در دست دارند . این احزاب در کشورهای سرمایه داری مبارزات گوناگونی را انجام میدهند ، در همپای میلیون نفر ا در صفوف خود متحد میسازند و در میانین نفوذ قاطع خود بر اکثریت خلق مبارز میکنند . آنها بطور کلی بحقیق بین المللی مهمترین نیروی سیاسی واقعی را تشکیل میدهند . احزاب کمونیست بحقیق سرکلی بطور فعال در زندگی سیاسی عقب ماندترین مناطق جهان هم شرکت میکنند . این احزاب با هم متفاوتند ، برخی از آنها بسا و قوی تر و برخی دیگر وین و شماره کمتری دارند . ولی اعتدالی عمومی از مشخصات جنبش بطور کلی است .

تجهیز و نتایج سرمایه داری و انقلاب سوسیالیستی بیروزی شده و در حال پیشرفت و منظومه کاسنی از جنبشهای انقلابی ، در مکرراتیک ، ضد امپریالیستی و تمام جنبشهای مترقی از یک سو سرمایه داری در مرحله امپریالیستی آن از سوی دیگر در واقع مجتمع کامل مداخلی است که روی هم بطور دینالکتیکی تاثیر میگذارد . برخی از این عوامل همچنانکه گاهی در زمینه مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک روی میدهند ، میتوانند در جریان رشد و تکامل خود از مجموعه عواملی که بطور همی در مرحله عالیتری قرار دارند عقب بمانند .

ما از نظر بیهادان اعمایانه و صلحجویانه به عوامل نظامی سیاست بزرگ بد روییم ولی میخواهیم متذکر باشیم که نقش عوامل سیاسی و ایدئولوژیک بمقدار و معنی ویژه خود روز افزون است . از جمله اهمیت ورزش بیگانه ایدئولوژیک هم روفا افزایش است . مبارزه ایدئولوژیک در شرایط کاهش و خاست اوضاع بین المللی تشدید خواهد شد . این تشدید مبارزه ایدئولوژیک با رقابت مبارزه طبقاتی مداوم و سرسختانه است که شکل اصلی آن در مقابله بین المللی مبارات از همیستی مسالمت آمیز کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری است . در مقیاس ملی این بیگانه اتکتیک سیاسی مشخصی اقدامات و تجربه تود هماهنگند در ارد و در برخی از کشورهای سرمایه داری در مبارزه در رهاحتلا د مکرراتیک با دورتی و سوسیالیستی ، در راه ای د یگرسفته بهراصل گوناگون پروسه انقلابی د مکرراتیک

وضع امپریالیستی نمایان میگردد

چند نمونه از روند دینالکتیکی گسترش روز افزون پیشوند سوسیالیسم از تود های مردم شنیده . حیطه ای در گذر شده دولت های سرمایه داری در آن زمان به زند های دینالکتیک می برود . اختصار و به انواع تحریکات و مستعدند با پروسه تغییرات کیفی در تناسب نیروها میان سرمایه داری و سوسیالیسم لایحه بنفع سوسیالیسم را بعنوان مثال میآوریم . در ضمن دوران صدر پیمانیه استحکام در باره صلح سلاح هفتده این تائیدشهادت اخیر مشخص دولت شوروی در باره صلح آرماتیک هسته ای بود و تائید تسلیمات با دورتی با شغ کامل وسائل و کشتارها کمین ، را خاطر نشان میکنیم . از سوی دیگر آیا میتوان در شرایط کنونی تناسب نیروها اهمیت سیاسی بین المللی اقدامات همیستکی با پیمان با کوهی با خلق فلسطین و اید یگرقلمهای عرب ، محکومیت و تکوین فاشیسم در اسپانیا ، ضللی ، و اورگووئیسه بزرگیل واکتوهای دیگر امریکای لاتین را کلا معین کرد ؟

آیا میتوان به اهمیت ایدئولوژیک و سیاسی تبلیغات در باره کامیابیهای اتحاد شوروی و تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی برای جنبش انقلابی جهانی کم بپردازد ؟ سابقه سوسیالیسم با سرمایه داری که قبل از هر چیز هم قیاسی و مقابله خصلت و فرهنگ پیشرفت اجتماعی و اقتصاد و یولترهنگی و همچنین طبقاتی سیاست آنها است در مقیاس بین المللی در مبارزه و همکاری به خاطر صلح ، هنگامی گسترش روابط با خلقهای گوناگون را میسرند و در مقیاس بین المللی جنبش های بشری روزیتر کنند . در مرحله کنونی ما اختتام سوسیالیسم رشد یافته و کمونیسم وهم پیوندی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی ، نقش انقلابی و سیاسی و ایدئولوژیک عامل نمونه و سرمشق افزایش بی باید ، پیروزه و رحانیک بحران بطور مستقیم اهمیت پسند سرمایه داری را عیان میسازد . همیستکی با سوسیالیسم موجود برای متنا تعشیاک و وظیفه ایتر با سوسیالیستی بلکه همچنین عامل بالقوه استواری و استحکام مواضع سیاسی و ایدئولوژیک ، بیولترهنگی و یگرقلمهای و مکرراتیک ضد امپریالیستی است .

این نمونهها به پیچیده تصور کاملی از مجموعه این نظریات بدست نمیدهند ولی آنها در اصل مسئله با واقعیت تطبیق میکنند . بگفته مارکس اندیشهها هنگامیکه تود ها را تسخیر میکنند به نیروی مادی تبدیل میشوند .

II

در دوران پیشرفتهای تاریخی ژوئیه نقش توده های وسیع مردم و در حل مسائل سیاسی بین المللی و ملی بطور کیفی قریب میباشد . در دوران گذار انقلابی سوسیالیسم در مقیاس جهانی و زمانیکه متنوع ترین شکلهای مبارزه انقلابی با همیای تنبیکشاه امپریالیسم را با رقابت میدهند ، عامل ذهنی که در درجه اول یا ثانوی حزب پرولتاریا برای ایفای نقش پیمانهنگ پیوند دارد ، اهمیت قاطع کسب میکند . این مسئله بمنزله مسئله طبقه تود ها ، بسط و تکامل تجربه آنها ، بسیج ، تشکل و پرورش آنها وجود گرفته و دارد . این در همین حال مسئله بسیار مهمی است انتخاب متحدین ، مقیاس ، و برپائی و تعاضف پذیری اتحادها است . این در آخرین تحلیل مسئله حاکمیت است .

بنظر میسرمد که اوضاع بین المللی معاصر برای دادن محتوی سیاسی مشخص به اندیشه های طاهر مارکسیسم - لننیزم در راه استراتژی و تاکتیک برای تحقق نه تنها در زمینه های توضیحی و تبلیغی بلکه قبل از هر چیز در سیاست علمی ناشی از حوادث نهمین شرایط فوق العاده مساعدتری ایجاد میکند . بدیگر سخن بنظر میسرمد زمان مقتضی برای یافتن راههای سیاسی مشخص در روند گسی اجتماعی هر یک در شرایطی که بتوانند نیروها را رانند به شکل لازم (آلترناتیو) حاکمیت رواقع بینسانه تعیین کند و به پرولتاریا و متا پیروهای انقلابی پیروزه احزاب کمونیست امکان به هد جمع و تشکل نیروها

را تشریح کنند فرارسیده است. ما باید انگار سیاسی خلاق از خود نشان دهیم تا آن حلقه قاطع و صبور ای را که لندن میگفت بیایم، راه رسیدن به سوسیالیسم را کشف کنیم و در پیش بگیریم و در راهمانی را که یکی پیرا از بگری میاید و لحظات گذار را با توجیه به واقعیت مینویسد و پیروانها را میسر میکند.

مسئله اشکارسازی نیست. مسائل شور و هیجان و ارتباط میان وظایف و موکراتیک و سوسیالیستی اینک اهمیت پراکنده ویژه و برتر میگردد. این مسائل در همین حال با شکلگیری و پیوستن وظایف غیره در ای روز انقلاب و در شرایط معاصرین تر می شود. این نکته را میتوان با نقش کمونیستها به طایفه پرچمداران آزاد بود موکراتیک و استقلال ملی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورهای خود و هم با جستجوی برای یافتن راه های مشخص به سوسیالیسم تشریح نمود. و با اینکه این راهها بطریقی از تائید نهایی می آید که در عمل آزمون شده اند چندان روز نخواهد بود، بویژه گامهای آنها افزوده میشود. زیرا راهها نظریه گورک لندن با اشاره به هگل تاکید میباید که بنده بهتر از تائید است.

نظریه و اجزای و اجزای متفاوت است. درباره ای از کشورهای سرمایه داری رشد یافته آلترا تائید و موکراتیک و سوسیالیستی دیگر هدف مشخصی است. در کشورهای دیگر انقلاب و موکراتیک و سوسیالیسم و سوسیالیستی و این انقلاب سوسیالیستی میتواند همانند پرولتاریا و واحدی جریان یابد، و باید پسین طبع که پرولتاریا از زمان آغاز انقلاب راهبردی کرد میباید در هر صورت و هر چه بود در پیوسته رشد انقلاب این نقش را بدست آورده است. حتی میباید نمونه کوبا تکرار شود، چنانکه انقلابیون و موکرات با الهام از اندیشه های سوسیالیسم و رهبری قهرمان ما، فیدل کاسترو در مواضع مارکسیسم - لنینیسم قسراً گرفتند و با حزب قبلی طیفها را رکن و حزب واحدی متحد شدند. باید دید و بگراند انقلابیون و موکراتیک که در نظام اجتماعی جهان این چنین فعالانه اقدام میکنند تا چه حد در این تجربه بی نظیر

(*Mutatis mutandis*) بوجود آورند ؟ (۱) ولی پرسشها و موضوعات با ویژگیهای بیشتری مطرح میشود. آخر طرف نگار رنگی از شرایطی که داشته و تنوع پروسه انقلابی جهانی بدست آورده و در برابر قرار دارد. این مسئله، مسئله راهبرد و همیاطولانی غیر سرمایه داری که پاره ای از کشورهای پیشرفته اند و مسائل مربوط به تشکیل کشورهای جوان "باست گری سوسیالیستی" را نیز در بر میگیرد. باید این تعداد از زیاد ای کشورهاییکه در برابر زود مستگیری خود را بسوی سوسیالیسم سرمایه داری باید مشخص سازند اینجور ازمسائل شرایط ویژه بدست آمده است. درباره ای موارد این مثل باید در شرایط متباندگی هزار ساله در رشد نیروهای مولده و مایه پرولتاریا و در حال پدید آمدن باضعف بوجود سکنه زار روستا ها و در شرایط توطئه های مداوم نواستعماری از طرف امپریالیسم انجمن پذیرد. هم اکنون در بسیاری از این کشورهای هم طرفداران و رهبران ملی و هم انقلابیون فلسفی مگر کم بحث وجدل درباره انتخاب خط مشی کشور است. در ضمن از این بخش اخیر اغلب شخصیتها و سازمانها نیکه مست گری سوسیالیستی دارند پیشانی میکنند. همسنگی فعال پرولتاریا ای کشور های سرمایه داری رشد یافته و جنبش کمونیستی تمام با پشتیبانی از جانب کشورهای سیمت کشورهای سوسیالیستی مجموعه این موضوع اهمیت با زهم بیشتری میدهد. شرایط نوهم در زمینه تئوریک و هم سیاسی از با اختلافات مارکسیستی - لنینیستی با زهم عمیق تر فراموش میمانند. ما میدانیم که رشد و تکامل نیروی خط مستقیم صورت نمی پذیرد و از آن ستاره دلپذیری ترسیم نمیشود. شدت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی گواهی حصلت پر جوش و خروش پروسه های انقلابی است.

با تغییر دادن آنچه که باید تغییر داده شود (بهشت تهرانیه)

در شرایط امروزی پیش بینی تکامل آتی گرایشها به توسعه اتحادها و انطباقی پیشینهای پرولتاریا و بد بگرفتهها یا حتیها چه در زمینه دفاع و کسب نیرو گراسی، بنگار با استعمار و پویا استعمار وجه در هر دو راهها بخاطر استقلال سیاسی و اقتصادی و واقعی امر است منطقی. این مبارزه با خواست های باز نماندن نیروهای طبیعی و ملی کردنی رفته رفته ای مهم اقتصاد ملی پیوند ناگسستنی دارد و در شرایط بحران کنونی در مسائلات میان امپریالیسم و کشورهای مناطق وسیعی در آسما و آفریقا و آسیای لاتین رشد و گسترش می یابد. در چنین مواردی مبارزه پرولتاریا و بد بگرفتهها ای حرکت انقلابی موکراتیک و ضد امپریالیستی در محیط برضاد و مقاومت گسترده که محافل ملی اصلاح طلب و پیروان فلسفی نقش صده را در آن ایفا میکنند در هم می آمیزند. مبارزاتهای بین المللی دفاع از مواد خام و نفت و شکر و تشکیل میشوند. در امریکای لاتین سازمانهای منطقه ای بدین شرکت امپریالیسم پیوسته می آید و حتی طبقه امپریالیسم عمل میکنند. همه این عوامل گواهی بد این واقعیت بین المللی نوینی است که در رقابت ملی مهترین مسائل تکنیکی را مطرح میسازد. برقراری فاشیسم در پاره ای از کشورهای امریکای لاتین ایجاب میکند که ما در زمینه سیاسی، استراتژی ضد فاشیستی، که با مبارزه و عظیمه امپریالیسم و الیگارش و پیروان بزرگ و بلاکین بزرگ پیوند داشته باشد تدوین کنیم. همچنین آنکه این طلب را خط میگذرانیم احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین و حوضه دریای کارائیب (ژوئن سال ۱۹۶۵ در هوانا) که بند همدمار می است خاطرنشان شده است.

مبارزه در شرایط نوینی که امریکای لاتین صحنه است تشکیل میدهد باز تا یکجایی از خصمهای بحرانی محیط بین المللی معاصر است. از کسب استقرار فاشیسم در پاره ای از کشورهای که باشند که کشتار و تیراندازی در رفته های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، همیستی ضد کمونیستی و ضد جنگداری به امپریالیسم همراه است. اینها کانونی توطئه و تحریکی هستند که وجود آنها با گرایش کلی در جهت یک اتحاد بین المللی در شان است. از سوی دیگر پروسه های انقلابی توسعه و رشد می یابد و نیروهای مقاومت برضد امپریالیسم افزایش مییابد و گرایش به موکراسی، استقلال سیاسی و اقتصادی شدت پیدا می شود و سیاست همیستی سلامت امین و موفقیت های نا امل میگردد. بسیاری از کشورهای امریکای لاتین با کواکب ارتباط برقرار کردند. معاصر امپریالیستی شکست شد، علیرغم موضعگیری جنون آمیز و پنهانی و تکنیکی اورگوئه، شیلی، برزیل، و برخی کشورهای دیگر گرانس چندین پیش قدمی ها ارتکاب های کشورهای امریکای با ناکامی انجامید. کوبا مانند بعضی از جامعه کمونیست های سوسیالیستی بخاطر سختی نیروهای مقاومت ضد امپریالیسم کشورهای که در راه اجرای خواسته های سینه پرستانه خود مبارزه میکنند آینه های شده است. بروک فرانسیا دولت ملی انقلابی حاکمیت را در دست آورد، با ناکامی در مواضع مشخص ضد امپریالیستی قرار گرفته و کشورهای دیگری که دول آنها طرفدار فرقه های ملی هستند از جمله آنکرها میباشند. ولی همه آنها بصورتی بنگار قهرمانها پرولتاریا و نیروهای موکراتیک و مبارزه شهنشانه و دفاعی از آزادی احزاب کمونیست و حتی است.

بخشی از قشرهای غنی که به اردوگاه انقلاب پیوسته شده اند یعنی دانشجویان، آموزگاران و روشنفکران بخیرگی در صفوف آنها از جمله در محافل نظامی و از این منشا اجتماعی شخصیت های برجسته و موکراسی انقلابی بدست می آید، نقش مهمی ایفا میکنند. از لحاظ وضع کلی در بسیاری از کشورهای بدست آمده ای تازه این شاهد میشود. منطوقاً تغییرات حاکمیت در کلیه ای که تولید و بد بگرفتهها می آید و از سوی دیگر پدید آینه طبقاتی های متضاد و داخل نیروهای و سلاح و شرکت رزوا فرین نظامان در مبارزه سینه پرستانه و موکراتیک و از این طبقاته خلقها است.

Mutatis mutandis (lat.) (بهشت تهرانیه)

شرایط همبسته برای گسترش و توسعه جنبشها و تحولاتی بویژه برای فعالیتهای سیاسی و عبادتیه ای و کارهای سوسیال در موزکاتها که جزئیاتی از آنها در میان آنها شکل میگیرد بهر جهت میباشد و وحدت کمیونتهای سوسیالیستها هم بستگی آنان با احزاب و سازمانهای دیگر موزکاتها را تعیین میکند. در همین حال برای برابری ما با سایر موزکاتها و اتحاد آنها با سایر موزکاتها در نظر باید نگه داشت که به پیشرفت پروسه انقلابی لطمه نمیزند. شرایط مساعدتری ایجاد شده است.

در اوضاع سیاسی کنونی تمام مسائل مربوط به وحدت با اشکال مختلف مطرح میشود و در همین حال برای رشد و توسعه هر چه بیشتر سیاسی و ایدئولوژی و کلی احزاب شرایط لازم فراهم میشود. گسترش روزافزون فعالیت های گوناگون در تمام ارزنده انبیا سیاسی و نجات زندگی و آزادی و لوئیس کوروان ، آنتونیو پیدانا ، جانیه پرس ، خوزه لوئیس نامرا ، ولا دیمتور پانگنی ، آلبیرو آلکسور و هزاران زندانی سیاسی دیگر را بر مگر اینها نباید نادیده گرفت. اسپانیا ، اندونزی و کشورهای دیگر ظهیر انسانند و منتهی و وظیفه همه انترناسیونالیست ها و موزکاتهاست ، جد به ترتیب مارد و روانی زندگی میکنند که عوامل ملی و انترناسیونالیستی ، ذهن برتر و انترناسیونالیستی در شرایط بنگا رشد پیدا موزکاتها و ضد امپریالیستی و طبقاتی وحدت تا کمترین رانشکلیت میدهند. مبارزه در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز کشورهای سوسیالیستی و غیره باید داری و در راه اشتیاق و خدای زدانی گسترش آن در زمینه های سیاسی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی باید نیروی آن ، منظره ماسخن سوخت ترین مخالف جهت راستی و ازین برین گوناگونی جنگهای اجتماعی و تجارگانه مانند آنچه در جابو نزدیک وجود دارد و منظره ، اختار و تابودی کانوئهای فاشیسم را از راه میگذرد. اینها از وظائف و رساله اول اصولی ، استراتژیکی و تاکتیکی است که انبوه ترین قشرهای اجتماعی در آن ذی نفع هستند. این وظائف را میخواند از طریق استفاده از تضاد های درون طبقاتی حاکمیت را انجام داد و ولی هدفها آینده و نزدیک ، پرولتاریا و دیگر نیروهای انقلابی را با هم متحد کند.

د با لیکول و ادب و زرفای بدید و مابرتیوع و یوگیهای آنها در مقام ملی و بین المللی هم قرار میدهند و تکامل پیدا بدید و ادبی است. کامیابیهای فراوان سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز سوزگاره و طبیعت گستره موزول ایجاد میروند و با انقلابی است. در همین حال این پروسه ها هر چه زودتر مگر برود و با همزیستی مسالمت آمیز همیابهای کمب میکند. مضمون تاریخی بزرگ توانایی سیاسی پرولتاریا و پیشاهنگ آن نیز در این است.

خصوصه دیگری وجود دارد که باید با آن آریاضد کر می شویم. تودهای مرد و زنان طبقه قشرهایی اجتماعی که علیه تضادهای امپریالیستی ، در راه صلح و همزیستی و علیه فاشیسم و دیوارهای کشورهای طبقه الیگارشی های استعماری ، در راه تحولات و موزکاتها و رکنیوهای در حال رشد و نیز راه استقلال سیاسی و اقتدار و مبارزه میکنند هر چه بیشتر مبارزه طلب میشوند. از نقطه نظریاتیسی و ایدئولوژیکی این مبارزه هم بجز کرینش میان سرمایه داری و سوسیالیسم نیست. در باره ای موارد این امر را قدم درک سیاسی در برابر و دیگر منافذ طبقاتی قشرهای معینی ارتباط دارد. ولی سیاست مسالمت آمیز سوسیالیسم ضرورتاً راه اشتیاق همه جانبه وجود این نمونه و کمکی آن ، با همزیستی و وحدت و همزیستی و با همزیستی و تضاد بر پایه شعارهای مبارزه با فاشیسم و همزیستی ، استقلال و ترقی است اجتماعی مساعدت

۱- تروریسم (Terrorisme) جریان سیاسی ملی که در همین حال هم امپریالیسم و هم سوسیالیسم را هدف قرار میدهد و هم اتحاد شوروی را مورد حمله و انتقاد قرار میدهد.

میکند. درست بهین وقت پرولتاریای غرب از کشورهای می تواند از نقطه نظرهای مشابه سیاسی اتحاد با فاشیسم و موزکاسی ، و یواژات استحکام با بهای نیروهای محرک انقلاب استفاده کند. در اینجا نیز مانند سایر پروسه انقلابی ، عوامل ملی و بین المللی در راستی و اشتیاقی متقابل شدیدی قرار دارند.

از دوران پیدایش و تکمیل سلاح هسته ای مابست مسئله مبارزه از راه خطرناک بودی چنانچه اعظم جامعه بشری است. پیش بینی هاییکه در این مورد بعمل آمده حتی از تصورهای جسیوانه طوفان رمانهای علمی فانتازی فاخرتر نبوده است. وقتی چنینست در کفران هلیستی غالب و مغلوبی وجود نداشت این دعوی از نقطه نظر بالا امپریالیسم است. فقط دیوانگان کین توری کینه امپریالیسم میرند و بخیزد مشورتا گزین بوجود می آورد و تنها ما جراحیان و جراحیان در سیاست صلح می توانند با در دست داشتن بنب مانند صحنه ای از یک فیلم فراموش نشدنی جاری چاپلین بند بازی کند.

در چنین شرایطی سیاست صلح در روند پیکار اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی که سازندگان نیرومند واقفیت بین المللی هستند چه در زمینه مناسبات بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز چه در زمینه استحکام مواضع سوسیالیسم و پرولتاریای کشورهای سرمایه داری ، نیروهای آزادی ملی و پرورد داران ثابت قدم صلح و رسترا چرخان که در همین حال نیروهای محرک پروسه انقلابی و حاضر هستند از پیش فوق العاده ای کمب میکند.

در روند پیشی و صورت سیاسی و استواری اصولی ، عاری از هرگونه زد و بند های پشت پرده که طبقه برای آنها از پیش فوق العاده ای قابل بیزد و حاضر صفتگه چنین سیاست هستند. برنامه صلح صمیمه گره و حزب کمونیست اتحاد شوروی و بانکهای لئونید المیج برزف که در روس کینه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار دارد ، هم اکنون تمهیدی این سیاست راه اشتیاق رسانده است.

راکمین چنین سیاستی با راه گاتیم هیچگونه وجه اشتراکی ندارد. این سیاست مسائل متعوم و وضع مشاشر را که با فاشیسم مانند همزیستی مسالمت آمیز و مقام زدایی (۱) بیان شده اند را بر میگرد و همچنین مجموعه مواضع اصولی و تعهدات ناشی از انترناسیونالیسم پرولتاریا در نظر میگردی پایه و اساس موزول این سیاست صلح است و با اشتیاق مسالمت آمیز و کمونیسم ، دفاع از ستاورها آنها و پشتیبانی از جنبش رهایی بخش ملی و منافع طبقه کارگر جهان (کشورهای سوسیالیستی پیش از آنها میروند) هستند ، پشتیبانی و استقلال و تضادهای در موزکاسی ، بستن برای این سیاست با تمام وسائل ممکن ضد هر چه انقلاب را بطرد می شمارد و تصورات باطل درباره صدور انقلاب را منقح می سازد. سرانجام این سیاست بمعنی مبارزه بیکرو صوریانه و رولاستحکام وحدت کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی است.

مشائل صلح و انقلاب در دوران مابطورها هنگ در این مجموعه نظریات اشتیاق و سیاسی نهیسم می پیوندند.

۱- اکنون که نزدیک به بیست سال از گذر دهه بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و زمان کتری از گذر

۱- این مظاهر نیتها بمعنی نبود جنگ ، بلکه بمعنی همکاری در حل مشائل مربوط به انترناسیونالیستی کردن فعالیتهای اقتصادی و ملی و وقتی فرهنگ است که برای اکثریت جامعه بشری سودمند است.

های حزب کمونیست و کارگری سالیها ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ تکثیر این سال ۱۹۶۹ را ملاحظه نمودند. میگرد. نباید غفلت بکنیم و در همین حال همزمانه تجزیه و تحلیل را که در آن زمان از پیروفت اصرار جهان و روزیها آنهمان بحیل آمده بود آوری و تأکید نمود. ما جنبه های ضعف و پند به های منفی در جنبش خود را فراموش نمیکیم و در احتیاط آنها نیز کوشش ملی فعالیت های و همساله های گذشته در جنبش خواص تئوریک و خط مشی سیاسی جنبش را به خوبی نشان داد.

تجربه کمربندی کنگره به سمت حزب کمونیست اتحاد شوروی و جنبش کمونیستی جهانی مبتنی بر تغییر تاسیس نیرو در جهان در آغاز سالیهای پنجاه بود. آنها راه را برای بررسی سازند موقدانه بعدی مسائل گشودند. در این تجربه کمربندیها مسئله بسیار مهم تبدیل سیستم سوسیالیستی به عامل تعیین کننده گرایش های سیاسی و ویژگیهای پیشرفت کنونی مسائل همزیستی سلامت آمیز کشور های دارای نظام اجتماعی متفاوت و شرایط یک جنگ جهانی مفید و اجتنابناپذیریت و مسئله آساز مرحله سوم بحران عمومی سرمایه داری و مسئله تلاشی سیستم مستعمرات امپریالیسم و اختلال بر روابط میان سیستم سوسیالیستی و جنبش رهایی بخش ملی و میان نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم در جهان سرمایه داری و سطح کیفی بالاتری با رشته واحد بهم پیوند یافتند.

مجموعه این شرایط از جمله برای اصطلاح گذار صلح آمیز سرمایه داری به سوسیالیسم و از راه مبارزه با سرمایه داری رسیدن به سوسیالیسم برای خلق یک جایزه رهایی بخش برخاسته با در این مبارزه پیروز شده و حکومت های تازه متشکل در ده اند و نیز برای مراحل مگه گذار در راه رسیدن به سوسیالیسم پر کشورها در شرف یافته سرمایه داری و ایگانات و سیستمی ایجاد میکند.

بدین ترتیب موضوع های صلح و همزیستی در ارتباط با مجموعه مسائل مربوط به سوسیالیسم و آزادی ملی و دموکراسی بررسی و تحلیل میشود. جایزه در راه دموکراسی توسعه پروسه های انقلابی با شکل مختلف و پیروزی احزاب کمونیست و متحدین آنها توسط حکومت های انحصاری و تجاوزکارها در اول دارای مواضع شرقی در راه ای ارتکوبها و انقلاب های ملی رهایی بخش علاوه بر این شکست ناپذیر و تعمیر و پیشرفت برخی ارتکوبها در راه غیر سرمایه داری و به جاگیت رسیدن دموکراسی

انقلابی در برخی موارد با سمت گیری سوسیالیستی و بنا بر اینها همسازگی هستند که محیط صلح در رهبر جهانی بد آنها مساعد نمیکند. نقش عوامل همزیستی سلامت آمیز صلح در سرمایه داری نیز در همین است. بعنوان مثال پیروزی انقلاب کوبا با سید پر دم سوسیالیسم و رفاه و آسایش از جمله نوب انقلابی محاسبات قاره و در امر استقراری در امریکای لاتین مهمترین و مهم به شمار میرود. این مطلب بیان واقعیت که امپریالیسم "پانکی" طبقه بورژوازی را دست به اقدامات تجاوزکارانه ای زد

که صلح سرمایه داری را در معرض خطر قرار داد و بحران روی کار آید با سرهم بندی نمود تضاد های دراز. شکست تاریخی امپریالیسم در کره و پیروزی کوبا (که به پیچیده در نتیجه جنگ جهانی بود و قوه نیست) کامیابی جمهوری دموکراتیک آلمان و پیروزی در چین و به پیروزی نام مرحله ای هستند که ننگ فاطح در پیوند متقابل دیاالکتیکی همزیستی و انقلاب صلح و آزادی ملی با آنها مشخص

گردیده اند. این حوادث نمود آریستیکه هیچگونه نقد برجستار افشایی و یا نقد بر دیگری وجود ندارد و پیش آمدن اوضاعی مانند فاجعه شیلی به پیچیده ناگزیر می باشد. سوسیالیسم میتواند ایستادگی کند هم در امریکای لاتین و هم در اروپا. خطرناک "دیگر و ملی این امر بدون تردید به پایتخته های

خشا آمیز توتنگهای امپریالیسم و الیگارشی بورژوازی و رسیدن آنان و مبارزه طبقاتی شد به همراه خواهد بود. تجربه شیلی در زین خود پیش بینی در راه امکان گذار به سوسیالیسم را در برخی از موارد و در شرایط برخی از طریق دیگری غیر از تصاحب مسلحانه و جنگ داخلی در نمیکند. کاهش و مقاومت اوضاع بین المللی و تثبیت تناسب نیروها در جهان میتواند در رهبرهای ارتکوبها چنین امکانی را

نسبتاً تمهید کند و این در صورتی است که راه رسیدن به انقلاب بدون جنگ داخلی پیدا شود و با برابری مسئله کامیبت و در هم شکستن دستگاه بوروکراسی و نظامی حکومت با این وسیله راه حلی به دست آید.

در طول دوران مورد بررسی ما از جنبش تاریخی هم پاره ای از نظریات بی پایه در نظر گرفته شد. مقابل عوامل پروسه انقلاب جهانی و سعی و کوشش برای مطلق کردن این بیان عامل و هم نظریات احساساتی کسانیکه سرشت بهیمن امپریالیسم نظریه بنیادی "پانگیت حزب کمونیست" را در این دوره که مبارزه طبقاتی نیروی محرکه تاریخ است، بدست فراموشی سپرد و با فقدان توجه کافی

به آن هاند داشته اند در کرده است. هیچ طبقه استثمارگری در اولیایه به بگونی پیروید. به پیشترترین جنبش هر چه دما یوز هنگامه که فعالیت آن در کشورها بی سیاسی مانند و خاست زداشی نمود ارمیکس در د روضع برخی ارتکوبها موثر موقیع میشود به زمینه مساعد برای دورنمای زندگی ملت با عدل میگردد. آیا چه برسرمایه داری اگر این حکم بهیمن لنین را فراموش میکردیم که انقلاب ضد انقلاب بوجود میآورد

و برعکس. نمونه زنده و برتقال با نشان میدهد که با تلاقق ضد انقلاب چه در مقامات جهانی وجه در مقام ملی چگونه به توجع و خروش در میآید و چگونه رهبری سوسیالیست دموکراسی آن چیزهای را تکرار میکند با اینکه تاریخ هر وقت خلقها برای حل مشکلات خود مبارزه برخاسته اند مشاهده شد است. اما طبقه

تعمیرات تاریخی مثبت در عرصه جهانی برای انقلاب در راه ای ارتکوبها مساعد است این کامیابیات افکارهای درون سیستم سرمایه داری را نقد به میکند و میباید با تشبیه به تجاوزگری امپریالیستها و استثمارگران داخلی همراه باشد. علاوه بر این کامیابیها ممکن است اقدامات پیشگرونده و با واکنش از طرف ارتجاع که در هر صورت واقعیتی است. همراه باشد و ممکن است در تراخی مختلف جهان بطور موقت با موفقیت قریب گردد. امپریالیسم در اقدامات و هشانه خود

چنانکه حوادث و پیام از جمله نمونه های آن بود مسائل اخلاقی را در نظر نمیگیرد. تنه کار میزند و حتی فراتر میسازد و احیاناً تقسیم در برخی ارتکوبهای امریکای لاتین با پشتیبانی امپریالیسم پانکسی میزند تنها آران جهت که شیوه های شکنجه همگانی هیترری و کشتار را بودی در کارهای جنبشهای

مجبور بر ستاده و مکرراتیک ضد امپریالیستی ویژه فعالین احزاب کمونیست کوبا برده میشود و واقعا آموخته ای هستند. شیلی، بزیل، آرژانتینا، هائیتی، اورگوئه، پاراگوئه و دیگر کشورهای امریکای لاتین و همچنین اسپانیا و جمهوری آفریقای جنوبی گوانان هستند که برای تثبیت کاهش و مقاومت اوضاع بین المللی ضروری است که فاشیسم مفرد و کاملاً نابود شود. و این امر به افراد همه دشمنان

و خاست زداشی در جهان و متجاوزین سابق امپریالیستی مساعدت میکند. تخریب دوران معاصر نظریات متافیزیکی رهبران چین و گروههای چپ گرای افراطی در تضاد بین همزیستی سلامت آمیز انقلاب جهانی و تضاد بین بیمنای صلح میان کشورهای عده سرمایه داری و کشور های سوسیالیستی

با جنبش رهایی بخش ملی را که در کرد. رهبران چین با ابطال طرفداران تخریب "ترسیم" در راه به اصطلاح "تقسیم مناطق نفوذ" را شامه میدهند. اکنون "مقدیم چین" مانند و آتخته ترین محافل جنگ طلب امپریالیستی آشکارا خواستار راه "جنگ سرد" هستند.

آنها سرانجام از غیر امپریالیسم امریکای در اروپا و آسیا و امریکای لاتین پشتیبانی میکنند و آنچه بسیار نمونهوار است اینکه فاشیسم خودخواهی پیوسته را با آفتاب بازی بر میاشوند. تمام این اقدامات هم در شرایط تبلیغات ضد ضد شوروی و تثبیت و افزایش جنبش کمونیستی جهانی صورت میگیرد.

اما با وجود همه این تلاشها سیاست همزیستی سلامت آمیز اصولی در سرمایه داری پیروزی های تازه ای میسرند و پروسه انقلابی همزمانه گسترش مییابد. (بقیه در صفحه ۳۰)

در باره مسئله جنبه ایدئولوژیک واحد

گمونیست های جهان

انریکه روسیگلی

عضو کمیته اجرائیه و دبیر
کمیته مرکزی حزب کمونیست
ایتالیایی

مسائل مهمی که باید حل شود

سال ۱۹۶۵ که از جهات بسیار زیادی برجسته و پراهمیت بود، دوران برخورد های عظیم ایدئولوژیک قوه سربره جهان و نظام مائستارما بود. رویدادها و تازه ای که به سرعت رفته و گسترش یافته اند، جنبش کمونیست و تحولات عمیق هستند که میزان رشد سیاسی و تشویک بیشتر طبقه کارگر یعنی احزاب کمونیست و کارگری را مورد آزمایش قرار می دهند.

شدت و هدف تازه در جنبه ایدئولوژیک برهنگان روشن است. تلاش روزافزون بورژوازی برای بازگرداندن با اختلاف نظرها موجود در جنبش جهانی کمونیستی و کوشش برای تکمیل خودها خطه های مستقل و غیرمستقیم در مرصه ایدئولوژی هم گواه بر همین است. "امپریالیسم که با تحکیم مواضع بین المللی سوسیالیسم روبرو شده سعی خود را برای تضعیف و خردت سیستم جهانی سوسیالیسم بکار میبرد. از اختلاف نظرها موجود در جنبش انقلابی جهانی بدین جهت استفاده می کند که در مصروف آن نترغ و نواقی اندازد و با عین ایدئولوژیک خویش را جمله مسائل ارتباط جستن را در راه آتش کمونیسم و مبارزه بر طبقه سوسیالیسم و تظاهرات های مترقی بکار میبرد" (۱).

تردید نیست که جنبش جهانی کمونیستی در مرصه ایدئولوژی بیوفیت هائی نائل گردیده است و ولی برخی از مسائل شایان اهمیت در این رشته هنوز طور کامل حل نشده است و در این مورد ما نمیتوانیم خودمان را زنگول بزیم. در همین حال سلاحهای تبلیغاتی امپریالیسم و مسائل خسری و اطلاعاتی آن که وظیفه شان جعل افکار است هر روز هر چه بیشتر جهان را فرا میگیرد و از طریق تریبون تکنیک ها در خدمت به ضد انقلاب و سیاست "ایجاد تزلزل بین تباری" توسطه چنین همسایه تخریبکاری ایدئولوژیک استفاده میجوید. از این روزها آشکارا چنین اقدامات خرابکارانه ایدئولوژیک در حال حاضر ضرورتش را دارد.

هرگاه بخواهیم مسئله ای را که بورژوازی انحصاری و ستایشگران سینجماک آن ترجیح میدهند پیش از هر مسئله دیگری بزبان جنبش جهانی کمونیستی مورد استفاده قرار دهند از سایر مسائل جدا کنیم، بدین ترتیب مسئله با اصطلاح تعاد میان مبارزان در داخل هر کشور و ارترا سوسیالیسم

۱ - "گفتمان جهانی احزاب کمونیست و کارگری، مسکو، ۱۹۶۶" - پراگ، اداره انتشارات "صلح و سوسیالیسم"، ۱۹۶۶، صفحه ۱۱.

برولتری خود بدین ترتیب از گروچه میجوید و بدین مسئله معطوفه کنیم و در همین حال اصطلاح "هولوآهشتیگ" تری را که بگوشی خودی آید تراست بکار ببریم سخن بر سر "الگوین (مدقام) ملی" مارکسیسم - لنینیسم و با بالا بردن این بر سر این امر ساختن اصل ارترا سوسیالیسم است و که اگر معنی این کلمات را اصلاح و پویت کند میتوانیم همه اینها یعنی کند کردن سلاح "فاصله" است که فقط بر یکسان نمیتوان سوار بود و از این گفته کرد. در ردیف این نظریه اساسی نظریات بسیار دیگری که همسنگ ارتراستند نیز بر میآید مانند: کاستن از نقش برولتر را بمنزله نیروی رهبرین کننده و روند انقلابی و نفی مضنات انقلابی اتحاد شوروی و جمله به نظریه مارکسیستی - لنینیستی "آزادی" در این رنگد رهمه بجزیکسار می آید. نظریه های (همگامی) "دولت غیر لنینیسم" و "سوسیالیسم با سیمان انسانی" و "ارمیلین در واکنش آتش سوسیالیست نظرها را در مورد هم استفاده میجوید.

رضی بر طرف و در برابر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی یکسال و نیم پیش از کنفرانس ۱۹۶۶ با توجه به ضرورت طرح گفتیم این مسائل گفت: "مبارزه بر طبقه جدید به نظر طریقی راست و "چپ" و "مابینوا" نیست مانند گذشته مگر ضروری است. ایدئولوژی های بورژوازی و تکنیکها و بورژوازی در مبارزه بر ضد سوسیالیسم و جنبش کمونیستی اینک با علاقه بیشتری در دست بر همین گویا بر حساسی ناسیونالیستی و ویژه گرایشی هائی، که شکل آتی سوسیالیسم بخود میگردند تکمیل میکنند. اینها هستند عناصر امپریالیست و احزاب کمونیستی را به نوبت سازید ایدئولوژیک ترغیب میکند. مثل این است که گفته با آنها چنین تلقین میکنند: بسیار خوب! شما ثابت کنید که در مقابل ضد شوروی هائی از ایدئولوژی ما هم نگاه فریم اعلام کنیم که این شما نید که "مارکسیست های" واقعی هستید و کلا "دولت" شما وسیع است یعنی "قرار از ایدئولوژی" جریان رویدادها همانند شما میزد که چنین افرادی از کار خود بیرون بمانند و ضد یک تاجران کمونیست گام می نهند. مرد تنی از افسان کارودی در فرانسه، قیصر و ژنرال پتوف در ژوزویلا و امضا "گروه" "Manifesto" در ایتالیا و مونیخ هائی از این افراد است (۲۰۶). مازاد اقدامات خود همواره در شمار دشمنان را باید در نظر بگیریم و تاریخ مبارزه طبقه کارگر را نشان داد که در زمان موضوع مداناتی که با مسائل جهانی پیوسته اند از بدین جنبش ایدئولوژیک کفر انسانی تا نازک نیستی - لنینیستی کهنه منظور که در سرود "انترناسیونال" آمده و در فصول اول و دوم دشمنان جهانی و روز کامل ایدئولوژی بورژوازی قرار داده اند همواره بطور تغییرناپذیر باقی ماندن میمانند.

انترناسیونالیسم لنینیستی

انترناسیونالیسم لنینیستی تعالیم ما همیشه در ترکیبات خود کلاسیک از تجربه و تحلیل علمیست به ضرورت تکنیکال اشخاص ناشی نگردد. وقد شماره پروتایا و لنینیسم در انترناسیونالیسم بر طبق (۱) سولومال - هوی و هوفمنیک در تئوسلیست گفته اند: "مبارزه ملی و از هم جدا شدن است" نظریه جنکد و لنین در نگاره آن سخن را ندیده نیست. این نظریه گیری منطقی از جنبش است که گفتی آن و با تیز شک و تردید قرار دادن آن بطور جدی هر چه در مبارزه میگردد. این حقیقت است که از این اشکال مبارزه طبقه کارگری نیروی محرکه تاریخ است و تقابل جهانی جریان آزاد و رنجنا و رنجوبهای محلی و ملی مغلط و میجوید. زیرا اشخاص جهانی از طبقه کارگران کمونیست هائی هستند. این مبارزه در دست در از هم جدا جهانی و در یکبارزه و ششم سرمایه داری و سوسیالیسم "پراگماتیک" ۲۹۱ کلمه در سبب

۱ - با توجه به ترجمه با خط مشی لنینی، مجلد سوم، مسکو، انتشارات نشریات سیاسی، ۱۹۶۴، صفحه ۲۱۵.

بازتاب تپلم و کمال خود را به امید میکند . و اینطور که در گذشته و در زمینه تئوریک و ریاضیاتی این تئوریم
(همانرا کارل مارکس) برای یافتن اصول کلی که روشنگر راه انقلاب سوسیالیستی جهانی باشد بازتاب
خود را میباید .

با استیضاح ایندولولوژی های امپریالیسم ، هیچکس جرأت نکرد و بهاره خلیت انترناسیونالیستی
برخوردن لنین بمسئله تدارک و انجام سه انقلاب روسیه آشکارا برخورد بد بخورد و در چنین
کوششهای بدون درونمای نتیجه بیورد .

لنین در کتاب " بیماری کودکی " این تئوریم " در کوشش " این حکم را در باره بلشویسم که گویا
یک رویداد تئوریک برای روسیه است و برآیند آن یک مدعیه بود برای همیشه انتشارکلیت و باطل ساخت
و نال کردن این مطلب در صفحات " چه باید کرد ؟ " اثر لنین که در واقع بیطرف و تکامل بعدی
اندیشه لنین در این مورد است و شوازیست ، از جمله هنگامیکه آشور و برسی مسئله آنرا سوزی
انقلاب سوسیالیستی در هند و پاجتی در هند کشور جداگانه میکند بازتابیکه مسئله بیطرف
برایالکتیک انقلاب و سیاست همزیستی . سیاست میزاد دل میبازد و سیاسی از نیکته های تئوریک را در
این زمینه در قیق ترکیب کند و حتی در این مورد هم کوچکترین اشاره ای به گذشته بیطرفی بورژوازی
ایستثنای محلی و با بطور خلاصه میفرماید که از انترناسیونالیسم پرولتری همانند ستاره راهنمای
انقلاب ایمن است و بیطرف میبود .

هنگام بحث وجدال شریختی و اغلب شدیدی که حزب ما بناچار با تجدید نظر طلبان انجام
میداد ، آنجا که این نیکه اصرار بر رویه نیکه ما شاهد رویداد های تازه و وقیعت های تازه ای هستیم
که لنین پیش بینی نکرده و توجهی بدینها نداشته و از جمله میباید گفتند که امروز ما در زمان
دیگر مسئله برخورد با همی مسائل کلی نیز و در خصوص سیاسی در هر کشور با بیطرف قرار میبند
طبیعی است که ما باید به دیه های تازه را در نظر بگیریم . اما اینهم برهنگام نروشن است که مجله ات
سیطرو همدستین هزاران قطعه نامه و نظرسنجی بود و طی که لنین برشته تجربه را آورده به مسائل هم
و سیاسی بیطرف و بیطرفیها ، پیازدهای غیر استیجاری ، مبارزه با کوشش تئوریم " عظمت طبایع " و مسائل
اجتناب از جدی به ستن و روحیات ملی اختصاص داده شدیم است ، ولی بختام این نیکه که بیطرف بود
ارتباط با انقلاب سوسیالیستی بین المللی توجه شده و سیاست دیگر تمام آنها در خدمت به منافع
مازازه بزرگ طبقاتی بقا بر جایی بود نه بالا تراز آن و سوزی از تئوریم حل و فصل نمیشود .

این خود نمونه ایست که هیچکس بدین ماسک جرات نکرد این نیکه که بیطرف بود
و تزد بد قرار دهد ، ولی در این زمان های که بطور غیر مستقیم وسیله احکام انترناسیونالیستی
ما کوششهایی همین عمل را انجام میدهد این تئوریم بود بدینجهت : " بیطرفی : " مارکسیسم - لنینیسم
معا صراحت است از انطباقی کامل حکمی با اصول و احکام آن بواقیعت مشخص هر یک از کشورهای
روشن است که چنین حکمی جای بیطرفی بود ولی اما متوازن این تئوریم را که به ظاهر مرکزی سالم و
سنجیدگی خلقی متعادل بر مگرد پس چون چه باید کرد ؟ حد اقل بهتر از این میتوان چند سوالی را
که در خدمت و بیطرفی است که از آن تدارک طرح ساخت . هرگاه انطباقی این تعامل بر شرا بیطرف
خاص کشور میبوی و نظرات است پس در عا بر سر چیست ؟ اصول زیربنایی بنیاد بر سیاسی و بیطرف بود
که باید تحقیق بد بود ولی هر حزب با توجه به واقعی گوناگون سهم خویش را در یافتن این اصول
بر پایه تمام تجربه های خود را میکند . اما باید چنین حالتی نمیتوان موافقت کرد که در برابر این اصول
انطباقی مشخص یک اصل کلی به اصل بر سر بیطرفی بدل کرد و به بعضی برخورد محلی مسئله بر
چراغی تا واقعاً حکم باشد ، این برابر آن است که یک مانور تاکتیکی در زمینه عملیات حقیقی تاجدی " ویژه
و خصوصی " گرد که با نقشه استراتژیک بکار بردت و تدارک قرار گیرد و به شکست این نقشه کاندازد .

این یک بازی از روی هوید و هوید در زمینه سیاسی و مقامی نیست ، بلکه بطور منطقی از اینالکتیک
انقلابی ناشی میگردد . ما در جریان بحث خود میگویم سوزی تاکتیکی این با آن واحد انقلابی
از این چندانی نخواهد داشت ، هرگاه در ضمن حال صلاح روشی که باید برای امپریالیست انقلاب در
تمام جهان و تده در یکی از گوشه های آن بکار برده شود کند کرد . در ضمن باید گفت وقتی ما موضوع
سوزی در باره " سوزی تاکتیکی " سخن میگویم باید تبیین بود این مفهوم همین راهم در این سوزی
داشته باشیم ، زیرا چنین سوزی در برابر ضد خود میدان میگردد ، همانطور که به تبیین موضوعیت
بخاطر دفاع از اصول و با حقی شکست موقت میتواند بخاطر سوزیهای تاریخی در رخشان و واقع آید و به
بازی بکند .

تکالیف صلح

بدین ترتیب وقتی ما از اصولی سخن بمان میآوریم که در انطباقی با شرایط محلی باشد مورد
استفاده و قرار گیرد ما از مارکسیسم - لنینیسم صحبت میگویم . اینها اصولی هستند که نظام سرمایه
داری را مورد و میسازند و تمهیدی آن با سوسیالیسم دیگر آمدنی بکمونیسم را در نظر میگیرند . رسالت
تاریخی جهانی پرولتارها اینست که سرمایه داری با نایات سرمایه داری ، اصلد تمهید نای سرمایه داری
طبقاتی را مقدم بر همه چیز میسازند و انقلاب سوسیالیستی واقعه را ، در خطوط کلی آن بنا در
نظر گرفتن دقیق راهها و " فوت و فن های " رسیدن بدان انقلابی میدانند که نتیجه آن تخریب
دستگاه پرولتاریک و نظامی دولت پرولتاریک و برقراری نظام اجتماعی - سیاسی جدید است .
فرمول کلاسیک مارکسیسم در باره سرشت و خصلت حاکمیت در مرحله گذار از سرمایه داری سوسیالیسم
اگرچه با این شکل خاص تحقق نیابد نیز در صرف نظر از مساعی بهبوده ای که برای ایجاد شک
و تزد بد در آن بعمل میآید خلل ناپذیر است و از هنگامیکه لنین در کتاب " دولت و انقلاب " بحالفت
با کافوتسکی برخاست این فرمول بخیزله حد فاصلی میان فرورسوم و انقلابیگری است .

هرگاه در مورد این احکام توافق وجود داشته باشد ، نظریه انترناسیونالیستی میگوید و تفسیر
پارچه ایست و با توجه بدان و بخاطر آن بررسی در تئوریم و حتی پرسواس اینک این اصول انترناسیونالیست
لیبیستی در شرایط ملی متفاوت و بیطرفی چگونه تجسم پیدا میکند طبیعی است .

با چنین برخوردی حتی طرح این سوال ، هم وارد است که در تعامل ما چه چیز مقدم و بعد است ،
زیرا خلیت انترناسیونالیستی انقلاب پرولتری عده و روش و نای این وجود تصدیق است و تکالیف در مبارزه
طبقاتی در سطح بین المللی معتبریم ، و باید تبیین او در این به سوال و پاسخ و تزد بد ، دیو کاسل
و اما اگر با پاسخ دادن خود بعضی زیرلایه سوالی قرار داد این خود اصل است .

یکی از مسائل دانی در انبار مسائل است اولی اینست که پرولتاری در دست همین تاکید امکان وجود
اختلاف در موضوع واحد ها در انقلابی مارکسیست انقلابی است . در ضمن پرولتاری میگوید آشکار
و خشن و با بطور بیطرفی . در ضمن ترتیب و ایحاد اختلاف در مواضع نسبت به " تکالیف تصدیق " است
که هیچکس بین المللی بجهت کمونیست های دیگر وارد فتنه انگیزی کند . با رویه رفیق گره ها لغوشت
" اصل قضیه در این است که بدین دیوید با تخریف بخاطر مساواختن دشمن پاسخ داده شود
و با زیر فشار واحد ها در این قیلمی سائله باید این نکته را روشن کرد که تاکتیک
اصولی کجا تا میشود و سازشکاری اپورتونیستی کجا آغاز میگردد ، زیرا اپورتونیسم به اشاعه از یک مرصه
مازازه بد بگری رفتن از نیکه موضع سازشکارانه بد بگری گرایش دارد " (۱) .

(۱) - " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ ، سال ۱۹۷۴ ، صفحه ۵۸ .

مطلوب است و باید امیدیم که حق ظهور یابد و با توضیح و تشریح مواضع خود برای هر کس میسر شود
 و اید و بنیاد آنها هم می تواند اشتباهاتی صورت گیرد که بنا صوابا باید از لحاظ پیدا کردن راه بسیاری
 برای برطرف ساختن آن توجیه نمود. در اینجا همه انگار بد برآست. چنین بودم و خواهد بود.
 این امر در تمام مجلسی هم در هر کس میسر می شود که میسر می شود. اما باید دانست
 اتفاق می افتد. ۲۰ چندین باره ما در هر دو گروه حکم ضرورت خاطر هم بستیم با مقاصد و اقدامات
 انقلابی کمترین آنها نیز هوشمندانه گماشته با مواضع نیستیم و از لحاظ این توفیق حسی در
 صف دشمنان ما قرار دارند و مورد تعقیب قرار گرفته و نامشروع عقب نشینی های موقت شده اند.
 پس معیار برای این واقعت ها از طرف حزب ما کم نیستی - کم نیستی که است؟ حزب ما
 برآست که چنین معیاری تنها معیار انقلابی و طبقاتی می تواند باشد. نه حسابگری کا کا را -
 "درآمد ها و مخارج" بلکه معیاری که امکان در حد چنانکه لازم است سهمی را که یک واحد انقلابی
 باید بپردازد و داشته باشد از برای کم نام در نتیجه بخوان از طریق اقلیت سیاست اصولی را بپذیرد
 دیگر نه مال گرد و طبقاتی را در مورد این اصول تربیت نمود و نام پشاهنگ مورد تأیید
 همگان را بپذیرد و بپذیرد. زمانیکه سخن بر سر نقطه های ضعف و پروردگان بزرگ در هر دو حزب
 است و هر دو گروه گمان در ران در هر دو گروهی جبهه رفیقان برادران همزاد در راه کمونیسم اند و هنگامیکه
 در ستون های هر دو طرفی این جهان و مومنان هم مورد شک و تردید قرار میگیرد برای استفاده از این شیوه
 برخورد طبقاتی و تمام با هم نیستی. در مثل اساسا به پیشروی وجود دارد.
 طرح اینگونه مسائل حاد بصورتی تند و افراطی زیانی نمی ماند. ولی این نیز روشن است که
 هرگونه تصمیم خطی نامرستوبی مورد است.

دانش گسترده و ولی توأم با یکدیگر

باید بطور قاطع اعلام کرد که حتی با وجود مسائل حل نشده کمونیست و جنبش کمونیستی جنبشانی
 این جنبش گسترده ترین جنبش انقلابی است که تا بحال جهان بخود دیده و بگویند از جبهه تازه ایستیم
 در ضمن حال بزرگترین همگونی این دو گروه است.
 برای تشریح ضرورت ترس از کم نیستی به برخورد های ویژه و در هر دو طرفی موارد یکطرفه ترست بهترین
 کم نیستی جنبش جهانی کم نیستی. همانند با توافق دانش همانند پس نظیر توسعه جنبشهای انقلابی
 با کیفیت تا گوناگون در تمام قاره ها کم نیستی. در دست به آن واقعت بسیار امیدوارکننده که کم نیستی همگان
 کم نیستی - کم نیستی در طلب این جنبش های طبقاتی قرار گرفته و در بسیاری از موارد در آنجا نقش
 اصلی را بعهده دارند و به امکان نفوذ و تاثیر کم تا زمانی که تنوع خود این جنبش های نیرومند می تواند
 روی پیشاهنگ طبقاتی گرد آید و با هم باشند. از زمانی که هنوز ما در ضرورت و تقاضای هر دو طرفی که تحت تأثیر
 بورژوازی قرار دارند با تمام پیوند اروپا وصل کرد و با هرگز آنها بدان نه اقدامات نفوذ نمودی و
 سرخوردگی کم نیستی بی تجربه سیاسی آنان است با انقلابی بود با هم نمود. و به تمام این عوامل و
 عوامل دیگر اغلب استناد می کردند. که گفته هم اشتباه نیست است. بدین جهت هم نتیجه
 گیری نادرستی به حد کم نیستی هم مانده به دست بعضی تجربه ها و گزارشها که خود زندگی و مبارزه سخت
 و مذاکره آنها را ضروری می دانند. این نکته بسطه حینش می تواند که رفیق ارمنی
 در برابر کم نیستی حزب کم نیستی اروپا که در گزارش سال ۱۹۶۹ در مسکو در باره آن صحبت
 کرد (اگرچه می تواند مشتاق از مسئله دیگر هم نظر آید)

"قلب مطالب زیر از مسئله عدل ترین توضیح واحد (اختلاف نظرها و تضاد های در) مورد

توجه قرار می دهند. دانش گسترده و گوناگون بزومه انقلابی جهانی زمینه مبنی برای پیدا این اختلاف
 نظرها و تضادها است. با مبارزات در گرد آمده و موفقیت های جنبشها در ضمن حال عدل ضعف مانع
 می باشد. تا اندازه کمی در مورد توضیح مواضع هم میسر است. تا که این تأیید قابل تصور است و با کوشش
 برای اینکه بهنگام بررسی مسائل خاص همه چیز را به یک نکته تنها ارتباط دهند که علاوه
 است. تا این فقط نمی از حقیقت است. زیرا در این زمینه اندیشه ها و هم گرایشهای تازه و
 با شکل یافته ای بدید می آید که بعضا عمیق آید و توفیق ارتباط پیدا میکند و نظرها عدل تجدید
 نظر طلبانه دارند و همین علت نیز باعث آید از دید طبقاتی و حقایق عام مارکسیسم - لنینیسم از برای
 شوند. هر برخورد دیگری ما را به ولائی میسر خواهد گشتند. بدین معنی که به زاتیک انقلاب سوسیال
 لیستی جهانی به مثابه ترکیب ساده تر به محلی توجه خواهد شد و این خود یعنی نفی عدل عام
 تئوری مارکسیستی - لنینیستی خواهد بود.

اگر ما برای وحدت در تلاش هستیم هیچ نوع توضیح و تشریح این قبیل مسائل نباید بکام میسر
 و با برپایی مافی که بر ارضی با این آن میزند بعمل آید. (۱)

این اندیشه در اینجا علاوه با توضیح نشده و برای این سخنرانی بناچار کوتاهی است نه رساله ای
 که بدین موضوع معین اختصاص داده شده باشد. ولی در اینجا در واقع حکمی وجود دارد که معارض
 با جزئیست که آریستند و آنرا "در مقابل هر اقدامی تا فیزیکی تعهدات طی هر حزب با
 تعهدات انترناسیونالیستی آن" (۲) نامیده و ما در شرح بالا بدان اشاره کردیم.

این در درجه اول دعوت به "بررسی دسته جمعی است" که ضرورت بسیار دارد. بطور
 حکمی که در این سطور وجود دارد و ما را از خطر "توجه به پارتیکل انقلاب سوسیالیستی جهانی - مسئله
 ترکیب و تشریح محلی" بر حذر می دارد و در زمینه هر دو از های مهمی که در این او با وجود پیوسته
 ارزش و اهمیت خود را همچنان حفظ میکند. همانطور که می توان این بدید و ما با وضع و احوال را فقط
 به مثبت و منفی تقسیم کرد. همانطور هم از آنها نباید بطور کلی سخن گفت. برخی از آنها مانند پیروزی
 بزرگ مردم و تمام و سرکوشی در یک تئوری فاشیستی در بر تقابل و تضاد برای این اندازه نه بد بخش و امیدوار
 کننده است. آنها معمولا نتیجه کوششهای خود ما است که ما موفقیت ها و مقربینش می های هر دو است و
 در آنها هر دو با یکدیگر مبارزه می توانیم در انقلاب و ضد انقلاب جلوه گری شود. به سخن اگر کم نیستی
 تا اینها است نه هر دو از های در زمانی که گشت با حزن دارند و به نگرانی این طور یعنی امپریالیسم و سرمایه
 داری است و تضاد کم نیستی ها.

مسائل و نظریات کینه

روش است که مواضع بسیاری که میباید تعدد به در آن عمومی سرمایه داری را فراهم کرده اند
 مانند شکست امپریالیسم در تمام و در کوشش پیرو برداری "مجزبه اقتصاد" و "مجموعه های
 شناختی" دیگر و مورد تعدد بدین اثر حد و اطلاق سطح مبارزه طبقاتی در کشورهای صده سرمایه
 داری که کسی را با زاری متوقف کردن آن نیست ما را بر آن می دارد که زمان لازم برای اتخاذ تصمیم های
 ممکن و یا درست ترکیبیم بهم پیوستن مبارزه ضد انعماری با روشهای سوسیالیستی را با حد اکثر وقت
 مورد بررسی قرار دهیم. این خود مسائل دیگری به پیش می آید که وحدت و مبارزه و جلب توجه های
 اینها بدان در ضمن حال برخوردی در ژرف در مسائل آید و کلوزیک از جمله آنها است.

۱ - کيفراس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری، مسکو، ۱۹۶۹، صفحه ۲۰۷.

۲ - همانجا، صفحه ۲۰۶.

پرتقال بدین مفهوم نقش ناموزون داشت. ولی مسأله ایدئولوژیک در چهارچوبه مبارزه بپس شکیب در راه موجود است و در همه جا شدت در چشمگیری کسب میکند. هم چنانکه ایدئولوژی که در جهت همگامی کاروانه جاورجیایی را که رهبران سوسیال دموکراسی اروپا با توجه به انقلاب در حال پیشرفت پرتقال در راه انداخته اند پنهان سازد. نمایندگان گرایش های متحد بد نظر طلبانه سوسیال دموکراسی اروپایی غریب نمیتوانستند همچنان در ظاهر این ایدئولوژی را که پرتقال در زمان واقعی مشخص سوسیالیستی احساس میکردند تا بدیده بگیرند. "تحول طلایی" کلاسیک سوسیال دموکراسی میکوشیدند و اینک نمود در تلاش آنست که این پرسوه انقلابی بر مضمون راختنی کرد میانشرف سازد.

این نکته بنظر ما روشن است که اروپایی مارکسیستی - لنینیستی اوضاع پرتقال باید از پشتیبانی و فعالیت فداکاران و هشیوارانه حزب کمونیست سرچشمه بگیرد. در همین حال کسی نمیداند چینیسن رویداد هائی و یا نظایر آنها میتواند در کشور دیگری بوجود بیاورد. در راه آنچه مربوط به اشکال بحاکمیت رسیدن مردم پیشوند باید گفت انقلابیون با سوسیالیست پرتقال در این زمینه نمیتوانستند و نباید وقتی شرایطی بدید میگردد که با استفاده از آنها پیشا هنگام میتوان در زمین مشخص کردن و یا پیروزی و ظهور پیروزی پیدا کرد تا اینکه خود تصمیم بگیرد و همراه با متحدین خویش در راه رسیدن به هدف نهایی بکوشد که برنامه انقلابی برای این مرحله منجم معلوم کرده و دست بسته باقی بماند.

این سلسله مسائل تکراری آموختن و پدید آمدن وحدت در راه و وحدت ضروری ایدئولوژیک اینها پدید آورنده خواست زمانه مطرح میگردد.

بسیاری از مباحث با روی این مسئله تامل میکنند که در فلان لحظه معنی در پرتقال چه اتفاق می افتاد اگر حزب رشد یافته آید و در کمونیستی و مارکسیستی - لنینیستی وجود نداشت. همین سؤال را در این انطباقی با شرایط مشخص میتوان در راه رویداد های گوناگون و نتایج نیز مطرح کرد. در همین رویداد ها منحنی نظایر آنچه در شرایطی اتفاق افتاد نیاز به تجزیه و تحلیل عمیق دارد. این قهلی رویداد ها در هر امر از جمله مسئله فرا گرفتن زرف ترست و لوی مارکسیستی - لنینیستی و نتایج بررسی ها در مسائل نظیر دولت و بیوزروائی و دست سگانه نظامی - بیوزروائی که آثار حارج میسازند.

طبعاً چنین سؤالی پیش می آید که آیا ممکن است این با آن وضع مشخصی را که در نقاط مختلف بدید می آید تنها با آنکه به تجربه های محلی گرد آمده و بدین تصمیم های ضروری گسترده نظریک مورد بررسی می آید و در نظر قرار داد ؟ اینهمه نه بخاطر آنست که ما باورس تجربه ها فاعالتکم بلکه برای آسبیت گذردن در شناخت قوانین انقلاب و آموختن آنها گامی فزاینده است.

این نکته را باید تاکید کرد که کسانی که به بررسی دست جمعی بهترین موضوع ها کمک میکنند و به پیشرفت خلاق ثوری مارکسیستی و فرا گرفتن آثار کلاسیک های مارکسیسم وسیله و سنگین کردن بدقیق و قیامه فاکت ها و شرایط پارتیک انقلابی باوری میسازند.

حالا در گریه ثبوت رسیدن است کمونیستون آنرا "آزادانه و بیسوزانه تشریح" نامید و بیسوزخوردی را که باید آورشید می نفی میکند. صرف نظر از ایدئولوژی که در راه وجود دارد و تنگ دید و خواهد بود. زیرا بدیده ای را که لبر از مضمون های با اهمیت بین المللی است و وابسته به ارتباطها و تشریفات متقابل است که از این خصمه ناشی میگردد. در چهارچوب های محلی محدود میگردد.

اگر ما شیوه بررسی تکنیک و مسائل بزرگ اصولی را بقیاس بین المللی بکار نبریم با آن تنهائی دشمنان ما بهر طرف میگردد. تلاش برای برکارسازان در از اشباح سیطره جوش (هژمونیک) کسبه بگذشته ها سرمد مفید برای ما خیلی گران تمام میسند. اگر ثوری مارکسیستی را از بررسی عمیق چنین بدیده های جدی نظیر مائوئیسم و ورننگند از ارزش خود وارد دست میدهد و علاوه بر این اگر ایسین

بدیده را بنیازه خطری جدی بر ملا نیکم. البته از لحاظ اصولی و نه از طریق پهلوی هم قرار دادین جملات نامربوط نظیر آنتیهای کمفرد مائوئیست ها استفاده میکنند. این امر بطور صریح آنتی تقویت میسند و این امکان را که مائوئیسم راه به بحث و گفتگوی جدی بکنیم از ما سلب میکند. صرف نظر از این چنین جریانی با ما امکان نمیدهد که آنتی بنیازه مسئله ثوری و اصولی. همانند یکی از مضامین حزب پیشیناز و مسائل مرکزی هر انقلابی بررسی کنیم و بیسبب اعلی و کمیتارند موجب بدایش مجد و آن گردند تجزیه و تحلیل کنیم.

این موضوع به شرحی است. زیرا بررسی آن نباید برهان پیشرفت در راه وحدت در طلب و ضروری احزاب تمام شود. ولی بنظر ما جنبه دراماتیکی که بدین میانگانه این جریان کسب میکند باید به کوشش های بیشتری برای پیشروی انجامد. ما همه در کمیتکم که برای جستجوی برشکب و اما بصیرت راه های ایگوته مضامین که برای همه انقلابیون جنبه فوریت دارد زمان و ضرور حوصله بسیار لازم است.

یك نمونه مثبت و آموزنده

یکی از نمونه های اخیر به ثبوت میسازند که در این مورد میتوان موفق گردید هرگاه که کوشش که از همه يك انقلابی است بعمل آید و با توجه کمونیستی اروپا تا کار کنیم. کنفرانس احزاب کمونیست کشور های امریکا و لاتین و موضوع کار انیمب چنین نمونه است.

اختلاف نظر های که در گذشته بدید میسازند و اینها واحد های گوناگون کمونیستی امریکا و لاتین موجود بود که این اهمیت نبود. روی گره زمین کنفرانسی نظیر امریکا و لاتین میتوان یافت که در آنجا روحیات چپ گرایانه و ولونتاریسم بروز کرد و روشن بودن فعالیت ضروری موجودیت احزاب کمونیست مورد شک و تردید باشد. حالا ما بدید میسازیم از سایر افکار روانه بشمهای که حمایت کثرتی نداشتند سخن بماند. آرییم. اما کسانی که سند کنفرانس ها و اوانا (ژوئن ۱۹۷۵) را میخوانند میتوانند موفقیت های واقعی در توافق بر سر فرمول بندی برای مشترک و تعریف های سیاسی - بیثوریک در مسائل تکنیکی و استراتژیکی که اهمیت فراوانی برای آینده دارند ارج نهند و اینها علاوه بر بدست آمدن توافق بر سر سرانجام اقدامات ثوری بر پایه ایجاد اتحاد گسترده ضد امپریالیست در امرای سرازاره بر طبقه دشمن مشترک و بدین معنی امپریالیسم امریکائی شمالی است.

تصمیماتی نسبت که بهنگام بحث و گفتگوی اینهمه که با شرکت فعال حزب کمونیست کوبا و فیدل کاسترو و جریان داشت سخنرانیهائی فاعط بر طبقه مائوئیسم با تمسید فعالیت برای تشکیل کنفرانس جدید احزاب کمونیست و کارگری همراه بود. جریان از این قرار است که احزاب مارکسیستی - لنینیستی با درک اهمیت وظایفی که از تجزیه و تحلیل اوضاع در این منطقه تا آرام و در معرض خطر انزالی می شوند ضرورتی را در جمعه بنیاد "راخا سار" میکنند. بدین معنی که بطور استوار باید از اصول همساز ایدئولوژیکی مارکسیستی - لنینیستی پیروی کرد و از نظر تریه علمی انقلاب سوسیالیستی و از نظر تریه علمی انقلاب سوسیالیستی و استراتژیکی را بطور مستقیم تهیه و تدوین کرد.

این نکته بسیار آموزنده است. بحث و مذاکره صریح، تهیه و تدوین اسناد با ضرور حوصله و بطور بدست جمعی در چهارچوب اصل کمونیستی کنگ متقابل. برای آنکه کنفرانس بسیاری از مسائل کهنه را حل و فصل کند و بررسی مسائل نپس را با نظایر شرایط لازم را فراهم آورد. علاوه بر این تمام کار بدینصورت انجام میگردد که به اعتبار و حیثیت هر یک از احزاب و یا رهبران لطمه ای وارد نمی آید و هیچکس هیچ نوع فشار و تحمیلی احساس نمیگردد. بعکس انتقاد و انتقاد از خود سالم و بیوقفه است.

موجب افزایش ارجح و اعتبار کمائی شد که برای تشکیل این کفران صحنی و کوشش بیخروج دادند و همچنین به بررسی دقیق مسائل خود بحث کمک کردند.

در راه جبهه مشترک آید لولوزیک

مازوه مارکسیست ها - لنینست ها در راه جبهه مشترک آید لولوزیک مسئله اصولی است که اهمیت استراتژیک دارد. ما میتوانیم در مسائل درجه دوم تاکنیک اشتباه کنیم و اشتباه خواهیم کرد، این اجتناب ناپذیر است. ولی چنین اشتباهاتی را در زمان کوتاهی میتوان مرتفع کرد. آنچه واقعی توان صحیح کرد و یا جبران آن خیلی گران تمام میشود، باوریکه تمام تاریخ جنبش انقلابی کارگری نشان میدهد نقد آن نظریه واحد در مسائل اساسی تئوری است. بدین شرح عملیات انترناسیونالیستین مازوه ویکم ما ترابیسیم دریاکنیک و تاریخی ظریف برنظر ارباب ملت گرایانه بوزوواقی پایه اصلی تئوری ما است.

فقط ما رکیسب لنینیم با اثبات اینکه تاریخ پیشرفت جامعه بشری عبارتست از تاریخ، مازوه طبقات سرزشته حل این مسئله تاریخی را بدست داد. ما شاهد میکنیم که جنبش جهانی نسبیسن کمونیستی و کارگری برای روشن کردن راهی که بر آن فوایع آید لولوزیک گفته. نو ویا توسعه فراوان است کوششهای فراوانی بدول داشته و میدارد. اما در این کما در آن زندگی میکنیم ما را با اشتبا و اشتباهات، بدجلوسرماند و تکلف میسازد. فوریات کارهای انقلابی البته بمعنی ویا مترادف با اجتناب ناپذیر بودن عدم نظم و ترتیب نیست و به برخورد و معارضه ظلم با دشوافتیای مردم مازوه منبر نمیشود. لنین با نمونه خود تلقیح طبقاتی با شور و هیجان بیگانهای را بوزوره و ابداع سوخت. بدین آخرین تحلیل ما این را درک کردیم که هرگونه انقلابی و رهیروی درست آن همیشه بدون قید و شرط بکار آید لولوزیک بیشتر از کمونیست برای اینجا بوظائف بیخروج فراوان بستگی دارد.

ما باید تکرار کنیم که: تعالی ما انترناسیونالیستین است و تعالی که بنا به جهت خود انترناسیونال لیستین است و هدفش اینست که در پاره نجامه بشری بطور کلی و در گمنازی آن بکک نظریسمات انترناسیونالیستی و انقلابی است، نمیتواند در چهار دیواریهای ملی تنبیه و تنگ بین گردد. و نیز برای بسط و تکلیف آن جمع بندی، ساده تجربه کشورهای جداگانه کافی نیست.

جنبش کارگری و کمونیستی بنا به خصلت و جریان خود در هر دوره انقلابی بجزویش و غرضش نمونه ای از همگاری و همبستگی است و چنین نیز باید باقی بماند. رسالت آن در این است که در یک صف متضاد بی یکپارچه به پیشر رود. صرف نظر از هرگونه کفایتی، صرف نظر از اشتباهات خود شود و بگران و صرف نظر از اشتبا نظرها و بد چنانچه های ناگزیری که در راهی نا شناخته با چنین اهمیت تاریخی فراوان وجود دارد. آگاهی انترناسیونالیستی و حتی چنین احساسی همواره ما را وارد آن خواهند کرد که تمسک به وظایفی را که از این نظریه همگانی و جبهه نشون ناشی میگردد در محدد بگیریم و هرگز فراتر از آن نماندند. سلامی را که دست دشمن دهد و یا بتوان آنرا فراتری انحرافی تفسیر کرد محدود و مختصی سازیم. اینست نیز که ما در روشن است که باید درک مسائل و اجزای هم هر یک از واحدهای کمونیستی را که رهبری هر دوره انقلابی در کشور خود را بسپرد و دارد با موضوعگیری اصولی و واقع نسبت به عملهای مستقیم به اصول بنیادی و تعالی ما او بدست جنبشها تطبیق کرد.

طنی تمام در آن طولانی اشتیاق که اغلب هم بشیاء در ناک بود موزهرمان حزب کمونیست چنین مقصود را به وثقی آید با اثبات رسید که در دست کمائی گان ضرورت برزیس جمنی سنابل مورد اختلاف جامعنداری میکند، شکل و مضمون بحث و مدل را حفظ میکنند و به اینکه با روحیه کمونیستی و در مصلحتی رفقا نه انجام کرد در علاقه مند همد. تضاد ای آشکارا بیان است: زیرا رهبران حزب کمونیست

چنین یعنی طرف دیگر این میخانه بخرد اجازت میدهند جنبش گستاخانه به دست آورده های تاریخی بسیار مسمی میزند اتحاد جماهیر شوروی، جنبش جهانی کمونیستی بوجدت آن مطلق کنند. بنظر ما مصالح وحدت اجزای ما زش با چنین چیزی زیاده حد. چنین امری حتی این نقطه نظرات اقلی ترین مناسبات برابری حقوق میان احزاب هم غیر قابل تامل و نادرست است بویژه زمانی که جنبشها مائونیست ها با چه " دست و دل بازی" و "اساسی در برابر مصلحات مبنی موجود با من در زاویه یوگایسی حتی در ناک اظهار نظر میکنند.

نیاید چنین تصور کرد که ما از روی " برهیزار جمله" و " فایه کمیم" (اگر تود بهاره این مطلب چیزی نشکوفی من هم بهاره آن مطلب چیزی نخواهم گفت) - خیر، اینطور نیست. چنین چیزی برخلاف اخلاق و نیا شایسته بود. براتیک تبادل عقاید در موهومیاتی که مورد علاقه تمام جنبشها است کاملا قابل قبول است. این امر هیچ وجه مشترکی با تحمل خسارتها بسطوره جوشی ندارد. تجاربتی گرد آید نشان میدهد هند کما نقل سلم آید بر خورد این کم رویداد های گوناگون را در دست از باسی کنیم، "غضا" و "سنگ و تکامل آنها را بشناسیم و ضرر و حوصله هم تا آن حد داریم که غمناک بگران زاد درک کنیم و هم بکوشیم تا بگران هم را درک کنند.

بطوریکه کفران احزاب کمونیست درها و اثبات نشان داد بحث و مذاکره صریح فقط ارجح و اعتبار ما را با این میرسد. ما همواره میتوانیم در جبهه های بسیاری از این انقلابی گوناگون در کشورهای مختلف بشرط بر طرفی ما همتان مانده و ما و خرافات ناشی و نالستی با ما و زمین. "طبیعی است که گاهی لازم میشوند در مقابل معاندان های (آلترناتیو های) گوناگونی که جنبش جنبش گسترده ای در سروراد بینگنار و خویش میخواند با آنها روی برگردد. برای آنکه ملاحی بدست دشمن ند همت" و ندان زوی جگسز نیاده " حمل کنیم. لنین علا میانشان داد که باید برولتا را با تمام مردم رانه فقط از طریق تمزید و توصیف سوفیت ها در زمینه های تاکتیکی بلکه از راه مازوات ندا کارانه میانشان داد در شوراسرین معقلات، و آنجا که بود و نبود ضایع طبقاتی مطرح است با راورده و بیرویش داد. " بخواهف جنبشها را شناگردن " رهبری از منطبق ضایع طبقاتی بیهیجوجه همیشه نشانها داد و گمناستیم نیست، درست برعکس در موارد مبنی چنین رهی میخواند نشان نمیروند ای، روحیه قوی و انقلابیگری باشد و این در واقع صلا هم به ثبوت رسیده است.

ما رکیسب - لنینیم در پاره نقش تئوری

بسیار می توان تصور کرد که جنبش نظریه جنبش تا که هدفش ایجاد دیگر جنبشهای بنیادی است بتواند با عقب ماندن نیز داشته تئوری بد آن درگوتنها ما متصل بنوشد. اغلب این جمله انگشت را از فاصله وی در پاره شناگرد جنبش کارگران آلمان که لنین هم آنرا در اشرف " چه باید کرد؟ " خود آرزو نهاد میآورد: " باید بنگارگران آلمان حق داد، چنانچه با ما بسار است که با نری از مایای وضع خود اشتباه کردند. از هتگاه مکه جنبش کارگری وجود دارد تا حالا برای نخستین بار مازوه طبق بر نامه اینجمن دست از هر سه سمت آنطور همتا هتگ ویا ارتباط با یکدیگر جریان دارد. در زمینه تئوری سیاست و تاریکی - اشتراکات (مقاومت و برابری سرمایه داران) را ز سر بروندی و شکست ناپذیر تری جنبش کارگران هم در همین باصطلاح حیطه مقاومت است (۱) یاد داشتیم که تحت عنوان " در پاره تئوری طرح برنامه سوسال دموکراسی سال ۱۸۹۱ نوشته شد، سپس مضمون است:

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۶ صفحه ۲۷-۲۶.

* جنبه سیاسی (سخن بر سر مطبق کردن راه مسالمت آمیز در شرایط آلمان سال ۱۸۹۱ است. آ. ز. در آخرین تحلیل فقط میتوان خویز را برآورد تا درستی بکشد. مسائل سیاسی کلی و مبرم را جلو میکشند و بدین ترتیب مسائل فکری آینه به نزد یادگار که بهنگام بد یاد آمدن نخستین روزهای ماهی بزرگو نخستین بهمان سیاسی خود بخود در دست و ریز قرار خواهد گرفت. بهوشیدند و نگمیدانند. از این چه غنچه میسازند حاصل گردند. جز اینکه حزب ناکهان در محاسن ششبرین لحاظ قابل آنقدر مورد قاطعترین مسائل در آن سردرگمی ویرانگی حکم فرماست و اینسبب مسائل هیچوقت مورد مذاکره قرار نگرفته ضعیف و زمین میاند ؟ (۱)

انگس تو جمعش موهوب بدین دارد که مذب و رهبران آن همیشه منافع انقلاب و طبقه انقلابی را در نظر داشته باشند. جنبه و جلیل و ازمیالیات بر انقلابی افسانها سرگذشته توماس منتیبرام و راس شرایان ایدی مول هانوزین (رجوع کنید به "جنگ در هانی در آلمان") که با آن ویژگی جالبی بهمان گردیده و یاد آوریم. در اینجا انگس با توجه به آینده و برحذر داشتن انقلابیون در باره چه چیز صحبت میکند؟ اوها چنین تحلیل بتامس برورهاد از زمان با ثبات میرساند که هنوز نه شرایط اجتماعی و نه طبقه ای کمونیست را نداند است تا حد لازم آماده و بد موشد نگردد است و چنین نتیجه میکورد که این رهبر "تا جارا است نمایند و حزب خود و با طبقه خود که نمایند و آن طبقه ای باشد که در این لحظه معین جنبش برای جگرش آن دیگر حد کافی رشد و پیشرفت کرده است. اوها با مصالح خود جنبش باید از مناطق طبقه ای که باوری بهگانه است دفاع کند و با طبقه خود با جملها ها و بد موشد ها و اول قرار هائی در باره اینک منافع طبقه دیگر حاصل و نیز آن نیز هست خود را خلاص کند. کسیکه بکار بدین وضع دروفین دچار شد، او برای همیشه وبدون بازگشت از دست رفته است (تکه ها ازین است. ۱۰۰ ر. ۴۳)

اینجا سخن بر سر نظر بر مکن این جریان نیست. هرگز که این متن را میخواند و گامی از پناستن شهادت با او بر تو چشم کلاسیک فراتر می نهد، او در درجه اول درک میکند که سخن بر سر این است که بر خورد طبقاتی همواره و در هر شرایطی باید رهنمون ما باشد. از آنچه مستند رسال ۲۵ و ۲۶ نیوانیست اجتناب میکند. آلمانها در سال ۱۸۹۱ در فوریت اجتناب کردند. اندیشه مستند از یادگار مائتریا لیسیم تاریخی از آن جهت آموخته و ضروری است که ما با ارج نهادن به مضامین نیک خود، فراموش نکنیم که "این به کی خود متعیند".

جملاتی که در بالا یاد آنها استاد کردیم گوش ماقبل چیز است که لنین در باره آن در اثر چه باید کرد؟ "ما برهنه ساین نظر سار و ولی کلاسیک خود در باره اید تولیوی پرولتاری و بیوزوای جنبش نوشت: "... مسئله نقط اینطور مطرح است باید تولیوی بیوزوای یا پرولتاری. مانه اینجا و جوسور ندارد (نیراهج اید تولیوی؟ بومی. جامعه بشری تهیه و تدوین نگردد است. از این گذشته بطور کلی در جامعه ای که با ثبات درهای طبقاتی دست بگیرد این است هیچوقت هم اید تولیوی برین از طبقه و یا بالا تر از طبقه میسازند وجود داشته باشد. همچنین سبب هرگونه تضعیف اید تولیوی و سوسیالیستی هر نوع و روی گرفتن از آن درین حال تقویت اید تولیوی بیوزوای است" (۲)

میتوانند بگویند که حالا شماره ای بر طبقه "اکنونیست" ها و قدیم و نه بر طبقه "ستایش جریانهائی" وجود بخود، وجود ندارد، امروز جنبش ظاهر همین منزله ساده لوسی سیاسی بگوش انسان میآید. سیاسی

اینهمه روشن است که بنظر لنین درین اینک ما ندانند گشته بقوت خود باقی است، جنبه عمومی دارد. لنین در همان از چند صفحه پیش از این میگوید: "بدون نظریه انقلابی جنبش انقلابی هم نمیتواند وجود داشته باشد" اما ثبات میسراند که "درست همین دوران اخیر ما ناظر جان گرفتن جریانهائی انقلابی هم سوسال در موزکات هستیم" و سپس یاد آور میشود: "در جنبش شرایطی اشتباهی که در برخورد اول "مهم" بنظر میسراند میتوان افسانگیترین بی آید ها را موجب کرد و فقط افراد کورته بین میتوانند مباحثات میان فراکسیون ها و تشخیص بد یا اختلاف نظر ها را با بهنگام و با بهبوده تصحیح کنند. آینده سوسال دموکراسی روسیه برای سالهای سال میتواند وابسته به استواری و تحکیم این پان "اختلاف جزئی" باشد" (۱)

مکن است اعتراض کنند که آنچه گفته شده امروز تمام و کمال و با تمام اهمیت که در موقوع خود لنیسن بدان حد اید قابل انطباق نیست و که از آن زمان تا کنون مدت زمان دراز می سپری گردیده و ما تجربه های فراوانی اندوخته ایم. اینها همه درست و طی و طائف کوشی ما بسیار گسترده تر و اغلب در امانتیک تر است و همچنین سبب هم شیوه ای که در جنبش مواردی انگلرولین اندیشیده و عمل میکردند امروز هم آموخته است. مسئله اصلی در هر شرایطی آنچه بوده باقی میماند و این نکته روشن است که:

"فرد و استاد تا تکلیف که به صلاح درک و بالکلیگی و جهانی (انجیرسالی) تغشیر و تحول هر انقلابی (مانند موفقیت ها ناگامی ها و اتحادها سازش های ضروری آن و با ایرانیا) میبهرند و سه هنگام تعیین اصول حزب و اقدامات آن در این پان لحظه (که از این اصول ناشی میگردد) هیچ گذشتی تن در ندادند و از خطر عدت کردن" به طبقه ضروری "و با تحکیم اید تولیوی بیوزوای سارا بر حذر داشتند. ما باید با توجه کامل با این سخنان گوش فرا داریم چون مجموعه برایش انقلابی هم اهمیت این نتایج را تا نید کرد و با تکمیل آنها بوسله ضمن های تازه ای از زندگی بدانها نرسوزی تازه ای بخشد.

صرف نظر از اینکه مسائل امروزی با مسائلی که در جملات مذکور بالا از آنها سخن گفتیم تفاوت دارد باید نسبت بمواضعی که اگر بدین توجه به حد قبائی که از آنها شنا رواست و بطور صریح آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و ملت متحد و بدت طی و درک نادرست پیشرفت جهانی و سبب عدم کفایت بر خسور متقدانه و با تمام این کل رو به بر مرته و یک جا می توانند به اقدامات خرابکارانه دشمن با طبقاتی کمک کنند و برترتیبها ی تازه ای نصیب اونما بماند (بند ششم)

امکان برای تحقق کار جمعی که دارای اهمیت گرانقدر تاریخی است بطور کاملاً آشکار آماده و فراهم میگردد. جنبش جهانی کمونیستی در این مرحله معین پیشرفت های جهانی قادر به انجام آنها است.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۶، صفحه ۲۴.

۱ - مارکس، ف. انگس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۲، صفحه ۲۲۷.

۲ - همانجا، جلد ۷، صفحه ۲۴.

۳ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۶، صفحه ۴۰-۳۹.

تعمیم برتریهای سوسیالیسم

مقیاس جامعه کشورهای سوسیالیستی

ولاد میروشونیدوف

د. بیروت، مؤسسه "مسائل صلح"
سوسیالیسم

جامعه کشورهای سوسیالیستی باید آوری کارهای انجام یافته سترگ به آخرین ربع قرن میبندد که پس نیند. این مرحله در درجه اول با تعمیق (انترناسیونالیزاسیون) هرچه بیشتر برتریهای سوسیالیسم، همانند میبندی در جریان مبارزه و مبارزه با امپریالیسم، جانب توجه است. چنین است بهترین خصیصه آن زمینهای ریخی که اهمیت و مسئولیت مرحله ای را که اینک احزاب برادر میبندارند با برحسبکی ویژه ای خاطر نشان میبازد. ورود آنها به آخرین ربع قرن با مصلحتی در آن روزگاری کنگره های هیئتی احزاب کمونیست تطبیق میکند.

پراژماده شدن این شماره مجله برای چاپ، هفتمین کنگره حزب متحده کارگری لهستان و پنجمین کنگره حزب کمونیست کوبا برگزار خواهد شد. حزب کمونیست رومانی و حزب سوسیالیست کارگری مجارستان چندی است کنگره های خود را برگزار کرده اند. در فوریه سال ۱۹۷۶ بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی باید کار خود را آغاز کند. طی این روزها بستان میبازد همین کنگره حزب کمونیست بلغارستان و پانزدهمین کنگره حزب کمونیست چکوسلوواکی و نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان و هفدهمین کنگره حزب توده انقلابی مغولستان برگزار خواهد کرد. بدین جامع عالی حزبی به تجزیه و تحلیل عمیق تمام جوانب زندگی کشورهای سوسیالیستی خواهد پرداخت و اسناد آنها را بنویسد و قانون تکامل و پیشرفت بعدی را جمع خواهد شد.

کمونیستها در این کنگره های هیئتی با بررسی و موفقیتهای اقتصادی هر یک از کشورهای و تمام خانواده خلقهای برای روز پراژماده خواهند شد. برتریهای سیستم اقتصاد سوسیالیستی بر سرمایه داری آشکار است. در ظرف چهار سال اخیر درآمد ملی در کشورهای شوروی تعاون اقتصادی پیش از ۲۹ درصد و فرآورده های صنعتی ۳۶ درصد افزایش یافته است و این در حالی است که همین شاخص ها در کشورهای "بازار مشترک" از ۱۵ درصد تنها رو میبندد. کشورهای شوروی تعاون اقتصادی که نزدیک به ۱۹ درصد سرزمینهای جهان و ۱۰ درصد اهالی آنرا در بر میگیرند اینک نزدیک به یک سوم محصول صنایع جهان را تولید میکنند و تحقق برنامه جامع هم پیوندی اقتصاد سوسیالیستی امکان میدهد که این رقم تا دو پنجگ افزایش داده شود. جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجموعه حجم تولیدات صنعتی ایالات متحده آمریکا را پشت سر نهاده است و در برابر کشورهای غربی که عموماً ممالک اقتصادی اروپا هستند فرآورده های صنعتی تولید کرده است. هرگز رشد "فشر" و یا حتی "متنی" از خصوصیات اقتصاد سرمایه داران است که در سالهای اخیر مشخص بحران عمیق گردیده است. آهنگ رشد سریع وثابته که بر این برنامه پنجاهه آینده هم در نظر گرفته شده و سوره

جامعه کشورهای سوسیالیستی است. روزنامه انگلیسی "تایمز" اینطور اعتراف میکند که "بیش از این هیچوقت تضاد میان احسانان اطعمان و همدندی کمپوزه جامعه شوروی است با تزلزل و سردرگمی دائمی اکثریت کشورهای دیگر (یعنی کشورهای سرمایه داری - و. و. ش.) ازین بحران سیاسی و اقتصادی به بحران دیگر تا این اندازه زیاد نبوده است" (۱).

احزاب کمونیست برادر رهبری اقتصاد و کشاورزی بهترین وظیفه سیاسی بررسی خواهند کرد. بهین سبب توجه و آوری کائنات به تکمیل مکانیسم اداره امور اقتصادی و فعالیت دستگاه دولتی در تمام اجزای آن ابراز میکنند کاملاً قابل درک است. کمونیستها در جریان کارکنگره ها نتایج حاصله را عمیقاً تجزیه و تحلیل میکنند، وظائف تازه سیاست اقتصادی را معین میکنند و تعداد زیادی از مسائل را که با انجام وظائف عظیم پیشرفت اجتماعی و فرهنگی، به تکمیل دولت سوسیالیستی و گسترش و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی ارتباط دارند مورد بررسی قرار میدهند.

دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی برادر در حل مسائل جنگ و صلح و نتایج هماهنگی ملی سیاست خارجی دولتشان بدین آشکار است. دوره پنج ساله ای که اینک با پایان میسر شد برای نیروهای شرقی، پنجاهه واقعی مبارزه در راه صلح بود که در جریان آن شرایط مساعدی را گسترش روند انقلابی و کشورهای در کشورهای هر چه بیشتر جنبش جهانی ضد امپریالیستی و آزادی بیشتر فراهم گردید. امروز کسی نمیتواند منکر این گردد که در تشکیل و انجام موفقیت آمیز کنفرانس هلستینکی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی نقش قاطع ایفا کردند. هر چند مخالفان کاهش تشنج میباشند امروز چنین وانمود کنند که گویا این کنفرانس "دام شوروی" بود. آنها قادر نیستند در انکار عموماً که برای سیاست عمیقاً انسانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی احترام لازم را قابل اند تا سرچیده داشته باشند. صلح واقعی حله ارتجاع به نتایج کنفرانس تنگ تر شدن دایره امکانات آنان برای مانورهای سیاسی نیروهای تاجران امپریالیسم است. مجله "مونا پند استین نیوزاند ورلد رپورت" در آستانه کنفرانس هلستینکی نوشت: "کاهش تشنج حفظ قدرت نظامی ماراد شورویماز" (۲).

موفقیتهای کشورهای عضو شوروی تعاون اقتصادی در وجود آوردن شرایط برای تکامل و پیشرفت همه جانبه انسان در جریان درگونیهای کیفی که حتی مضمون و مفهوم زندگی را در بر میگیرد بنویزد و پیشگام است. چنانکه میدانیم بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره های دیگر احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی اعلام داشته اند که ساختن سوسیالیسم پیشرفته با چرخش بنیادی در جهت برآوردن ساختن کامل نیازمند بهیای اجتماعی مردم، بالا بردن رفاه مادی و سطح فرهنگی آنان ارتباطی ناگسستی دارد. نیلینها به تیزوای برای آنکه در این موفقیتهای نزدیک سوسیالیسم با آرزوهای "جامعه صرفی" غرب سرمایه داری را ببینند از خود شتابزدگی نشان دادند. ما همت سوسیالیسم موجود نیز در این است که در این نظام اجتماعی صرف روز افزون نعمتها مادی تنها معیار پیشرفت و تکامل شخصیت نیست، بلکه وسیله ای برای تکامل روحی و شرط فعالیت آکتیو و اخلاقی است. کمونیستها با الزام بیشتر اعلام میدارند که "انسان خلق" آریان سوسیالیسم است. اقدامات فراوان احزاب کمونیست برای تأمین واقعی برابری اجتماعی و عدالت، تکامل هر چه بیشتر سیستم سوسیالیستی خلق، تربیت انسانها با روحیه واداری و آزادی آنها و ارزشهای

1 - "The Tins", September 1, 1975.
2 - "U.S. News and World Report", April 28, 1975, P. 21.

جامعه کشورهای سوسیالیستی و منافع جنبش انقلابی جهانی نیز با طرهمین است. در سوسیالیسم به فرهنگ و سیاست آموزش و پرورش توجه خاصی مبدول میگردد. کشورهای شورای تعامین اقتصاد ی در رفاه عالی مانند تعداد دانش آموزان مدارس و دانشجویان دانشگاه ها، سطح آموزش و پرورش و کمیت کتابهایی که انتشار مییابد و خواننده میشود و تعداد هیئتدگان تأثیر پذیرفته مقام نخست را در جهان دارا میباشند. (۱)

طبق نوشته مطبوعات مترقی جهان توجه علاقه زحمتمندان کشورهای سرمایه داری در حال رشد را بیشتر بر سرمایه و اخلاقی و روحی که در جامعه حکمران است و بر باز استوار و سلطه مستقرانه پول میباشد بخود جلب میکند تا ارقام مربوط به اضافه شدن دستمزدها و اجتناب از زیان خدسات اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی - این پدیده نمونه بسیار خوبی است. اطمنان استوار انصافانه فراد را این جوامع مبتنی بر نوع تاریخی عالی تر نامسا میان مردم بوجودت منافع تمام افراد جامعه است که شیوه زندگی سوسیالیستی را بوجود میآورد.

تجربهای تاریخی بطرز قانعکننده ای به نشان میدهد که تا سوسیالیسم در جهان با همه آهنگی اقترا سوسیالیستی و وحدت و نیروهای چندین برابر افزایش مییابد. هر پنج ساله تازه به تعمیم بیشتر همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی می انجامد. این دیگر عادت شده است. اما اکنون چنان درگزینیهای مهمی بوجود میآید که میتوان از جمله کیفی نوبن همکاری اقتصادی سخن بهمان آورد. در عرصه تولید نزد یکی بلاواسطه انجام میگردد و گذار به اشکال فرنیج تر تعامین مجتمع های اقتصاد ملی تحقق میپذیرد. همکاری بر ماحلی رسیده است که نتفاهم آهنگ ساختن بر تاعلمی پیشرفت امکان پذیر گردیده. بلکه برای استفاده طبع بر تاع از بر تریهای تقسیم گسار بین المللی و پیشرفت نیز شرایط فراهم شده است. بهیستونهمین اجلا سیه شورای تعامین اقتصادی برنامه تدابیر مهمی بودی چند جانبه در سالهای ۱۹۸-۱۹۷۶ را به تصویب رساند. بدین ترتیب مستگیری مشترک و رازدیت و پیشرفت اقتصاد و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را بر سرمایه بین المللی استوار کرد.

تکلیف سوسیالیستی برای نخستین بار با نام واحد ی بوجود آورد نده که بر اساس آن مشترک باشد مسئله طرح های بسیار مظم را مرحله اجرا خواهند گذاشت. وظائفی که از این سند ناشی میشود جز ارگانیک هر یک از برنامه های اقتصاد ملی خواهد بود. بطوریکه از نوشته های مطبوعات بر میآید کشورهای شورای تعامین اقتصادی در آستانه طرحی " نخستین برنامه پنج ساله مهم یهودی " قرار دارند. در نزد یکی اقتصادی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی تا زگی ها هر چه بیشتر با معیارهای کیفی همکاری و نما حساب ساده جمع و تفریق بلکه با اقترا سوسیالیستون ارگانیک صیق نیروهای تولیدی و آنها و نزد یکی ساختارهای اقتصادی ملی تعیین کرد خواهد شد. بدین ترتیب بر تریهای سوسیالیسم هر چه قانعکننده تر نه فقط در جراحی جوی های ملی بلکه مانند بر تری سیستم اقتدا بین المللی سوسیالیستی نیز آشکار میشود و این پیشمیتی نیوع آمیز لنین را که سوسیالیسم رسالت دارد تا گرایش تاریخی با ایجاد اقتصاد جهانی واحد تقاضیم شوند. با برنامه مشترک را به پیشرفت داد میواج کمال رساند. تا بهید خواهد کرد. (۲)

نامسا اشتغال براد را که کشورهای سوسیالیستی، با نوع سرمایه داری و رابط اقتصاد بین المللی

۱ - اقتصاد ملی اتحاد شورای در سال ۱۹۷۶. مسکو. اداره نشریات "آمار و ارقام" ۱۹۷۵

صفحه ۱۳۵ - ۱۳۴. ۲ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۱، ص ۱۶۷.

نمونه یکتا فساد با رزومت و کشورهای در حال رشد و بین حالت ممکن مستگیری اقتصاد خارج را نشان میدهد. روابط نزدیک آنها با جامعه کشورهای سوسیالیستی خاصا استوار انفا ی ماندگسی ثرون و طرف ساختن دشواریهای ترقی اقتصادی است. امروز بگرنیاب دادن با جملاتی نظیر "استثمار جهان سوم"، "از طرف بر قدرت ها" تضاد های موجود میان "شمال ثروتمند" و "جنوب تهیدست" هر چه دشوار تر میشود. وزیر بازرگانی الجزیره در پاسخ نویسنده گان اینجیل جملاتی گفت: " در واقع هم امکاناتی را که کشورهای سوسیالیستی برای همکاری پیشنها میکنند برای کشورهای "جهان سوم" بسیار سودمند است. برای ما بایه و اساسی فراهم میآورد که با آنها بدان آنها را از چرخه استثمارگران خارج ساخته و مسؤلیت کاری را که در آن شرکت داشته اند بعهده آنها محول کنیم. آنها را جز بلوک شمال بشمار آوردم. یعنی جز منطقه ای که منابع کشورهای در حال رشد بدانها سران بر میگردد. و بمنزله آب ریختن بکاسیاب میرالیسم و نادیده گرفتن واقعیت موجود مینی، یعنی واقعیت بر تری سیستم سوسیالیستی است (۱)

یکپارچگی احزاب کومنیست و کارگری در حل مسائل اصولی سیاست داخلی و بین المللی الهامترین مظهر وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی است که نشر های آن بطور وسیع مورد قبول جهان نهمان واقع شده است. رفیق برنرف و دبیر کل کمیتر مرکزی حزب کومنیست اتحاد شوروی ضمن سخنرانی خود در بارز هین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تأکید کرد که: " وحدت احزاب ما، در مسائل بنیادی پیشرفت سوسیالیسم و ساختن کومنیسم امکان داد تا مشی مارکسیستی - لنینیستی صحیح را با طمنان حفظ کنیم. این وحدت باری گرد تا بهیسان عناصر راست و چپ گرا برای خدشه دار کردن مارکسیسم - لنینیسم پاسخ لازم داده شود. امکان داد مشکلاتا واضع فرنیج سیاسی را کلاه بگاید و در برخی از کشورهای پدید میآید بر طرف سازیم. وحدت ما جامعه کشورهای سوسیالیستی را در مجموع به مرحله عالیتری از ترقی اجتماعی ارتقا داد" (۲)

اشکال گوناگون تمامسهای متقابل میان احزاب براد رتشیته گردید. و جومشخصه چنین تمامس های ملی طی سال های اخیر مهارت بود از بر قرار ی مظم تمامسها. کار سازی و وسعت دایره مسائل مورد بحث و بهیتر از همه خد اعلا ی تمیخصی ملاقا تھا.

سوسیالیسم همانند نظام پیشگامان تاریخ معاصر بطور مستقیم از ریزد مسائل فرنیج و آزمون نشد. بهیتر میآورد که نماینده واقعی بر پایه و ستیای ملی دارند. پیشرفت این نظام اجتماعی غنی مستمر بر اتیک با د ستاردهای یافته شده تئوریک راهبردی میآورد. چنین است مکاتیم اقتدا تصمم که ویژه سرشت سوسیالیسم است و بطور اجتناب ناپذیر بر مینماید. جهانی کسب میکند.

سالیهای اخیر در کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی با پیشرفت های مهم احزاب کومنیست در ریخته تئوری شخصی میگردد. بررسی مسائل سوسیالیسم کمال رشد یافته، آینه و وفور استن آن به مجموعه کومنیستی باشد که هر چه بیشتر در نیان میشود. برخی از این مسائل بدین تقرا است: ویژگیهای سوسیالیسم پیشرفته از لحاظ اقتصاد ی سیستم تدابیری که با بردن تمریخصی تولید میدهد تمامها است. راههای یا بردن سلاح علمی و جامع بودن برنامه برزی و تشدید انگیزه های اقتصادی تولید، مسائلی که به هم از بودن انقلاب علمی و فن با نامسا تولیدی سوسیالیستی مربوط میشود و مسائل مربوط به فن حزب، دولت و تکنیک و تخصص در جامعه پیشرفته اقتصادی که از نکته خیراتی میشود. توانائی کومنیست در ارتد و بین منفی درست سیاست و اتخاذ تصممهایی که جو بگویی زمان با گذشتن بر حل و فصل فعالیتها در مسائل تئوریک و تواسزی انقلابی تمامه و شناخت

۱ - " France Nouvelle", 21 Juillet 1975, P. 15.

۲ - "برواد" ۱۱ مارس ۱۹۷۵.

صیقل لوایین پیشرفت اجتماع است که دانش مارکسیستی - لنینیستی آنرا تامین میکند .

برخورد نوازانه و لیبلی بهعلی فرنجی ترین صفا علی که روزانه در جریان ساختن جامعه نوپدید میآید در چهارچوب جامعه کشورهای سوسیالیستی هرچه پیشرفته قاعده ای بین المللی جسد مل معبود و حلوفصل مشترک مسائل مهم سیستم جهانی سوسیالیسم بشکل گسترده ای انجام میگردد گروههای مختلف بولف ها از کشورهای مختلف سوسیالیستی آکا وطنی هرچه بیشتری انتشار میدهند . هنگامی که همزمان فرهنگستانهای علوم این کشورهای ورشته های اقتصاد ، تاریخ ، فلسفه و دیگر علوم اجتماعی توسعه بیشتری پیدا میکنند . ملاقاتهای بدی بران کمیته مرکزی احزاب برادر و شورویتهای آنان در باره مسائل بین المللی ، ایدئولوژیک و ساختن حزب منطقی مرتب شده است .

برگزاری تقریبا همزمان کنگره های حزبی و در زمینه انترناسیونال سومین زندگی جامعه کشورهای سوسیالیستی شایان اهمیت است . این فاکتورها که باید وظایف و وظائف ساختن سوسیالیستی و کمونیستی که فقط از عهد و جامعه کشورهای متحد و یکپارچه برمیآید ، نیست . کشورهای برادر را از میان بردن اختلاف در سطوح پیشرفت اقتصاد همگام به پیش میروند و در همین حال بسیاری از مسائل اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی مشابه را حل و فصل میکنند . برگزاری همزمان کنگره ها همگام از احزاب امکان میدهد شی اصلی تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را هرچند که ملتزد نیال کند .

هئاتنگی نیروها و یکپارچگی کشورهای برادر امروزه نتایج اجتماعی - تاریخی عظیمی بنسار میآورد که به امکان میدهد چنین نتیجه گیری کنیم که جامعه کشورهای سوسیالیستی شاهراه پیشرفت سوسیالیسم را بنزله یک سیستم جهانی تعیین میکند . این جامعه کشورهای سوسیالیستی است که نمونه بی نظیر انترناسیونالیسم را در اقتصاد ، سیاسی ، ایدئولوژی و فرهنگ بدست میدهد . این جامعه کشورهای سوسیالیستی است که وسیع ترین محیط را برای صلح و رفاه بین المللی ، پیشرفت شرایط را برای نزدیکی اقتصاد و یکپارچگی سیاسی کشورهای سوسیالیستی و انترناسیونالیسم سومین شیوه زندگی سوسیالیستی فراهم میآورد . این جامعه کشورهای سوسیالیستی است که با کسب ترین وجهی وحدت را در گام انترناسیونالیسم پرولتری را با اصول و موکراتیکه با بری حقوق و احترام به حق حاکمیت و استقلال ملی در خود جمع میکند . هدف بزرگ کمونیسم انرزی عظیم انترناسیونالیسم است سوسیالیستی را بوجود میآورد .

کنگره های احزاب برادر زکمه حال چنین انترناسیونالیسمی هستند با ذاتا بی نیرومند و در محافل بین المللی دارند . " انزوه شاهان " روزنامه کارگران آلمان غربی پنج سال پیش به صفا بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت : " رویداد های هاستند که نیازی با ننگه آنگاراد و شمار پرویداد های بین المللی قرار دهند ، دارند . آنها بخودی خود چنین اند . اینکه در کشورهای کنگره های حزب کمونیست شوروی را نیک در برد یک چنین رویداد هایی قرار میدهند بدید و زیاد عادی نیست . با اینهمه چنین ارزیابی نسبت به کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اینک مورد قبول همگان است . این ارزیابی کنگره ای است که در دوران ماجرای تاریخ از میان قاطعی سوسیالیسم تعیین میکند " (۱) .

جزایر اوضاع بعدی جهان صحت این سخنان را ثابت کرد . نظریات اساسی و برنامه ها ، ابتکار های صلحخواهانه بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره های احزاب کمونیست در کشورهای برادر یکبارگی بعد ها میلیون نفر میدادند و مرکزها روز ایدئولوژیک واقع گردید . امروز همزمان کنگره های تازه ای که در آنها نمایندگان اکثریت احزاب کمونیست برادر رسماً بر

جهان شرکت می جویند فرارسیده ، کمونیست های کشورهای ، جامعه کشورهای سوسیالیستی به میزان مسئولیت انقلابی خویش وقوف کامل دارند ، نیروی در مقابل انبوه ترین صفوف زحمتکشان که امید آرزوهای خود را ، سوسیالیسم وابسته اند و با شیخ بسیاری از مسائل جهانی در دوران معاشرت از آن می طلبند ، در باره فعالیت خود گزارش میدهند . در راه باش کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی بنسبه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بنسبته پنجاب هوشتمین سالگرد انکتریکه شده است . " ما مطمئنان داریم که بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که در راهتند ، تشکیل خواهد یافت بیرون از شوروی مرحله نویسی نه فقط در پیشرفت کشورها بلکه تمام جنبش انقلابی و در خارج از تمام جامعه بشری در راه صلح ، دموکراسی ، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم و کمونیسم خواهد بود " (۱) . هیچیک از رویداد های مهم در جهان سوسیالیسم از نظر دشمن طبقاتی پنهان نمی ماند . حالا هم انواع و اقسام کارها نشان در آتشی کمونیسم ، ارگانهای مطبوعاتی وابستگانه های رادیو ، گروههای مهاجرین و " فوند های " گوناگونی که با حرص و ولع به امریالیسم خدمت میکنند با نشانیه گیری آشکارا روسی به مسئولین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره های احزاب برادر رسر شدت فعالیت خود افزودند . زراد خانه آنها را بطور عمده همان شیوه های کینه و شکست خورده تشکیل میدهد . شرح و تفسیر در دست رویداد ها ، انجام واه و ناله سالوسانه - بنسبته " نبودن آزادی " استخود زندگی با رها بد بین حالات ایدئولوژیک آتشی کمونیست ها پاسخ داده است .

دشمنان سوسیالیسم پیش از هر چیز بدین علاقه مندند که این واقعیت انکار ناپذیر برآورد شده دار ما زندگی نقش رهبری حزب کمونیست که سلاح مارکسیسم - لنینیسم مجهز است جزء تفکیک ناپذیر و شرط قاطع تمام دستاورد های سوسیالیسم است . در حله هم و پرستولیتی که جامعه کشورهای سوسیالیستی میکند رانند وظائف تاریخی را بر سر رهبری حزب طلب میکند و انحصار است این است که چنین وظائف والا تری را خود احزاب کمونیست در برآبر خود قرار میدهند . ضد کمونیست ها و صیحرانان کمونیسم علمی قادر بر یک نکته عمده اند ، نوریستی زندگی حزبی را تعیین میکند و قانون ولعده آنست نمی باشند . این نکته عمده شیوه تعیین انجام کار های حزبی است .

شیوه تعیین کار حزبی امروزه یعنی بالا بردن کیفیت تمام کار ، کیفیت رهبری ، بدیورت و اداره امور اقتصاد است . شیوه تعیین کار حزبی افزایش مسئولیت کمونیست ها در تمام بخشهای کار حزبی و در زمین های صحت گهودن نسبت بخود برای همرازانده سوسیالیسم و کمونیسم است .

کار یک کمونیست های کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی بنسبته سرجانی و تاریخی انجام میدهند با ضرورت اینهمه را داشتن معضلات و دشواریها ، رفع اشتباهات هر طرف ما را شیخ های رشد " که یک بدید به طبیعی است همراهی باشد . سختگیری آتشی ناپذیر نسبت به نواقص فلاح آزمون شده و تنقید و تنقید از خود و اینها نیز شیوه کار تعیین است . کار کنگره های حزبی نمونه های عالی از تطبیق این شیوه بدست میدهد . زحمتکشان سراسر جهان میتوانند مطمئن باشند که اینصورت بخوابه کنگره ها آنها همیشه صدای اشتیاق و لنینیسمت ها را خواهند شنید .

هر کنگره نویسی از طرف زحمتکشان کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی بنزله مرحله مهمی در زندگی آنان تلقی میشود . راه طی شده ارزیابی میگردد و بعد فها و وظائف کار در مرحله بعدی پیشروی تعیین میشود . اراده و فعالیت توده ها در کارگاههای عالی حزب منعکس میگردد . در آتشی نشان تشکیل کنگره های حزبی در تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و سوسیالی و شوروی و شرقی همگانی

۱ - " Unsere Zeit " , 10 April, 1971 .

بوزه ای بچشم پیروز، زندگی اجتماعی طبع و سرعت بیشتری کسب میکند. طبقات عکسگرها و برادر کارکنانها را در مرکز اخبار و اطلاعات خود قرار داده، اخبار و مسئولیت به دانش گسترده سابقه های کارگوشش در راه انجام وظیفه میزبانانه پنج ساله و افزایش بیشتر ابتکارهای اجتماعی و تولیدی را منتظر میکنند. این بیانگر اعتراف همگان بدین نکته است که سه گزارهای هرکنگره زمینکشان را به احزاب زاهد فهایالی که بخاطر آنها پرچم انترناسیونالیستی مارکسیسم - لنینیم بر فراز جهان با اهتزاز بر آمده نزد بیکتر میکند.

احزاب کمونیست کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در پیشروی خود از یک پیروزی به پیروزی دیگر ناظر میگرددند. کارهای آنها از اهمیت جهانی - تاریخی برخوردار است و به آوند واقعی در روند انقلاب جهانی است. آنها در فعالیت های خویش در راه تصمیم برترهای سوسیالیسم در مقام جامعه کشورهای سوسیالیستی، انجام وظیفه در برابر طبقه کارگر جهانی را می بینند.

میهن پرستی و انترناسیونالیسم کمونیست ها

گفت و شنود اصفا زهن پرید و حزب برادر که در نتیجه صورت گرفت به این موضوع اختصاص داده شده بود. ما متن ضمیمه شده این گفتگو را منتشر میکنیم.

فریدل فوریبرگ
 عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
 حزب کمونیست آتریش
 صل و دوستی
 ضمیمه اجراءیه مرکزی کمیته
 مرکزی حزب کمونیست کانادا

آیا ما می توانیم وظیفه انترناسیونالیستی تضاد وجود دارد ؟

م. دوینگ - نماز به تبادل تجربه و تقابله بربر مسائل تحقیق مانی میهن پرستانه و انترناسیونالیستی در فعالیت احزاب کمونیست از آنرهد پد آمده است که مثلا برای حزب ما یک سلسله مسائل تازه پیش آمده است و بعضی از مسائل هم که همواره ما را بخود مشغول نمیداشتند بلکه دیگرها شدت بیشتری در برابر ما طرح شده است. قضیه از این قرار است که مخازن اقتصادی بیگاری و تورم نقشها موجب گرایش به عقب در جامعه شده بلکه اسباب سر بلند کردن راست ها را نیز فراهم آورده است و روحیه ملتگرایی (ناسیونالیسم) و نوسینیسم را هم که از طرف راستگرایان جدا ده این رویه میسرود برانگیخته است. مخالفان کاهش تفتیح با آنچه روح ملیستیک نامیده می شود و بنوعی خود به رویتها حلت گرایانه تکمیل میکنند و بعضی با بازاران با انواع وسایل میگویند. ما وظیفه خود را در این روش با بلندقرائی و پیروزه جلوگیری از نفوذ آن در جنبش کارگری میدانیم. خطرناکتر از اینها نفوذ ملتگرایی در جنبش کمونیستی است. مخالفان ما در هر چه ایدولوژی اشتیاقی آتشین به پدایش چنین وضعی دارند و مسائل گوناگون ما را به ابتعاد از اصول انترناسیونالیستی تشویق میکنند. ترونیستیکست ها، ما قومیت ها و امثال آنها که بشد فعالیت خود افزودند اند ما را از راست و چپ مورد تشدید قرار میدهند. ما ما را بدین متهم میکنند که گویا میهن پرست نیستیم چون از انترناسیونالیسم در نا چپکیم و یا اینکه میگویند در سیاست خود گویا " مستقل نیستیم " و " وابسته به سوسیالیسم نیستیم ". چنین فشارهایی نمیتواند به فقط در توده های ما وارد بلکه در برخی از کمونیست ها هم موثر واقع گردد. بهمن نسیب روشن ساختن برخی از مسائل حاضر اهمیت است.

فوریبرگ - بله، ما کمونیست های آتریش هم ضرورتا آنچه را شما گفتید احساس میکنیم. من از دیدن کردن بعضی از شما هم آفران میکنم. زیاد شما را با ما تحریف مواضع کمونیست ها در هر گام به

دیناله صفحه ۲۹

در دوران ما احزاب تاریخی عادی تبدیل شده است - در نتیجه انسان امکان دارد بسیاری آنها را بگیرد دست یابد و به اسرارهای آن نایب برآمده رسوخ کند. اما این دوران در درجه اول به مسرکت انقلاب سوسیالیستی، آزادی ملی و انسانی که در سال ۱۹۱۷ آغاز گردید در تاریخ ثبت خواهد شد. از آن تاریخ تاکنون هرولتارها که در گامون مبارزه قرار آورده پرچم صلح و انقلاب را با نهایت قدم و بدون تزلزل بدست گرفته است. در سالهای آینده این پرچم اغراضه ترخواهد شد. هرولتارها این پرچم را با پیروزی کامل بدست خواهد داشت.

جمله و تحریف این ماه مهم سرگرم اند .

مهم پرستی در نظراول مفهوم کلا روشنی است . در فرهنگ ها این کلمه واضع به سه سرزمین به دران و به ایلو تبار صفتی میکند . این سرزمینها گفته اند این یکی از صفت ترین حس ها است ولی تفرها و هزاران سال موجودیت وطن ها بعد از آنکه بگرد زینها در انسانها جا بگزیس شده است (۱) اما با تقسیم شدن جامعه به طبقات ، مفهوم مهم پرستی رنگ طبقاتی بخود میگردد و خرج نیز میگردد . برزاد و مهم پرستی این با آن طبقه ، ملا در صحن پرستی طبقه کارگر مناسبت آن به نظام اجتماعی موجود نمیتواند پیشکش شود . مفهوم انترناسیونالیسم ، بمنزله تعریف همبستگی طبقاتی که از مرزهای ملی فراتر میرود باید فهمیده آید . حال باید بدین تعداد میان مهم پرستی و انترناسیونالیسم تضادی اجتناب ناپذیر است ؟ دشمنان ایدئولوژیک ما ، بپروژه آنها نیکه بطور مستقیم وارد عمل میشوند ، ما با همان اجتناب ناپذیر بر طرف کاربل حل است . بر این پایه است که آنها میگویند گویا کمونیستها مهم پرستی نیستند و بر ما مشکلات و نیازمندیهای طخت خود از نظر منافع مبارزه انترناسیونالیستی طبقه کارگر نگاه میکنند .

اما برای ایدئولوگ های بورژوازی اثبات اینکه گویا کمونیستها با مهم پرستی بیگانه اند هر چه دشوارتر میشود . فاکت ها مانع آنان در این راه است . جنگ جهانی دوم را میتوان از منظر تاریخ زد و در آن هنگام بود که کمونیستها در رأس جنبش مقاومت قرار گرفتند و بورژوازی انحصاری بمصالح کشور خویش خیانت کرد . تجربه و دهها ای خیر با دل قابل گفتند و کافی نشان میدهد که این امریالیست ها هستند که به نیروی جدل میشوند کهر چه بیشتر با منافع ملی دشمن میجویند . این جریان بپروژه در کشورهای کوچک مشاهده میگردد . در این قبیل کشورها سرمایه بخاطر نفع و درآمد اشکاف از منافع ملی و اتباع اینجمازهای بین المللی میکند . در ضمن طبقه کارگر و پرست کمونیست این بیانگر منافع تمام ملت اند . طبقه کارگرانیک با فخر در مرکز من صوف خود قادر است جهت منستی گسترده نیروهای مهم پرست و ضد امپریالیستی را بدینال خود برپا نماید . است حاکمیت را بدست گیرد و مستقلیت پیشرفت و تکامل هر چه بیشتر است را بچشمه گرد . اکنون سال ۱۹۱۷ مفهوم اصولا تازه مهم پرستی سوسیالیستی را بوجود آورد .

دیوگ - اما با توجه دیالکتیک مهم پرستی و انترناسیونالیسم برود از هم جدا گردد . سلفرا در زمینه تفویض - تجربه و مطرح سازیم ، البته میان آن در تضاد وجود دارد . ولی اگر این موضوع نیست ها در این مورد مرد درگ میشود چوسوی . بطریق مصلحتانه کمونیستها با آنکه به تئیسوری مارکسیسم لنینیسم آبراجل میکنند . آنان مکنی به اصل اند که هر ملتی در جامعه سرمایه داری واحد و یکپارچه نیست و اگر منافع بورژوازی طبقه کارگر ، طریقی کامل بپروژه انترناسیونالیستی ، و چلیسور اجتناب ناپذیر منافع بورژوازی بدین کشورها برخورد پیدا میکند . در موضع منافع بنیادین طبقه کارگر کشورهای گوناگون با هم تطابق دارد . مبارزه طبقه کارگر در آزاد و خود با جلا بردن بورژوازیها و برود در جامعه از لحاظ سرمنش و ماهیت خود بین المللی است . این سخنان لنین را با طریقی در ایدئو کمپوگید - سرمایه داری بین المللی است . برای غلبه بر آن اتحاد بین المللی کارگران و سرمایه داری بین المللی آنان ضرورت دارد (۲) . اگر قبول داریم که موفقیتهای روزمندی در راه جامعه نهیستنا موفقیت های جنبش جهانی کارگری و کمونیستی ، اینجاب مستقیم وارد پر روشنی است که منافع ملی طبقه کارگرانیک کشور مهمن اجازت میدهد وظایف انترناسیونالیستی . مبارزه طبقاتی را همانند وظایف

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۲۷ ، صفحه ۱۹۰ .
۲ - جلد ۴ ، صفحه ۴۲ .

وژه نقوش بشمار آوردند . اینجا مواضع مهم پرستانه و انترناسیونالیستی با هم مطابقت میکنند . فن . فوربرگ - اجازه بدید از واقعیت زندگی کشورهای شمالی باوریم ، خصوصاً م بطرفی انترناسیونالیست .

باید اعتراف کرد که کمونیستها در دوران جنگ جهانی دوم فکر میکردند که انترناسیونالیسم بطرفی خواهد شد که در سیستم سرمایه داری باقی ماند . با تصور میکردیم که انترناسیونالیست با تقسیم براه سوسیالیسم خواهد رفت . ولی تناسب نیروها در کشور خارج از آن که پراچینگی جهانی دوم موجود آمده بود ، وظیفه مبارزه در راه حفظ صلح برارزای بود . در تمام جهان بی نشانید اید که بخاطر منافع مردم انترناسیونالیستی ، طبقه کارگران باید از شعار گذارند و برود رنگ براه سوسیالیسم ضرورت پذیرند و شما بطرفی را جانشین آن نمود . در آن هنگام ما با ما گفت شد بدین بورژوازی کمینواست انترناسیونالیست که با ناواقفند زبیروشیم .

م . دیوگ - چپ گرایان شما را تنقید نمیکردند ؟

ف . فوربرگ - تنقید میکردند . حتی سوسیالیست ها هم که در آن سالها هنوز روی بلاک های خود میبوشند . منی - دوگراسی - هدهن - سوسیالیسم . آنها با ما بدین چشم میکردند که فعال شوروی هستیم و بدان نسبت طرفداران بطرفی هستیم که این جریان با سبکبازی منافع اتحاد جماهیر شوروی است . طبیعی است که اتحاد جماهیر شوروی برود بطرفی انترناسیونالیستی است ، ولی ما میگوئیم : بلی ، بطرفی با سبکبازی منافع اتحاد شوروی است ولی بطرفی میزان بیشتر با سبکبازی منافع کشور است ، زیرا پایه درازدنی برای پیشرفت و تکامل کشور مستقل انترناسیونالیست را در حال به حفظ صلح نیزه تا مردم جهان نسبت بدین ایدئولوژی نیستند . کک میکند .

اینکه همه بدین معترف اند که صلح با ما بود ، امروز در کشور ما هیچ نیروی کمپویر بزرگ سفا جرا تو حسارت ندارد که با بطرفی مخالفت کند . امروز ولت ما و آنها قی هم که با بطرفی مخالفت میکردند خود را طرفداران قطد از میکنند . بهمن مناسبت در فعالیتها و صحن پرستانه حزب بنگا نیز تازه ای پیدا میکند . ما با نمونهها و مشخصی نشان میدهم که چگونه در ولت بورژوازی با دفاع از بطرفی در حرف و در عمل بطور مستمر آنرا مورد تهدید قرار میدهند . ما با ما با سیاست کردن انقباض انترناسیونالیسم " با راستش " و گوشه خاکی نا تئوری تبدیل انترناسیونالیسم بمرکز جامعه سوسیالیستی و تبدیل در فتن " فرهنگ انترناسیونالیسم در فرهنگ ایالات متحده و آمریکا و جمهوری فدرال ایالات مخالفت کنیم . صا نهیستنی . در این کشور کمینوا چنین برود میگویم . استقلال و صحت حاکمیت انترناسیونالیسم میکند همه استواری صلح در برابر و با خلق سیاست کاهش تشنج پاریس میبایند . این خود در ضمن حال با همزبانی برای مبارزه انقلابی بر کشور است . این نمونه است که نشان میدهد چگونه همه های مهم پرستانه و انترناسیونالیستی ، چه میبایند .

م . دیوگ - من میتوانم این موضوع را با مثال مربوط به مبارزه در راه استقلال و اقتصاد سیاسی کانادا روشن کنم . این مبارزه بر علیه سلطه امپریالیست بر زندگی فرهنگی ، سیاسی و اقتصاد کشورهای است . امپریالیسم امریکایی ستاری انحصارهای کانادا از منافع طبیعی کشورهای صنعتی آهن ، نفت و گاز طبیعی ، در اختیار بوجوب وظیفه را برخصکند . ما آنکه بچکن در کانادا ایانند از راه کافی وجود ندارد . ما سخنان سبکبازیها یافته نیز انحصارهای چند ملیتی را مناسبت بر روی خشان سخنان سبکبازی میگویند . کمونیستها با این جریان مبارزه میکنند . ما با جواست بر قرار ی مالکیت اجتماعی ، براراضی و منافع طبیعی و انرژی و ایجاد نظام جدید موزکراتیک بپروژه برود اری از آنها هستیم . اینکه در صحن پرستانه کمونیستها شکل مبارزه در راه سیاست خارجی مستقل کانادا و مبارزه بخاطر صلح و کاهش تشنج ، خروج

کانادا، ایالت و اتحاد نظامی با آمریکا و گسترش دوستی و سازگاری با کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را نیز بخود گرفته است. ما همیشه بخود را با تمام جنبش های ضد امپریالیستی در کشورهای مستعمره و ویژه با خلفهای نقد راستناران امپریالیسم کانادا هم شرکت در تشکیل و تقسیم و در برآوردن بد و عدت ضد امپریالیستی طبقه کارگر مبارز میکنیم. این مبارزه بود کجاست؟ روشن است که در این مورد هم هدف ما همین پرستانها و انتزاعی سوسیالیستی در همه چیز است.

ف. فونبرگ - همین پرستی کونیستها همین پرستی فعال و همین پرستی در عمل است. در همین حال شوخیها پیدا میزند. این تنها جنبش کمونیستها و اتحادی موجود نیست بلکه هدف بسیاری از این سزاهای اتحاد جامعه نو، عادلانه تر و شایسته انسان در آن را نیز تصعب میکند.

م. د. ویگ - در این جنبش فونبرگ و آنها با یک نتیجه گیری متفاوت از این بخش گفتگوها را تفریبنا با چنین مضامینی موافق هستید: منافع طبقه کارگر در تمام کشورهای جهان یکسان است و همین سبب همین پرستی واقعی زحمتکشان از انتزاعی سوسیالیسم و از همسنگی و همگامی برادرانه طبقه کارگر کشورهای گوناگون در مبارزه بر علیه امپریالیسم و در راه صلح و دموکراسی جهان و در آزاد کردن و سوسیالیسم جدا از ناپایداری است. حزب کونیست با سازمان دادن بدین مبارزه و همانند دیگرترین مدافع منافع طبقه کارگر و زحمتکارانی شرقی ترین طبقه ای را که به بهترین وجهی با این منافع کثرت ملت است پیوند دارد.

ف. فونبرگ - موافقم. اما باید دید این یکطرف مسئله یعنی به جنبه تطابق ما نسبی همین پرستی و انتزاعی سوسیالیستی در عمل است کونیستها نیز اخته ایم؟ آنها در عمل نمونه حساسی با کیفیت متغای وجود ندارد.

ف. فونبرگ - به عقیده من در احزاب برادر پر سر حاکم اصولی در بهاره ارتباط میان و فاع از مصالح طبقه و طبقه انتزاعی سوسیالیستی اختلاف نظر وجود ندارد. اما همانیم که حقیقت همواره کثرت است و باید از این کسانیکه به سمت ملتگرایی در میغلند همیشه با نشان پر سر حاکم کثرت نظریه ما است تاریخ انتزاعی سوسیالیسم در مبارزه با خطر ابروم: این انتزاعی سوسیالیسم هنگامیکه جنگ امپریالیستی آغاز کرد و ما دست از همها کشیده شد. ولی برای افراد ناستو ارتشها در اثر برخورد با سنگ مشکلات بزرگ. ما مانند دعای ارضی کشورهای نظریه.

م. د. ویگ - روزی که گفته به منافع طبقه یعنی همین پرستی واقعی را از ملتگرایی جدا می سازد هر وقت که یک چنین مسئله شخصی پیدا میگردد باید در قیام معلوم و روشن شود. ولی انجسام این امر کارگزارانی نیست. گاهی لازم است با افکار و روحیه موجود در عهد و های انبوه مردم هم کسبه در دست به بنایست رویداد هائی کثرت ملت گرایی آلوده شده اند به مخالفت برخاست. در ضمن در موضوع ملتگرایی میتوان از منافع تطابق کردن در شرایط ویژه کشورهای اروپای غربی کردن راه ویژه طبقه خود و اشتراکی به تجزیه دیگران آغاز کرد. در ضمن ما باید به علاقتند که کهید ایستش و رشد انواع گوناگون با اصطلاح "مارکسیسم طبقه" و "عدلهای سوسیالیسم" و "کونیسم طبقه" وحدت بهی الظن کونیستها را از هم بپا شد.

مسئله شخصی وجود دارد که از آن کورسال ۱۹۱۷ و مسئله آن استحکام معتقدات انتزاعی سوسیالیست هاست چنانچه نمیتوان آن را نسبت به اتحاد شوروی است. در برکل حزب ما با کشتن انسان فتنه سخرتاری خود در سال ۱۹۶۹ در مسکو برگزار شد. احزاب کونیست و کارگری برآورد شد گفتنی سوسیالیسم همواره زمینه ای برای وحدت در ضمن صلح و سوسیالیسم بوده است (۱).

پشتیبانی از سیاست اتحاد شوروی و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی اینها بهترین خصمه انتزاعی سوسیالیسم در عمل است.

ف. فونبرگ - چنین پشتیبانی خصیصه همین پرستی واقعی نیز هست. به روز و روز امروز با پیچیده و از آنجایی سوسیالیسم امید و آراست بکشتن مشتاقان را با یکدیگر نیز نیست. یکی بر علیه هدفهای طبقه کارگر کشور خویش و دوم بر علیه مبارزه انتزاعی سوسیالیستی آن و سوم بر علیه اتحاد شوروی و سوسیالیسم جهانی و سوسیالیسم و از این روستا مبارزه بر علیه آنجایی سوسیالیسم نه فقط یک طبقه انتزاعی سوسیالیستی بلکه در درجه اول وظیفه همین پرستانه کونیست هاست نسبت به مردم کشورهای است.

ما نمیتوانیم نسبت به حالاتی که به اتحاد شوروی میشود از هر طرف کمی خواهد باشد و بهر شکلی کمی شود پس احتیاط باشیم. بطور مثال نسبت به حالاتی که در پیوسته کونیست چین و ملی اینجا ما با آنجایی سوسیالیسم آشکاری سر کار داریم که باید بدان مبارزه کرد. اما هنگامیکه سخن بر سر مردم کثایست حساسیت رفقای ما در این مسئله و با بر سر کم بهادان اینها به پیوسته آمد های این با آن گام و با این با آن اظهار نظر است که در خارج تر است. در چنین مواردی چه باید کرد. من در اینجا بی اختیار مسئله گفتگو و تری یعنی مسئله اصول حساسیت متقابل احزاب اشاره میکنم. این اصول عدم مداخله در کارهای دیگر ملت ها بعد از آنکه در مورد دیگر احزاب را ضابطه میباشند. ولی در عین حال هر اقدام هر گام و هر رفتار هر یک از احزاب کونیست که از اصول کلی عدم مداخله برای سایر احزاب بی اثر های معینی برآورد دارد و دستکم به بحث و مذاکره می انجامد. آیا این دخالت است یا خیر؟ احزاب ما نسبت به چنین اقدام ها گامی باید واکنش نشان دهند یا نباید واکنش کنند. طریقات اصول عدم دخالت را میرویم پیدا کنیم ولی این امر نباید امکان شور و شورش و از این بی وحشی انتقاد برادران از طرف احزاب برادر را از حقین بپا زد.

م. د. ویگ - بنظر من این مسئله بسیار مهم است. به عقیده ما گاهی در مکرر است و در چهار چوب انتزاعی سوسیالیسم یکجانبه در نمیکنند. بنظر ما بی اشتباهی به چنین مشترک جنبش کونیستی بر سر بهادان در نتیجه خود و کوشش برای تحمل آن در واقع هم با پیوسته در مکرر است. در تمام است. ما اینطور تصور میکنیم که برخی از رفقا با تکیه روی غلبت همین برضایانه ولی حزب خویش با چنان شور و شراکتی مخالفتان روز و روزی خود را به خود وابستگی خویش از اینجا در جماع پر شوروی و حزب کونیست اتحاد شوروی (که در واقع درست است) مشاهده میکنند که وابستگی قانوندانه به جنبش کونیستی جهانی و ارتباط با آنرا هم فراموش میکنند و این چیزی است که دیگر مجاز نیست. زیرا ناخوشایبها به حزب خود بلکه دیگر احزاب و حتی جنبش زبان وارد میآورد.

زینیه منی وحدت جنبش جهانی کونیستی و نیروهای مکررات در واقع گسترش می یابد. تصور میکنم این خواست کونیستها چاکه اصول انتزاعی سوسیالیستی کونیستی را باید به شدت بیشتری مراعات کرد نیز از اینجا سرچشمه میگرد.

ف. فونبرگ - فکر میکنم این سخنان را میتوان نتیجه گیری مسئله دوم به شمار آورد. اما من میخواهم مسئله ملتگرایی را از مجموع دیگری بررسی کنم.

برای اینکه خود معای مردم همراه ما باشد

ف. فونبرگ - اگر نتواند درستی جستن از ملتگرایی کافی بود کارها بسیار ساده انجام میشد. اما ملتگرایی میان مردم وجود دارد. و هنگامی که حزب کونیست بطور روز افزون با این منافع تمام مردم و منافع طبقه بشود. ملتگرایی در صورت عدم کثایت هشامی ما در حزب هم میتواند نمود کند و از طریق

آن به جنبش کمونیستی جهانی سرایت نماید. جنبه دیگر همین مسئله به نظر است: اینکه ما خود همین پرستی و فرق آن با ملتگرایی را در دست دراز میکنیم و آزاد بد رستی با اکثریت سوسیالیسم ارتباط میدهد هم برای ما کافی نیست. ما باید بد اینم چگونگی آنرا به ذهن و آگاهی مردم منتقل کنیم که آنها در کار ملتگرایی و اکثریت سوسیالیسم پرولتری سازمان را درنگند. زیرا بدین آن طبعاً بر حقیقت اثری زیاد و لطیف خواهد داشت.

مسئله ثور یکی به خود معنی مردم به خصوص کادیکم، در کشورهای مختلف با هم فرق دارد. ممکن است همین سبب شده باشد که ما حتی همیشه یکدیگر را خوب درک نمیکنیم. بطور مثال وضع اتریش و فرانسه را با هم مقایسه نمیکنیم. حزب کمونیست در فرانسه همانند بلشویزیسم چین پرست اتریشیته زیاد وارد است. حزب این اتریشیته را در زمینههای جنگ دوم جهانی، زمانیکه کمونیستها در همکار با هم مبارزه ضد فاشیستی قرار گرفتند بسیار گوناگون و آشنایان و رفاه آزادی و استقلال فرانسه را جان خود را فدا کردند اما متعجبانه به خودی خود سبب امروزین کمونیستهای فرانسه نمیکنند. انحصارهای ایتالیا عمدتاً در امریکا و جمهوریون در زمان آلمان این استقلال را تهدید میکنند. در گذشتهها باور میکنند.

وضع در کشورهای بطور بگرمی است. در کشورهای با وقت گسترده، ضد فاشیستی وجود ندارد. بسیاری از اتریشیها تقریباً تا آخر جنگ تحت تاثیر افکار فاشیستی قرار داشتند. کمونیستها در نظر این قبیل افراد خائن بودند. در حالیکه اکثریت بزرگان اتریشی بر علیه روسها، انگلیسها و امریکاییها می جنگیدند. کمونیستها خواستار سترونی و اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و ایالات متحده امریکا نبودند. پس این پرولتری متفقین کمونیستها را با اتحاد شوروی با یون ساختن پیگمها فاشیسم و جناح راست کاران جنگ را طلب میکردند و اینهم شماری نبود که زیاد طرفدار داشته باشد و اینهم بنوعی مستبد و سترونی برای بد نشان ما بود که کمونیستها را با بعضیهاست به متضاد بلصفتیم کنند.

تمام اینها، بدین ترتیب در ذهن مردم آثار عمیق و بیجانانه داشت. ما هم در بررسی از موارد این آثار با همیونی نمیگرفتیم. در نظر ما هر یک که کمونیستها چه در انگلستان و چه در اتریش مبارز بسیار دشواری ایجاد داده اند. کمونیستها تحمل طغیان بسیار زدند. اولین سبب باید بگویم که این سترونی تاحد زیادی از مردم بد دور بود. در حالیکه در فرانسه کاملاً واضح بگرمی بود. در اینجا حزب ارتباط بسیار نزدیکی با مردم داشته است.

چنانکه گفته بود کمپوزیواری تمام اینها را در نظر میگردانند و این خود وظایف ما را در شرایط سترونی مبارزه از جنگهای سیاسی درس گرفت و از آنها بیخبر ماند و در آن وقت که بطور مثال شرکت در مبارزه گروههای انحصاری وقت را با ما ندارند دفاع از مصالح ملی و نظایر این جلوه داد. از آنجمله است: هم حتی میگویم کمپوزیواری متاسفانه چیزهایی را به نظر ما آموخته است. متفقین کمونیسم حتی از موفقیت ما هم استفاده میکنند. بطور مثال پرولتری انقلاب سوسیالیستی در زمان تسلط در کشورهای اشتراکیست سیستم جهانی سوسیالیسم یکی از بزرگترین پیروزیهای طبقه کارگر جهانی است. میبینیم پرستی در کشورهای سوسیالیستی نه فقط حسن و فلاه اری به یاد گاه خوش بلکه به کمترین سوسیالیستی نیز هست. این حسن یا نگرودت مردم و حزب و دولت است. در کشورهای کمونیستها هم روی پیروزی و تشکیل میدهند. آنها با دلتهای پرولتری و مخالفت بر سر میزند.

اما متفقین پرولتری و سوسیالیست دموکرات (ما) تجدید نظر طلبان (روبیونیستها) خود مان هم) نوبههای زندگی کشورهای سوسیالیستی را با هم گوناگونی بشرايط سرمایه داری باطنی می دهند و همین نسبت سوسیالیستی و اتحاد زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی گرد و دلتهای خوشی را در نقطه مقابل تهاوت مخالف کمونیستها بدولتهای پرولتری قرار میدهند.

چنین بدین معنی است: چگونه باید مطالبه کرد و چگونه باید خود را بطرف این خطیونی حرکتی جلب کرد؟ این مسئله به فرجه است.

م. دوینگ - اما تصور میکنم شما این مسئله را از مسئله ای که به بن بست رسیده باشد بحساب نمی آورید؟

ف. فوربرگ - البته - خیر. اما پاسخ آسانی هم برای این مسئله ندارم. از جانب ریز و تکلیف مشخصی بر این ترتیب میگردد که راه باقی بماند یعنی خود ما را از مسئله است. ما هم در بحثهای این اجتماعیم.

م. دوینگ - فکر میکنم به این سؤال کاملاً چگونه تصور خود از همین پرستی و اکثریت سوسیالیسم را باید بکنیم. آیا مردم برسانیم؟ شما تا اندازه معینی با شرح مبارزه حزب کمونیست اتریشی در راه بطرفی ساختن دادید. اینطور نظر میسر کرد که در اینجا مسئله خود در واقع در این است که سمت اساسی مبارزه را گوناگونگی خلق خود و منافع جنبش کارگری جهانی باشد. درست انتخاب کمپوزیواریها را بدقت روشنی فرمول بندی تمام نمود و بعداً راه را به روشنی در راه هدایت این حرکت و نزد یک متحد ساختن بریت کم.

ف. فوربرگ - این درست است. ولی من میخواستم بپرسم مسئله ارتباط همین پرستی و اکثریت سوسیالیسم کمونیستها با وظایف مبارزه در راه دموکراسی بهتر از راه بهار و فصل دموکراسیست که همین پرستی و اکثریت سوسیالیسم، بازگردم. این مسئله امروز مسئله بسیار مهمی است. ما از همین پرستی بسیار افرستیم تا همه ما همین پرستی نیروهای رهبری کنند. طبعاً اینجا پرولتری و اتحاد نمیکنیم. ما از همین پرستی و دموکراسی و فعالیت دیگر از همین پرستی خلق در اینجا میکنیم. ما میگویم: مبارزه در راه هدفتها همین پرستانه بدین شرکت دموکراسیست خود است. انگار بدین ترتیب، زمانیکه طبقه کارگر به پیشتر تبدیل میگردد تا بدین نقطه ای که منافع طبقه است حتی آن بلک میگردانند تمام طبع باشد.

م. دوینگ - آیا بطور مسئله بدین شکل خط معلوم و معین مردم توجه به برجستوریه طبقاتی بدین معنی است؟

ف. فوربرگ - هم اکنون ما خواهیم دید که احزاب بزرگ در این مسئله وارد عمل (بروتیک) چگونه عمل میکنند. اینطور بر ما معانی بدید میگرد که نسبتاً خواستهای طبقه کارگر که خواستهای تاجران را شامل میگردد. در سوسیالیسم اتحاد ما های گسترده ای داشته تا وسیله آنها برزوها و ارجحیها را از اداره امور کارگران بگیرد. تمام اینها برای همین شتی هستند. ممکن است در این مورد تعطف نظرهای گوناگون وجود داشته باشد. اینجا خیلی چیزها را باید به ترتیب قرار داد و متفقین گرد. ولی هیچگونه ما میگردیم همین پرستی بشر از همه زمان شریفش است که همین پرستی مردم را هدایت نماید تا آخرین در آن حرکت که گوناگونها قطعاً باید با روحیه اکثریت سازگار گردند. به خصوص اگر این سازگاری به معنای دوری از مواضع طبقاتی باشد. ما کمونیست است که نسبتاً به هرگز چنین تصویری نداشته اند. آنگاه بزرگان پرولتری آدمیها را خود میمان اکثریت و اینها اکثریت بشوی خود مبارزه می کنند.

اما نسبت به برخورد بدین وظیفه، اینطور نظر میآید که در اینجا معنی به ما است. هرگاه بتوانیم نسبتاً در وسیع و گوناگون میبینیم پرستانه و در ضمن اکثریت سوسیالیستی را فرموله کرد، بنظر ما بهترین آنها عبارت از مبارزه و راه صلح. گاه من تشنج و سیاست هم به تنهایی ملاحظه اخیر میان کشورهای دارای نظام اجتماعی مطاوع است. وظیفه مردم یعنی مبارزه بر علیه سترونی انحصاری بین المللی هم با این وظیفه نخستین ارتباط نزدیک دارد. حیثاً گفتیم که این وظیفه تقریباً نسبتاً

بهم منطبق می شود ولی هرگاه بدانها از نقطه نظر مسائل کمبود بحث و مذاکره است توجه نمودن
مان آنها اختلافهای جدی وجود دارد .

در مبارزه در راه ملیع با انگستریه ترین جبهه متحدین سرگوداریم در این جبهه
توده های خرد و بزرگاری و حتی بخشی از بزرگاری حاضرند با ما در مبارزه شرکت میکنند . در این
مورد وظیفه انترناسیونالیستی مبارزه در راه ملیع را که درین حال وظیفه ملی وسپن برستانه است
نزدت بسیار ساده و آسان متوان به ذهن و آگاهی توده ها رساند . وظیفه دوم نیز در همین حال
هم ملی و هم انترناسیونالیستی است . ولی این ارتباط را با دشواری بیشتری میتوان برقرار نمود .

بطور مثال بزنی از موسسات فریم "Semper" که بواسطه یکسری "مجلس"
است در کشورها ، اعتراض فعالی میکنند . بسبب پدیده ای بحران میحاجان آنها تصمیم گرفتند موسسات
را از این کشور بایرند منتقل کنند زیرا این موسسات در آنجا کمتر است . دیگر انحصارهای بین المللی
هم به همین علت موسسات خود را از آنجا غریب به انترنشنال منتقل میکنند . معلوم است که
در چنین مواردی میان منافع کارگران کشورهای گوناگون اختلاف و تضاد پدید می آید .

م - دوگ - ما همانا قبل اقدامات انحصارهای بین المللی برخورد میکنیم .
"سنتیکس و الکتریک" و "جنرال الکتریک" را که تا کنون وظیفه خود را در کارگاهها تطبیق میکنند و
چنین کارخانههایی در بریتانیا ، هونگ کنگ و چین با آن کشور امریکا از لندن و واشینگتن میروند . هزاران
شماره مستکنان کانادا بیکار میشوند . در چنین شرایطی انسان زودتر نسبت به تغییرات دیگر کارخانه
قرار میگیرد .

ف - فونبرگ - شماری را که شرکت کنندگان در انقلاب ۱۹۱۸ ، در شرق خود قرار داده
بودند - اگر توده چین خود را بکشی در همین حال دشمن ما هم کشته ای - امروز میتوان اینطور
فرمود کرد ، اگر توده چین با ما به انحصارهای کشور خود مبارزه میکنی در همین حال بر طبق سرمایه
در کشور من مبارزه کرده ای . احزاب کمونیست و اتحادیه های کارگری در سازمان دادن به عملیات
همبستگی در داخل کشور خود تجرب بسیار دارند . در این مورد بعضی انتقال تولید از یک کشور به کشور
دیگر منطقی میبود اگر در هر دو کشور آن مخالفت نمود .

م - دوگ - با این بزرگ توده های کثرتی از چین همبستگی در دست داریم .

ف - فونبرگ - بله ، بطور مثال در سال ۱۹۳۳ بود که کارگران موسسات کبکین چنین
طبی "آکسیژن" در جمهوری فدرال آلمان ، هلند ، بلژیک و اتریش با اقدامات مشترک خود سرمایه
داران را مجبور کردند از نقطه کاهش تولید در جمهوری فدرال آلمان و هلند صرف نظر کنند . اینک آمریکا
مشترک بر طبق تصمیم میحاجان کارخانهها در انجمن ۶۰۰۰ فصل (مجله کار) مبارزه میکنند .
البته برپا داشتن تظاهرات و شرکت در اعتصاب کار ساده ای نیست ، بهر چه در مورد اینها همبستگی
با کارگران دیگر کشورهای بسیار آسان نیست خود انسان کارگر را از دست بدهد . ولی زندگی نشان
میدهد که این کارها شدنی و ضروری است .

م - دوگ - تجربه بدست ما میوز : اگر بواسطه موفقیتی باید تا حد و مضمینی از خود گذشتگی
کنی . گاهی کم به امداد به ارتباط میان موفقیت در چهارچوب ملی و بین المللی بحارگران توده
میگردد . بنظر من جلب جوانان به شرکت در جنبش های همبستگی از اهمیت خاصی برخوردار است
جوانان با تعالیم هر چه بیشتری در اقداماتی که با منظور مبارزه با انحصارهای چند ملیتی و در راه استیلا
واقعی کانادا و اطلح و کاهش تنوع انجام میدهند هم شرکت میکنند . جوانان تمام این مسائل را در
میکند و آنها آشنایی هستند و با آنان را از طریق شرکت در این قبیل اقدامات برای در نهایت پیشه جایی
انترناسیونالیستی خود آسان میکنیم .

ف - فونبرگ - اگر خواهیم از جوانان کشورها صحبت بمان آری باید بگویم ما تا قسم
بزرگ توده ای موفق شد ایمت از همان بخشی از آنان را با ملتگرایی میجوید بعضی راهی بر ملا نقدی
سیاسی و جهان وطنی جامعه صرخی انگیسد . از تظاهرات گروهی از دانشجویان نباید در خارج
انتباه شد ، باید به خاطر داشت که اکثریت دانشجویان در واقع نسبت به سیاست بیگانه و گرفتار
عقلانی خود میباشند . ولی در همین حال افرادی هستند (در رجه اول میان جوانان کارگر)

که نسبتا نسبت به مسائل سیاسی علاقه نشان میدهند ، بلکه باید به بر اساس سرمایه سیاسی گام نهند .
جنبش همبستگی با اتمام و در این اواخر بر پرتال و اجتماعات این شبکه را تا به حد میکند . اما تصور میکنم
موفقیت در تربیت انترناسیونالیستی جوانان بطور واقعی تنها هنگامی در دست خواهد داد که بتوانیم
بطور واقعی بکنند ، ای به این بر سرش های جوانان پاسخ دهیم : چه موجب فاشیسم تا چاهل وجود
دارد ، چه موجب بیست بیست نسبی زحمتکاران اروپای غربی ، آیا با استفاده امریکا و کانادا هنوز

هم به جبهای خون هرق خلقهای مستعمره های سابق تاج می شود یا لا خیره چه موجب جنبش جهانی
کارگری را امروز ملتگرایی را از این نبرده است ؟ اینها هنوز جنبه های ضعیف فعالیتها است .
راست است که این نظریه در کشورها بسیار رایج دارد که : اگر بترکائی کار خودی بود
تعداد بیشتری از جوانان را بطرف خود جلب کنی . اما این نقطه نظر کاملا درست نیست . این
نظریه ها هم موجب پاس و دل سردی میشود . کار میکنم - کار میکنم - ولی نتیجه مطلوبی بدست
نماید . این وضع متخالف به بدینی انجامد . البته هر چه امروز با بترکائی مبارزه در آید اما آن
ترخواه بود ، اما با برداشتن با بترکائی بکل در مسائل سازمانی و تشدید بد تبلیغات میتوان جوانان را
به جنبش جلب کرد تا درست است . باید از زود اد های سازمان اجتماعی که اینها شروع می شوند د بهتر
استفاده کرد . این رویه را میتوان به جلب سریع جوانان به سیاست تکم کند .

م - دوگ - بزرگاری در کارگاهها در این طرف ساختن جوانان به موفقیت نسبی نشان داده
است . جوانان علاقه کثری به احزاب سیاسی نشان میدهند . ولی به نظر ما این را نباید از نظر دور
داشت که حمایت تنها حزب نیست . جنبش های دموکراتیک هم به امور سیاسی اشتغال دارند .
گسترش و پیشرفت جنبش های توده ای دموکراتیک ، ضد انحصاری و ضد امپریالیستی در کارگاهها
به بد متاز است . جوانان هم در این جنبشها کتب سیاسی معینی را میگردانند . در نتیجه اینها
امروز نسبت به جوانان در کارگاهها در چهارچوب جامعه سرمایه داری آید و برای خود نمی بینند
آنان در جستجوی و کاوش اند . فعالیتهای علاقه و مهارت در کمک آنها بر این بافتن راه درست در
اینجا اهمیت و ارزش زیادی دارد . وقتی شاعرین فونبرگ درباره شرایط لازم برای شرکت توده ای
جوانان در سیاست صحبت میکنند من شما را درک میکنم ، ولی بنظر من مقصد شماست روی دست
گذشتن و منتظر رویدادها نشستن نبود .

ف - فونبرگ - البته ، خیر . اما به واسطه تاکید کم که باید واقعبینانه حساب آورد .

م - دوگ - ما از این بخود میبایم که تعداد هر چه بیشتری از کارگاهها ، کارگران
کانادا و دیگران از مواضع صحن برستانه نسبت کمونیست دفاع میکنند و شروع به شرکت در اقدامات ما
در زمینه همبستگی می نمایند . تا همین چند پیش تقریبا هر سه کارگاههای بلنفر ، اوجیه کارگران
هم (طبق آمار همه پرس) مبارزه در راه حقوق اسکیموها بوسمان کانادا را وظیفه خود نمیدانست
امروز مبارزه این مردم مستکش و استتار شده و با مبارزه طبقه کارگر مشکل کانادا یکسان حساب می آید .
البته ، بهر آن آنچه انجام شده باید کار کرد . روشن است که ما هم در این گفتگو تمام
مسائلی را که حل فصل آنها را بخود اهمیت است احاطه نکردیم . تنها در این باره می توانیم
دیگر تاکید کم که : معضلاتی که در کشورهای جداگانه در برابر کمونیستها قرار دارد و هم چنین

وظائف همین پرستانه را جدا از جنبه انقلابی جهانی نمیتوان محاسب کرد و آنرا هم باید محاسب کرد. هرگاه اهمیت یک صنعتگر در نظر پادشاهان تاریک نیست تا اهمیت آن را در چرخه تحول مشترک جنبش کمونیستی قرار ندهند، آن فرد از موضع طبقه خود باخواه طبقاتی در ضمن کفالت محض دور افتد. فوریت کار در باره این مسئله بطور کلی باید گفت که تا طبعاً تمام جهات و جنبه‌های آنرا مورد بررسی قرار ندهیم، نمیتوانیم از اسباب اثر فقط مطرح ساختیم. بعد از آنکه جوابی با تأییدیه داده باشیم، فکر کنیم این باره در طبیعتی است. اختیاری از اسباب هم از ما تصمیم تجربه کشورهایی گوناگون داشته و دیگر جمعی عمل میشوند. نشانها بطور کلی که در باره ما قرار دارد، اندک تجربه انجام ملاقاتهای بیشتر برادران ما برین انگیزه تا بعد قیامی کشور روسیه است. مشترک را معلوم کنیم و در ضمن حال موجود اجازه ندهیم که از پیش توافق رسیده اشتراک خیالی نیستی عدول کنیم. زیرا هرگاه ما در مشتق بخودین خود در موفقیتهای دیگر باعدهای جنبش کمونیستی، شناسایی میکردیم و کارهای آنها را میسر میکردیم اوصل معضلات داخلی خود را میفهمیدیم تا بتواند نقطه ضعفی را که در جنبه مشترک پیدا شده است، پیشانند.

ما میفهمند و خواهد بود اگر موفق شده باشیم تا اندک آنرا کمی نظار دیگران را با این مسأله جلب کرده باشیم.

در باره جوایز نوبل

پیشینه

روایتهای نگارگری

سون ایست گورد از اسلو سوئد :
 هیئت تصمیم‌گیرنده استرم (۱۹۰۱) در کتوز ما در باره جوایز نوبل بسیار سخن میگویند و بحث میکنند. بعضی از تصمیمات کمیته جوایز نوبل نروژ بیخوبیها میکنند و برخی دیگر میگویند این تصمیمات از سبب واقع بینانه نیست و سخت و غبار آلود نگیره سیاسی ایجاد شده است. عده ای دیگر میگویند که بر عود از اتحاد شوروی به جوایز نوبل بهتر تا نیست.
 من می‌فهمم بدانم جوایز نوبل در واقع چیست و چرا اعطای این جوایز اغلب موجب خجالت شده است. شانس می‌شود ؟

پایخ : جوایز نوبل یکی از کمین سال ترین بنیادها از این نوع در جهان میباشد. نخستین در وقت گذشتگان این جوایز در سال ۱۹۰۱ - پنجمین سال بود که در بنیاد نوبل (۱۸۹۶) و در سال ۱۸۹۳) در سوئد تاسیس و تصمیم و از اسبابان صنایع سوئدی انتخاب شدند. طبق وصیت نامه ای که وی از خود بجای گذاشت در حدود تمام سرمایه او (که در آغاز ۳۱ میلیون کرون سوئدی بود) به بنیاد نوبل و گذار کرد بدین جهت موظف گردید به حساب ربح و درآمد های دیگر از این سرمایه جالیسانه پنج جایزه به ارزش برابر به بهترین اکتشافات و اختراعات و فعالیتهای بزرگ در رشته فیزیک، شیمی، فیزیولوژی پزشکی و به دروفاها ترین موفقیتهای در رشته ادبیات و بهترین خدمات در زمینه "بزرگواران خلقها" صلح بین آنها اعطای کند. برقراری جایزه صلح و صلح نوبل گویی منظور بود. اعدا خون بهای قربانیان اطراف وی بجا بفرستد و بکشد. علاوه بر درآمد از این منابع نقد باکس و درآمد های دیگر از تولید وسائل جنگی، از اموال و بنا نیست. با توجه به نود و سه درصد بر این حساب و بر مباد بود که این اختراع کرده و به نفع رسانده است.

در سال ۱۹۶۸ به نوبل یازده جایزه دیگری هم برای بزرگترین کاشفان های در رشته علم اقتصاد افزوده شد. این جایزه را با نوبل و ولش سوئد به نامیت ۳۰۰ سالگی تاسیس نمود مقرر نمود و به یاد بود نوبل اضافه کرد.

بنابا وصیت نامه نوبل ترتیب و مقررات اعطای جایزه بنام او از این قرار است: در رشته فیزیک و شیمی از طرف آکادمی علوم پادشاهی در رشته پزشکی از طرف انجمنهای پزشکی و جراحی پادشاهی کارولین سوئد و عمارت فعالیت در راه استحکام صلح از طرف کمیته ویژه جایزه نوبل است. در رشته ادبیات و فنون در کمیته نوبل پاریس. در رشته فیزیک و شیمی از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته ادبیات و فنون از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته فیزیک و شیمی از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته ادبیات و فنون از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته فیزیک و شیمی از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته ادبیات و فنون از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته فیزیک و شیمی از طرف انجمنهای علمی سوئد. در رشته ادبیات و فنون از طرف انجمنهای علمی سوئد.

ویژه علوم باید گفت که اطمینان این جویبار ازین رشته بدون تردید بزرگ مقام و منزلت بین المللی کسب نموده است. با وجود دشواریهای آشکاری که سرراه برگزیدن نامزد ها برای سه جایزه مربوط به رشته علوم هر ساله باید میشود، چنگا قیامی علمی نبودند و چارخطها را نمیتوانی شده اند و بهر صورت تمایل به بطرفی از خود نشان داده اند. تضاد فی نیست که فخرت درندگان جوائز نوبل در رشته های علوم امروز نشان دهنده (شاخص) نسبتا کامل بزرگترین اختراعات و اولین ترین شخصیت های علمی در رشته فیزیک و شیمی و پزشکی و ریاضیات است. ۲۰ تاکنون است.

ولی در باره جوائز نوبل در رشته ادبیات و ویژه جوائز خاطر فعالیت بنفع صلح بهیچوجه چنین چیزی نمیتوان گفت. در این مورد بارها بگفتا شد که در زمینه ادب تولوزی بطرفی و اطمینانی " مافوق ذبیق " نمیتواند وجود داشته باشد. گمانیکه مسئول اعطای این جوائز " اید کولوزورسک " هستند به مناسبت مثبت و منفی و طبقاتی و سلیقه های تنگ نظرانه بورژوازی خود میدان وسیعی دارند.

بدیهی است متذکران این نیست که در فهرست داورندگان جوائز نوبل در رشته ادبیات نامی این ۲۰ ساله نام نویسنده گانگه از اختراعات جامع عصری بشریا یا بنده جویبار نبره و بهیچ وجه هائی مانند رابندرناث تاگور، رومن رولان، آنا کارولینا برونس، برناردینو مایو و اوسکار وایلد و فولکر و آرنست همینگوی و دیگران از داورندگان جایزه نوبل هستند ولی سرهمین فهرست جوائز نوبل نامهای عبادتی کمند تنها است بحق بدست ترقی پیشرو و غیره و این جوائز نوبل نام نواب بزرگ ادبیات جهان و ادبیات کلاسیک روس مانند لئون تولستوی و آنتون چخوف و یوگن زامیگین و فیلیپ سهرشکیگی و اسی ویلی آکادمی سوئد است.

ولی حتی اگر گوئیم ادبیات قبل از انقلاب روسیه در زمینه دریافت جایزه نوبل در سوئد کسب " بدنامی " کرده و در مورد ادبیات شوروی باید گفت کم نیست بدان تحریم آشکار بکار برده و " بدنامی " همان محافظان خرافت و جهان سالهای متعادل نام کسیم گوگی و ولادیمیر پلخانوفسکی و آکسیسی تولستوی و سایر نویسندگان و شاعران برجسته طبقین از نویسندگانی این طبقین رده آما به دور روسها و " برج عاجی " که بدین تقریفا همان آکادمی سوئد در آن تشکیل جلسه میدهد نموده و طبعی در تعیین جوائز نوبل پس از انقلاب آشکارا در دریافت کنندگان جایزه نوبل در رشته ادبیات تغییر بکار نام روسی چشم خورد. ولی آن هم نتوانستند شوروی بلکه سایر روسان ایران و چین بود که دیگر نامها را در ۱۹۴۳ و در مجله نیروی اوتون برایتین میرونی بودند که او را کسترا موفتی بنامش در " مکتب " است گفته شود که از او اخراج و اسباب پنجاه وضع تغییر کرد و اتحاد شوروی از جوائز نوبل بنامهای جایزه نوبل برخوردار گردید. اما اگر اطمینان جایزه نوبل در رشته ادبیات را از آنگاه تا این تاریخ به معانیل بشماروخوف و یکی از بزرگترین نویسندگان معاصر موفتی " در آن آراء " و " دیدگاه " ما در آن زمان " بدنامی " بود و " بزرگ آکادمی سوئد " و " بزرگ آکادمی سوئد " خصلتی کلاسیک و بورژوازی بنامش شوروی آشکارا داشته است. تصحیحات آن در باره اعطای جوائز ادبیات و این چنین مجلیه " آید کولوزورسک " میشد که موجب تحریک محافظ نویسندگی و مردم شوروی کرد و در نتیجه " جنگ سرد " بدنامی و " بدنامی " خود.

مثلا در سال ۱۹۵۸ در مورد باسترناک بنامی گفته شد. این شاعر مشهور شوروی و نویسنده شوروی سالهای متعادل در حیطه ادبیات با موفقیت فعالیت میکرد ولی کوچکترین توجهی به ادبیات و زیبایی شناسان است که هم به وی مدول نمیداد ولی همینکه باسترناک رمان " در کوزنواکو " را که در ادبیات روسی صمیمیت و نظر اندازنده ساده لوحانه ولی نهایت ضد انقلابی آن قوی بود نوشت بلافاصله از جوائز نوبل و دریافت بازرشکیگی کرد (وی از دریافت جایزه امتناع ورزید)

ارتقا در این سولژنیستین، امین برهاری و آثارهای ضد انقلابی بچام گریند و جایزه نوبل در رشته ادبیات یکی دیگر از خولگیها و تحریکات بزرگ تریا بری و سیاسی ضد شوروی بود. طبق نیت جایزبان خارجی وی در بلم جایزه نوبل سیاست در جنگ سنده بهیچ وجه نبود که تا مطبوعات ارتجاعی از این جنگ باف باسلام و صلوات استقبال میکردند. او را چنان تصور میکردند که گوئی او استانیسکی و آلبرت اینشتین بگری و ریجیای و یجیدی است. (۱)

این جناح چپانی ملاقات بود که سولژنیستین هیرید و مکتب است بدست بیشتر و بدست شوروی علیه حکومت شوروی مبارزه کند و همین جهت به این شوالیه ضد شوروی بسیار جایزه نوبل اعطا نمود. این مطالب هم نیست که این ابتکار از طرف خود آکادمی سوئد بود و بدان مجال اخراج نیست که به سولژنیستین امید بسته بودند آنرا و او را در جهت اقدام زشت و ناپسندی کردند. در مورد جواز صلح نوبل گزارفنگوی نیست اگر گفته شود که در این زمینه فعالیت بنام جوائز نوبل از هر زمینه دیگر با برتر است. با بررسی فهرست گیرندگان جایزه صلح نوبل طی چند دهه سال گذر شته انسان به این نتیجه میرسد که پول نوبل را در این راه اغلب بهیچوجه نباید داد. اندر " شیدا فعالیت لیدر " خشک مفران " برناتازوف و آنتون چخوفین در سالهای ۲۰ که از اطمینان جایزه نوبل در راه استحکام مابین صلح داشته است؟ آفرایشن جبهه باالات متحده آمریکا نتواند بزرگترین جنگ سیاست " چاق بزرگ " هیچ شهادتی به " مبارز در راه صلح " دارد؟ اما به این اشخاص و سایر دیگر نامیاست از آن امیرالیمت ها بر زبان خود بدل انوبل داده شد. نام پروفانچارناست و ستان واقعی و مبارزان پیشرو در راه صلح و دوستی مابین خلقها مانند فریتوف نامن و آلبرت شویتسمر و مارتن لوتھر کینگ. در فهرست داورندگان جایزه صلح بندرت گماند نیست. و همین جهت شکست آور نیست که جمله " پاکس " چاپ سوئد به این نتیجه رسید که " اکنون جایزه صلح نوبل بیش از اینکه به امر صلح مساعدت کند به آن زمان وارد میبازد "

پس چه اتفاق افتاده است؟ شاید مبارزان راستین راه صلح در کریمین ناپدید شده اند. اما چنین نیست. مبارزه در راه و خاست درانی، همزبانی، ممالیت امروز صلح هیچگاه مانند چند دهه سال اخیر با چنین شدتی جریان نداشته است. افراد شایسته انتخاب شدن زیادند. بنظر میرسد وصیت نامه " مشهور نوبل هم اصول انتخاب کردن را کامل در قیق تمهین نموده است. در این وصیتنامه گفته شده است جایزه صلح باید بکسی داده شود که " بدیجات بیشتر و بیشتر مواز با دیگران به امپاروری خلقها و احلال و کاهش ارتش های درانی و مبارز و تشکیل کنفرانس های صلح مساعدت کرده است " (۲)

ولی گنیمت جایزه نوبل استونزیگ (پارلمان) در این دست و پویزه بخش آنرا به نسیوی خشین تقی بیکد. مثلا این کمیته موجودیت جنبش جهانی طرفداران صلح را که توده ای ترین جنبش های ماصراست نادیده نگرفت، اگرچه بروجع بود از فعالیت در میان سوسی " کواکر " که تا حد فیر قابل قیاس با احاطا کنی کوچکتر بود و در جایزه صلح نوبل قدرانی بعمل آمد. این کمیته فعالیت شورای جهانی صلح توجهی نکرد. کنفرانس جهانی نیروها صلحخواه را که در مسکو برگزار شد چیزی نگرفت و نسبت به کنفرانس تاریخی آنتیوئنگاری اروپا که در تابستان سال ۱۹۷۰ با شرکت نمایندگان

۱ - روزنامه نگار امریکایی و " سایر " در مقاله خود " درباره سولژنیستین بدون آنگ " سرچسبا نوشت که هدف این فعالیت تبلیغاتی تلاش برای " تبدیل سولژنیستین به پیشرو صلح بین قهرمانی گزند ناپذیر از سوی " است. International Herald Tribune, February 20, 1970

بهرت ۳۰۰ کیلو تشکیل شد پس فعالیت بود (۶) علاوه بر اینها در دست در حال تشکیل کفرها است
خوابی از این که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی میگردان آن بودند. کمیته اسلحه‌های
گرفت باطمانی جایزه صلح نوبل به کار مینشیند. ساخاروف که کفرها را همسنگی را با وی سیاستی
شروع کردی. نامیده طرفداران واقعی صلح و فعالیت زبانی را بدو نقل بخوانند.

وجهی با اینها نیست که وی سولوتینس در مسکو کسب کافی برهنه روشن است. روزی قیمت کسب
مطابق از تاجیکان برای صلح و قیمت به اتحاد شوروی سیاست و فعالیت زبانی از طرفداران وینا متقابل
نگیند. ساخاروف همگی از همان چند دوری، اخبارها در کمیته است. تبدیل شده و مراب برای اینکه
در کارکن نظامی و سیاسی ستاد خارجی بود اهل اتحاد شوروی داد سخن میدهد.

دانشندان شوروی بارها کوشیده اند که سخن ویدان را در ساخاروف بدار کنند. چهل تن
از دانشندان فرهنگستان علوم شوروی که پنج نفر از آنها درندگان جایزه نوبل در رشته های فیزیک
و شیمی هستند و نامه سرگامه خود منتشره در ماه اکت سال ۱۹۷۳ بیوی اظهار کردند که او از
تعالیبت در زمینه کارهای علمی کارگیز کرد و در واقع به از این تالیفات همزمان به برداشتن از شوروی
و دیگر کفرهای سوسیالیستی تبدیل شده است. دانشندان همین امر از تالیفات به اظهارات
ساخاروف میگویند که در آنها اظهار امید واری کردند که این کار همین روزی کارهای خود اندیشه
و قابل خواهد کرد (۷)

وقتی ساخاروف که به پیوسته توجهی به حیثیتش ندارد و با جا بلوغها و بیگانه ها هم ترا کرد
وادیوش "عداها" گوناگون معارضت تشویق و ترغیب میدود هیچگونه دلیل و ترغیبی را نپذیرد.
بهروزه از اینکه معلوم میشود در دست در رهان تالیفات خود مدد معضران او را بهتر گفته شود گامه
لیسان همکاران که همین برای "شویختر" ساختن از او تدارک دید میدهد.

بدین مناسبت برخی از واقعات و مسائل گذشته را یاد آور میشوم: نیم سپتامبر سال ۱۹۶۳
ت. شاهان عزیز نگار شوروی که تا به روزنا مینگار از روزها که در واقع مخصوص برای ارتباط گرفتن
با جدول ساخاروف در مسکو آغاز شده بود اطلاع داد که "مستفاد وستان" آکاد نمین ساخاروف
او را برای دریافت جایزه صلح نوبل نامزد کرده اند (۳) در هم سپتامبر خبرگزاری آسوشیتد پرس
خبر داد که سولوتینس نیز "گفتگو در ریاست جایزه از اجراع بین المللی نائل آمده بود" طی نامه ای
که در روزنامه "آفتن بوستن" از آن حزب نما غلط کار را در انتشار یافته چنین پیشنهاد کرد که
ساخاروف حتی بدین ظرفیتها فروتنی بکنند و دست از جایزه نوبل بکشند و این پیشنهاد را در هیات
خارجی گروه "نارایا ها" نشأت گرفته بود بگرفی باید کرد. آکاد مینشین به خبرنگاران خاصینی
گفت: "این عمل خوب نیست. این اقدام بهترین پاسخ به تکلیفات طبعیات شوروی علیه من
است. این عمل حاضر اهمیت نوع و رسانه ای نخواهد بود." آسوشیتد پرس "۱۰ سپتامبر ۱۹۶۳
ساخاروف برای حفظ ظاهریتش جمله خبر در این باره افزود که چگونگی ازطمانی جایزه نوبل سیاستساز
"پایبند اتان بوجدان" در اتحاد شوروی بهره رزمیشوند.

۱- نام رئیس جمهوری فلاندا و هرگوتون که در ارتاد اسپرگزاری کفرها را همسنگی صمیم بزرگی داشته
جزو نامزد های دریافت جایزه صلح پیشنهاد شده بود. کمیته اسلحه این پیشنهاد را نپذیرفت.

۲- روزنامه پراودا ۲۹ اوت ۱۹۷۳

۳- جانب توجه است که در دفتر از این "دوستان" ازها مجموع به کفرهای سرنامه در این اروپا
مها جرت کرده و ترا کرد و "سیا" در ونسج و تنظیمات خود شوروی با آفتن بسیار از آنها استقبال
کرده بودند.

ساخاروف کمیته است جمهوریها و ستادی در جهان امپریالیستی حامی او هستند حق داشتن
کنار دریافت بهل جزو نمونل داشتند و بداند. درصاحب مختلف که در این روزها با ارگان اخبار
نفتی هلند "آگامها" مقالات "داشت وی در پاسخ از مقاله های همدردانه همیشه بره روزنامه
بمناسبت "کفرهای" که با و وارد میشود از اینها داشت "من وضع بدی دارم... علاوه بر این
امید دارم کرمص من از این بهتر خواهد شد." (۴) اصلاح خبرگزاری میباید پرس اینترنشنال زوتردام
۷ سپتامبر ۱۹۷۳) نشان و سرگشت بعلت نامزدی برای دریافت جایزه نوبل که از قبل تصمصان
گرفته شده بود بد بصورت آتانی شد (۵)

البته اگر در اینها فردی شخص دیگری برای دریافت جایزه سخن در میان بود، باید برای
چنین اطمینانی بمنظرت بسواز کثیر بود. از اینجاست شروع کنیم که هیچیک از کسانی که ساخاروف را
برای دریافت جایزه پیشنهاد کرده بودند حتی حق صوری انجام این کارها نداشتند. در ابتدا
حتی نمایند کمیته جایزه نوبل اسلوه و راین باره از بازدید رضایت نمود. طبق مقررات موجود
فقط کسانی حق دارند شخصی را برای دریافت این جایزه پیشنهاد کنند که خود دارند این جایزه
باشند و از راههای دولت، پارلمان یا عضو هیئت استادان دانشگاهها یا فلسفه، حقوق، علوم
سیاسی یا عضو کمیته نوبل این جایزه باشند.

دوستان آکاد مینشین که به علوبه انبیر با طرک ما میبایستی شکوک در زمینه فعالیت سیاسی خود
شوروی خیانت کرده است در هیچیک از اینها وارد اخل نمودند. با وجود این میان پنجاه نفری
که برای دریافت جایزه صلح در سال ۱۹۷۵ نامزد شده بودند همین ساخاروف برکنده شده و
نخستین اقدامی که این دارند جایزه تا زاهد و ران رسد و نمود این بود که هشتاد نفر از خود را شریک
افتخارات شخصی مانند آلبرت شویتسر اعلام نمایند.

واقعتیست است که ازطمانی جایزه نوبل بار دیگر برای اینها ی کثیف خود شوروی برای تخفیف
سازد و در راه صلح و تقابلین ملل استفاده شد. اکنون بسیاری از اندیشه ندان کفرهای
سرما به داری که کتاب تازه ساخاروف تحت عنوان بردعی "کشور صلح" با تیراژ زیاد در آنجا
منتشر میشود معتقد میشو ند که وی داشته تمام دارند جایزه صلح نیست. از میان صفحات این
کتاب نه چهره یک فرد انسان دوست، دموکرات و ترقیخواه، بلکه یک عنصر مترجم و نقمن میگذرد
سوسیالیسم و طرفداران خاصا. سرما به داری (برای آفرانکار جدا قلسا) و شخص را میتوان مشاهده
نمود که باطیب خاطر کشور خود را که در میگیرد و بر این احوالات متحده آمریکا با ترفتن سر متعظیم فسرود
میآورد. ساخاروف صراحت "غرب" را تشویق میکند که برای دفاع از "تیراژ" خود شوروی
بفراموش احوالات متحده آمریکا شود و میخواند که در مورد خلع سلاح شتاب نگیرد، شکست تجا و ز
کاری آمریکا در ویتنام را "ترازوی" صافه، "میوهها و ترقیخواه چپ" و "روشنفکران لیبرال" را
نکوهش میکند. اینها کارگردان خود است که کتب طرک کم به سرما به برای نجات از حران "گرمند هارا
سفت" کند. رژیم منویج در زمیلی و تیرزه و کمونیستها به مدافعتین انقلاب را که در میگیرد
و تعجب آور نیست که باره از طرفداران روزی ساخاروف امر و زواری روگردانند. اعضای کمیته
نوبلی جا بزم نهی استند این را در نظر نگیند که به شخصی جا بر میسد هند که اقدامات و فعالیت
وی عمل موجب افزایش تعداد همسنگی بود و شش بدیدم اعتقاد متقابل خواهد شد و از تاجان از اینبر
شخصی در زمینه صلح سلاح جلوگیری خواهد کرد. همچنین مناسبت است که تصمص جنجالی که در سالو

انتاژ کرد بدین ترتیب بود تا باید خاطر میگذرد خود خود شوروی و دشمنان و فعالیت زبانی واکاس نیست
که در اینها فعالیت ازطمانی افتاده و هنوز نتوانسته اند بهطور واقعی این تلاشها را بخوانند ساخاروف را
بسیار میخوشند و در ارتاد بسیار میگردند.

۱ - همچنان اخبار از روزنامه معاری که ۱۱ سپتامبر هرالد تریبون مورخ ۱۸/۱۰/۱۱ سپتامبر هرالد تریبون